

بیت العدل اعظم

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی‌امرالله و دستخط‌های بیت العدل اعظم

تهیه شده توسط دایره مطالعه نصوص و الواح

فوریه ۲۰۲۱

ترجمه دستخط‌های صادره به زبان انگلیسی توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی انجام شده است

* * *

از آثار حضرت بهاءالله

از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

از توقیعات و نامه‌های صادره از جانب حضرت ولی‌امرالله

از قانون اساسی و نامه‌های بیت العدل اعظم

فهرست

* * *

از آثار حضرت بهاءالله

۱۰۱ قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البديع الذى ما شهدت عين الابداع شبهه.

(کتاب اقدس، بند ۱۸۱)

۲۰۱ يا رجال العدل كونوا رعاة اغنام الله فى مملكته و احفظوهم عن الذئاب الذين ظهروا بالاثواب كما تحفظون ابنائكم كذلك ينصحكم الناصح الأمين.

(کتاب اقدس، بند ۵۲)

۳۰۱ قد رجعت الأوقاف المختصة للخيرات الى الله مظهر الآيات ليس لأحد ان يتصرف فيها الا بعد اذن مطلع الوحي و من بعده يرجع الحكم الى الأغصان و من بعدهم الى بيت العدل ان تحقق امره في البلاد ليصرفوها في البقاع المرتفعة في هذا الأمر و فيما امروا به من لدن مقتدر قدير والا ترجع الى اهل البهَاء الذين لا يتكلمون الا بعد اذنه و لا يحكمون الا بما حكم الله في هذا اللوح اولئك اولياء النصر بين السموات و الأرضين ليصرفوها فيما حدّد في الكتاب من لدن عزيز كريم.
(كتاب اقدس، بند ۴۲)

۴۰۱ يا كرمل احمدى ربك قد كنت محترقة بنار الفراق اذاً ماج بحر الوصال امام وجهك بذلك قرّت عينك و عين الوجود و ابتسم نغر الغيب و الشهود طوبى لك بما جعلك الله في هذا اليوم مقرّ عرشه و مطلع آياته و مشرق بيناته طوبى لعبد طاف حولك و ذكر ظهورك و بروزك و ما فزت به من فضل الله ربك خذى كأس البقاء باسم ربك الأبهى ثم اشكره بما بدّل حزنك بالسرور و همك بالفرح الأكبر رحمة من عنده أنّه هو يحبّ المقام الذى استقرّ فيه عرشه و تشرفّ بقدومه و فاز ببقائه و فيه ارتفع ندائه و صعدت زفرائه.

۴۰۲ يا كرمل بشرى صهيون قولى اتى المكنون بسلطان غلب العالم و بنور ساطع به اشرفت الأرض و من عليها اياك ان تكونى متوقفة فى مقامك اسرعى ثم طوفى مدينة الله التى نزلت من السماء و كعبة الله التى كانت مطاف المقرّين و المخلصين و الملائكة العالين و احبّ ان ابشر كلّ بقعة من بقاع الأرض و كلّ مدينة من مدائنها بهذا الظهور الذى به انجذب فؤاد الطّور و نادى السّدره الملك و الملكوت لله ربّ الأرباب هذا يوم فيه بشرّ البحر البرّ و اخبره بما يظهر من بعد من عنايات الله المكنونه المستورة عن العقول و الأبصار يا بحر افرح سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر به اهل البهَاء الذين ذكرهم فى كتاب الأسماء.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهى)

۵۰۱ آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجرى دارند أنّه يلهمهم ما يشاء و هو المدبّر العليم.
(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهى)

۶۰۱ رجال بيت عدل را وصيت مينمايم و بصيانت و حفظ عباد و اماء و اطفال امر ميفرمائيم بايد در جميع احوال بمصالح عباد ناظر باشند.
(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهى)

۷۰۱ رجال بيت عدل الهى بايد در ليالى و ايام بآنچه از افق سماء قلم اعلى در تربيت عباد و تعمير بلاد و حفظ نفوس و صيانت ناموس اشراق نموده ناظر باشند.
(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهى)

۸۰۱ اینفقره از قلم اعلی در این حین مسطور و از کتاب اقدس محسوب امور ملّت معلق است برجال بیت عدل الهی ایشانند امناء الله بین عباد و مطالع الأمر فی بلاده.

۸۰۲ یا حزب الله مربی عالم عدلست چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و ایندو رکن دو چشمه‌اند از برای حیات اهل عالم چون که هر روز را امری و هر حین را حکمتی مقتضی لذا امور به بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند نفوسیکه لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی بر کلّ اطاعت لازم امور سیاسیّه کلّ راجع است به بیت عدل و عبادات به ما انزله الله فی الكتاب.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

۹۰۱ اوست سبب اعظم از برای این عطیّه کبری کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیّه مبذول دارد رؤسای ارض مخصوص امنای بیت عدل الهی در صیانت این مقام و علوّ و حفظ آن جهد بلیغ مبذول دارند و همچنین آنچه لازمست تفحص در احوال رعیت و اطلاع بر اعمال و امور هر حزبی از احزاب از مظاهر قدرت الهی یعنی ملوک و رؤسا میطلبیم که همّت نمایند شاید اختلاف از میان برخیزد و آفاق بنور اتفاق منور شود.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

از آثار و بیانات حضرت عبدالبهاء

۱۰۰۱ و فرع مقدّس و ولیّ امر الله و بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحدّه فقد جحد الله و من انکره فقد انکر الله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابتعد عن الله علیه غضب الله علیه قهر الله و علیه نعمة الله حصن متین امر الله باطاعت من هو ولیّ امر الله محفوظ و مصون ماند و اعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجّه و خضوع و خشوع را بولیّ امر الله داشته باشند.

(الواح وصایای حضرت عبدالبهاء)

۱۱۰۱ اما بیت عدل الّذی جعله الله مصدر کلّ خیر و مصوناً من کلّ خطاء باید بانتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضا باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومیتست یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید این مجمع مرجع کلّ امور است و مؤسّس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در اینمجلس حلّ گردد و ولیّ امر الله رئیس مقدّس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لاینعزل و اگر در اجتماعات بالذات حاضر نشود نائب و وکیل تعیین فرماید و اگر چنانچه عضوی از اعضا گناهی ارتکاب نماید که در حقّ عموم ضرری حاصل شود ولیّ امر الله

صلاحیت اخراج او دارد بعد ملت شخص دیگر انتخاب نماید این بیت عدل مصدر تشریعست و حکومت قوه تنفیذ تشریع باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریع شود تا از ارتباط و التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنت النعم و بهشت برین شود.
(الواح وصایای حضرت عبدالبهاء)

۱۲۰۱ اساس عقائد اهل بها روحی لهم الفداء حضرت ربّ اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لأحبائه القابضین فدا مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و مادون کلّ عباد له و کلّ بأمره يعملون مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع ببیت عدل عمومی ببیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثرت آرا تحقق یابد همان حقّ و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احبّ الشقاق و اظهر التّفاق و اعرض عن ربّ الميثاق ولی مراد بیت العدل عمومیتست که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود یعنی شرق و غرب احبّا که موجودند بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد غرب نظیر انگلیس اعضائی انتخاب نمایند.

۱۲۰۲ و آن اعضا در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرر یابد همان مانند نصّ است و چون بیت عدل واضع قوانین غیر منصوصه از معاملاتست ناسخ آن مسائل نیز تواند بود یعنی بیت عدل الیوم در مسئلهئی قانونی نهد و معمول گردد ولی بعد از صد سال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید اختلاف ازمان حصول یابد بیت عدل ثانی تواند آن مسئله قانونیه را تبدیل بحسب اقتضای زمان نماید زیرا نصّ صریح الهی نیست واضع بیت عدل ناسخ نیز بیت عدل.
(الواح وصایای حضرت عبدالبهاء)

۱۳۰۱ مبدا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود هر ناقض ناکثی بهانهئی کند و علم مخالفت برافرازد و خودرایی کند و باب اجتهاد باز نماید نفسی را حقّ رأیی و اعتقاد مخصوصی نه باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عدها کلّ مخالف فی ضلال مبین.
(الواح وصایای حضرت عبدالبهاء)

۱۴۰۱ خلاصه کلام اینست که قبل از الف نفسی نفس نتواند زد باید در سلک رعیت باشد و خاضع و خاشع اوامر الهی و احکام بیت العدل اگر از حکم بیت العدل عمومی مقدار رأس ابره تجاوز نماید یا در اطاعت توقّف کند مردود و مطرود است.
(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۳۳)

۱۵۰۱ ثمّ اعلمی یا امةالله انّ النّساء عند البهّاء حکمهنّ حکم الرّجال فالکلّ خلق لله خلقهم علی صورته و مثاله ای مظاهر اسمائه و صفاته فلا فرق بینهم و بینهنّ من حیث الرّوحانیّات الأقرب فهو الأقرب سوءاً کان رجالاً او نساءً و کم من امرأة منجذبة فاقت الرّجال فی ظلّ البهّاء و سبقت مشاهیر الآفاق.

۱۵۰۲ و اما بیت العدل بنصوص قاطعه فی شریعة الله اختصّ بالرجال حکمة من عند الله و سیظهر هذه الحکمة کظهر الشمس فی رابعة النهار.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۳۸)

۱۶۰۱ الحمد لله در امر مبارک جمیع این ابواب مسدود است زیرا مرجع مخصوص تعیین شده است که آن مرجع مخصوص حلال جمیع مشکلات است و دافع جمیع اختلاف و همچنین بیت عدل عمومی دافع جمیع اختلاف است آنچه بیت عدل بگوید مقبول و هر نفسی مخالفت نماید مردود ولی هنوز بیت عدل عمومی که شارعست تأسیس نشده است.

۱۶۰۲ دیگر راه اختلافی نمانده ولی هواجس نفسانی مورث اختلاف میشود مثل ناقضین ناقضین شبههائی در میثاق ندارند ولی غرض نفسانی آنانرا بایندرجه رسانده نه اینست که نمیدانند میدانند و مخالفت میکنند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۸۷)

۱۷۰۱ مقصود اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم بحرفی نیست ولو مقام ولایت باشد کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرّح احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه ... زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکلات فرماید و اکثریت آرا آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیتست و او را صیانت از خطا فرماید و در ظلّ جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.

۱۷۰۲ و بیت عدل اعظم بترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نمایند....

۱۷۰۳ و الا تأسیس مشروط بایمان جمیع ممالک عالم نه مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبای ایران وکلائی انتخاب مینمودند و احبای امریک و هند و سائر جهات نیز وکلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود والسلام.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

۱۸۰۱ از میزان کلیّه بدعت سؤال نموده بودی بدعت احکامیست که نصّ کتاب نه و بیت العدل عمومی تصدیق آن ننماید.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

۱۹۰۱ مسائل کلیّه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرّعات راجع ببیت عدل و حکمت این این است که زمان بر یک منوال نماند تغیر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل بمقتضای این مجرا مینمایند.

۱۹۰۲ و همچون ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهند استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض و مسلّم و واجب و متحمّم بر کلّ است ابداً مفرّی از برای نفسی نه.

۱۹۰۳ قل یا قوم انّ بیت العدل الأعظم تحت جناح ربکم الرحمن الرحیم ای صونه و حمایت و حفظه و کلاءته لآنه امر المؤمنین الموقنین باطاعة تلك العصبة الطیبة الطاهرة و الثلّة المقدّسة القاهرة فسلطنتها ملکوتیّة رحمانیّة و احکامها الهامیّة روحانیّة.

۱۹۰۴ باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مدنیّه بیت العدل این است و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگرچه کلیّه مسائل مهمّه مذکور ولی البتّه یک کرور احکام غیر مذکور بود بعد علما بقواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرائع اوّلیه افراد علما استنباطهای مختلف مینمودند و مجرا میشد حال استنباط راجع بهیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت العدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت العدل که اعضایش منتخب و مسلّم عموم ملّت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشتیت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دین الله مضمحلّ شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

۲۰۰۱ و اما احکام غیر مذکوره در کتاب جمیعاً راجع به بیت العدل است نه عبدالبهاء زیرا او مبین حکم مذکور در کتابست نه شارع احکام غیر مذکوره اما بیت العدل عمومی الهی که بعد از اعلان امر الله بانتخاب عموم بهائیان تأسیس میشود آن بیت العدل عمومی شارع احکام غیر منصوصه در کتابست و بر جمیع اطاعت فرض و واجب و حتم است و چون بیت العدل بالاجماع یا باکثریّت آراء احکام غیر منصوصه در کتاب را تعیین نمایند هر کس لم و بم گوید فقد خالف الله فی سلطانه و خاصمه فی برهانه و جادله فی آیاته و انکره فی اوامره.

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

۲۱۰۱ بدان که عصمت بر دو قسم است عصمت ذاتیّه و عصمت صفاتیّه و همچنین سائر اسما و صفات مثل علم ذاتی و علم صفاتی عصمت ذاتیّه مختصّ بمظهر کلیست زیرا عصمت لزوم ذاتی اوست و لزوم ذاتی از شیئی انفکاک نجوید شعاع لزوم ذاتی شمس است و انفکاک از شمس نکند علم لزوم ذاتی حقّ است از حقّ انفکاک ننماید قدرت لزوم ذاتی حقّ است از حقّ انفکاک نکند اگر قابل انفکاک باشد حقّ نیست اگر شعاع از آفتاب انفکاک کند آفتاب نیست لهذا اگر تصوّر انفکاک در عصمت کبری از مظاهر کلیّه گردد آن مظهر کلی نیست و از کمال ذاتی ساقط.

۲۱۰۲ اما عصمت صفاتی لزوم ذاتی شیئی نه بلکه پرتو موهبت عصمت است که از شمس حقیقت بر قلوب بتابد و آن نفوس را نصیب و بهره‌ئی بخشد این نفوس هرچند عصمت ذاتی ندارند ولی در تحت حفظ و حمایت و عصمت حقّند یعنی حقّ آنان را حفظ از خطا فرماید مثلاً بسیاری از نفوس مقدّسه مطلع کبری نبودند ولی در ظلّ حفظ و حمایت الهیّه از خطا

محفوظ و مصون بودند زیرا واسطه فیض بین حق و خلق بودند اگر حق آنانرا از خطا حفظ نفرماید خطای آنان سبب گردد که کل نفوس مؤمنه بخطا افتند و بکلی اساس دین الهی بهم خورد و این لایق و سزاوار حضرت احدیت نه.

۲۱.۳ ما حاصل کلام اینکه عصمت ذاتیه محصور در مظاهر کلیه و عصمت صفاتیّه موهوب نفس مقدسه مثلاً بیت العدل عمومی اگر بشرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن بیت عدل در تحت عصمت و حمایت حق است آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل باتفاق آرا یا اکثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ از خطاست حال اعضای بیت عدل را فرداً فرداً عصمت ذاتی نه و لکن هیئت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند.

۲۱.۴ باری میفرماید که مطلع امر مظهر یفعل ما یشاست و این مقام مختص بذات مقدس است و ما دون را نصیبی از این کمال ذاتی نه یعنی مظاهر کلیه را چون عصمت ذاتیه محقق لهذا آنچه از ایشان صادر عین حقیقت است و مطابق واقع آنان در ظلّ شریعت سابق نیستند آنچه گویند قول حق است و آنچه مجری دارند عمل صدق هیچ مؤمنی را حق اعتراض نه باید در این مقام تسلیم محض بود زیرا مظهر ظهور بحکمت بالغه قائم و شاید عقول از ادراک حکمت خفیه در بعضی امور عاجز لهذا مظهر ظهور کلی آنچه فرماید و آنچه کند محض حکمت است و مطابق واقع.

(کتاب مفاوضات، فصل ۴۵)

۲۲.۱ هر وقت که مجلس بیت العدل عمومی تشکیل شود آنچه بگوید صحیح است در میان تعالیم مبارک کسی مخالفت آنرا نمی کند اما آن بیت العدلی است که از عموم عالم انتخاب شده است که جمیع خلق در ظلّ آن باشد.

۲۲.۲ و آن اختصاصی که در دین بهاءالله است مسئله میثاق است بجهت اینکه اختلاف ابداً نماند کسی نتواند یک مذهب جدیدی ایجاد بکند میثاق و عهد گرفته است مبین را بیان کرده است تا کسی نتواند بگوید که من از کلمات بهاءالله چنین استنباط کرده ام یک مذهبی ایجاد بکند.

(از خطابات حضرت عبدالبهاء)

از توقیعات و نامه های صادره از جانب حضرت ولی امرالله

۲۳.۱ صاحب و منزل این منشور مدنیت آینده عالم که به اوصاف و القاب داور کردگار و شارع احکام ربّ مختار و منجی اعظم و مؤلف قلوب بنی آدم موصوف است در این کتاب به سلاطین عالم شرع انور و ناموس اکبر را ابلاغ فرموده.... در این سفر کریم صریحاً مؤسسه بیت العدل را تأسیس و وظائف مخصوصه اش را تعیین و وارداتش را مشخص و اعضایش را به رجال العدل و وکلاء الله و امناء الرحمن تسمیه....

(ترجمه ای از کتاب قرن بدیع، *God Passes By*)

۲۴۰۱

با انجام وظیفه این محافل اعمّ از محلّی و ملّی در سراسر عالم بهائی به نحوی هماهنگ و با جدّیت و کارآیی، تنها وسیله لازم برای تشکیل بیت العدل اعظم فراهم خواهد بود. این معهد اعلی پس از استقرار باید وضع کلی را مجدداً بررسی نماید و اصولی را که در هر زمان برای اداره امور امر الله مقتضی داند مقرر دارد.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی)

۲۵۰۱

و اما آنچه راجع بترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّا است همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایّام بیت العدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلیّه و رموز و حقایق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاءالله ودیعه گذاشته بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید.

(توقیع مورّخ ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی)

۲۶۰۱

مقصود از تأکیدات متتابعه شدیده در تقویت و نصرت محافل روحانیّه آن بود که اساس امر الله روز بروز وسیعتر و محکمتر گردد و در نظام الهی خللی وارد نشود و روابطی متین و جدید در بین شرق و غرب ایجاد گردد و وحدت بهائی محفوظ ماند و در انظار اهل عالم جلوه‌ئی بدیع کند تا بر اساس اینمحافل بنیان بیوت العدل الهی استوار گردد و بر این بیوت العدل خصوصی قصر مشید بیت العدل عمومی در نهایت نظام و ترتیب و کمال و جلال من دون تعویق و تأخیر مرتفع شود و چون بیت العدل عمومی از حیّز آمال بحیّز شهود و عمل قدم نهد و صیتش در کلّ اکناف و اقالیم مرتفع و مشتهر گردد آنوقت این هیئت مجلّه که بر اساس متین و رزین تمام ملّت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمدّ و مستفیض بوضع و اجرای مشروعاتی متقنه و اقداماتی کلیّه و تأسیساتی باهره پردازد و باینواسطه امر الله صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز شود.

(توقیع مورّخ ۱۹۲۴ حضرت شوقی افندی خطاب به احبّای شرق و غرب)

۲۷۰۱

بشریّتی که از فرط نفاق منشئت گشته و در آتش نفرت می‌گدازد، اکنون بیش از پیش طالب آن محبّتی است که سرچشمه‌اش محبّت الله است، محبّتی که مآلاً و یقیناً تنها حلال مشکلات و مسائل بی‌شمار عالم انسانی خواهد بود. آیا بر ما که قلوبمان مشتعل به نار محبّت الله است واجب نیست که جهد بیشتری نماییم تا آن محبّت را با تمام خلوص و نفوذش در تمام مراوداتمان با هم‌نوعان خود متجلی سازیم؟ باشد که عشق ما به مولای محبوبمان، عشقی همان‌سان خالصانه و صمیمانه در ابراز محبّت به برادران و خواهران روحانی و نیز به نوع انسان جلوه نماید. به شما دوستان عزیز اطمینان می‌دهم که پیشرفت در چنین اموری نامحدود و لانهایه است و موقّیّت ما در ایفای رسالتمان در زندگی نهایتاً به میزان توفیقات ما در این سبیل بستگی خواهد داشت.

۲۷۰۲

و در حالی که می‌کوشیم آن محبّت را به جهانیان عرضه نماییم، بهتر است ذهن خود را از شائبه هرگونه سوء تفاهم ناخوشایندی که ممکن است تصوّر روشن ما را از هدف و روش‌های دقیق این نظم بدیع جهانی تیره و تار نماید پاک سازیم، نظمی چنین خطیر و پیچیده و در عین حال چنین کامل و خردمندانه. مولای محبوب ما در الواح مبارکه وصایای خود نه تنها

قبول قاطعانه آن (نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله) را از ما می طلبد بلکه معرفتی محسنانش بر جهانیان را از ما خواستار است. سعی در شناخت منزلت کامل آن نظم و کوشش برای درک اهمّیت واقعی آن در زمانی چنین کوتاه بعد از آغازش، تلاشی نابهنگام و جسورانه از جانب ما خواهد بود. کسب درکی روشن تر و کامل تر از تمهیدات و مقتضیات این نظم بدیع را باید به گذشت زمان و هدایات بیت العدل اعظم الهی بسپاریم.

(ترجمه ای از توقیع مورّخ ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ حضرت شوقی افندی)

این محافل روحانیّه اولاً محض اجرای این امور تأسیس گشته و ثانیاً مقصد آن تهیّه تمهیدات کامله متقنه از برای تأسیس بیت عدل عمومی الهیست که چون آن محور مرکزی اهل بها در نهایت جلال و اتقان استوار گردد دوره جدیدی رخ بگشاید و نعماً و الطاف سماویّه از آن منحدر گردد و وعود کلّیه جلوه نماید.

(توقیع مورّخ ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴ حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی محلی طهران)

در مورد روشی که باید برای انتخاب محافل روحانی ملّی اتخاذ شود واضح است که متن الواح وصایای مولای محبوب اشاره ای به نحوه انتخاب این محافل ندارد. اما در یکی از الواح اولیّه آن حضرت خطاب به یکی از احبّای ایران مطلب ذیل صریحاً مندرج است:

وکلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود.

این کلمات به وضوح دالّ بر این است که حضرت عبدالهّاء برای تشکیل بیت العدل اعظم یک انتخاب سه مرحله ای معین فرموده اند و بنا بر آنچه صراحتاً در الواح وصایای خود ذکر کرده اند "آن بیوت عدل (یعنی محافل روحانی ملّی) بیت عدل عمومی انتخاب نمایند" واضح است که اعضای محافل روحانی ملّی می باید به طور غیر مستقیم توسط جمهور احبّای در مناطق مربوطه خود انتخاب شوند. با توجّه به این دستورالعملی مکمل است که اصل مذکور در نامه مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ این عبد از احبّای الهی می خواهد تا در هر مملکتی تعداد معینی وکلا انتخاب نمایند تا آن وکلا به نوبه خود، نمایندگان ملّی (بیت عدل خصوصی یا محفل روحانی ملّی) خود را انتخاب کنند، نمایندگان که وظیفه مقدّس و امتیازشان انتخاب بیت العدل اعظم الهی در میقات معین خواهد بود.

(ترجمه ای از توقیع مورّخ ۱۲ مه ۱۹۲۵ حضرت شوقی افندی)

سوف ینکشف القناع باذن ربّنا البهیّ الابهیّ عن وجه ناموسه الاعظم و ینصب میزان دستوره البدیع اساس بیت عدله الاکرم الاقوم الافخم فی هذه البقعة الاحدیة المبارکة البیضاء مطاف الخلائق اجمعین تبارک الله موجد هذا الامر البدیع تبارک الله محدث هذا النور المشرق اللّامع تبارک الله مؤسس هذا البیان الرّقیع^۱ فی تلك العدة القصوى ارض^۲ سوف تنعکس فیها تجلّیات مجامع اللاهوت و انوار صوامع الملکوت فسیحان ربّنا الناصر المقتدر البهیّ الابهیّ.

(توقیع مورّخ نوامبر ۱۹۲۷ خطاب به احبّای شرق)

۳۱.۱ در خصوص سؤالات شما راجع به آن قوانین روحانی که باید مشخصات حیات فردی و اجتماعی بهائی باشد: حضرت شوقی افندی می‌فرمایند که برای پاسخ به این سؤالات باید منتظر تأسیس بیت العدل اعظم بمانیم. این مطالب از بعضی جهات حائز اهمیت است و ما نباید آنها را از حالا با برقراری معیارهایی قاطعانه مقید نماییم.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۲۸ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء)

۳۲.۱ باید دقیقاً به خاطر داشت که بیت العدل محلی و همچنین بیت العدل عمومی صریحاً در کتاب اقدس مقرر گشته است؛ مؤسسه محفل روحانی ملی، در مقام هیئتی فی‌مابین مبتنی بر اذن و تصدیق صریح حضرت عبدالبهاء و به اسم "بیت عدل خصوصی" در الواح وصایای آن حضرت آمده است؛ و روش برگزاری انتخابات بیت عدل عمومی و خصوصی نیز در الواح وصایا و برخی دیگر از الواح هیکل اطهر مشخص گردیده است. به علاوه، مؤسسه صندوق محلی و ملی که حال از توابع ضروریّه تمام محافل روحانی محلی و ملی است نه فقط توسط حضرت عبدالبهاء در الواح خطاب به یاران شرق تأسیس شده بلکه اهمیت و لزوم آن مکرراً در آثار و بیانات مبارک تأکید گردیده است. تمرکز اختیارات جامعه در دست نمایندگان منتخب احبّاء، لزوم اطاعت هر یک از پیروان آیین بهائی از رأی محافل روحانی، ترجیح هیکل اطهر به اتفاق آرا در تصمیمات، قاطعیت رأی اکثریت، و حتی ضرورت نظارت بر تمام نشریات بهائی، همگی در الواح مؤثقی که در اقطار عالم منتشر گردیده صریحاً ذکر شده است. قبول تعالیم عمومی و انسان‌دوستانه آن حضرت از یک طرف و رد کردن و کنار گذاشتن فرائض ممتاز و دشوارتر آن حضرت با بی‌تفاوتی و مسامحه از طرف دیگر بمنزله سرپیچی آشکار از منویات قلبی آن حضرت خواهد بود.

۳۲.۲ حضرت عبدالبهاء به صراحت کامل تأکید فرموده‌اند که در آینده، محافل روحانی امروز جای خود را به بیوت عدل خواهند داد و این دو از هر نظر و هدف هم‌سان بوده هیئت‌های متفاوتی نیستند. آن حضرت در لوحی خطاب به اعضای اولین محفل روحانی شیکاگو که اولین هیئت منتخب بهائی در ایالات متحده بود، آنان را اعضای "بیت عدل" شهر شیکاگو مخاطب ساخته و از این طریق با قلم مبارک‌شان مقرر فرمودند که بدون شک محافل روحانی کنونی همان بیوت عدلی هستند که حضرت بهاءالله بدان اشاره فرموده‌اند. اما به دلایلی واضح و به اقتضای حکمت موقتاً این هیئت‌های منتخب به اسم محافل روحانی موصوف گشته‌اند و در آینده چون اهداف و مقام امر بهائی بیشتر درک و شناخته شود به تدریج این هیئت‌ها به اسم دائمی و مناسب‌تر بیت العدل تسمیه خواهند شد. اما محافل روحانی امروز نه تنها در آینده نام دیگری خواهند داشت بلکه قادر خواهند شد که بر وظایف کنونی خود، آن قدرت‌ها، اختیارات و مسئولیت‌های دیگری را نیز بیفزایند که از مستلزمات رسمیت امر حضرت بهاءالله است، رسمیت نه تنها به عنوان یکی از نظام‌های دینی عالم بلکه به عنوان دین رسمی یک کشور مستقل. و با نفوذ آیین بهائی در میان توده مردم در شرق و غرب و قبول حقایقش از طرف اکثریت مردم تعدادی از کشورهای مستقل جهان، بیت العدل اعظم به اعلی درجات اختیارات خود نائل گشته به عنوان اعلی مقام جامعه مشترک المنافع بهائی، جمیع حقوق و وظایف و مسئولیت‌های تفویض شده بر آبر حکومت جهانی را عهده‌دار خواهد شد.

۳۲.۳ اما در این جا باید متذکر شد که برخلاف آنچه با اطمینان تأکید شده است، تأسیس بیت العدل اعظم به هیچ وجه مشروط به قبول آیین بهائی از طرف عامه مردم جهان و یا حتی اکثریت جمعیت هیچ کشور معینی نیست. چنان که نفس حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح اولیّه خویش امکان تشکیل بیت العدل اعظم را در زمان حیات خویش مطرح فرموده‌اند و اگر اوضاع و احوال نامساعد حکومت عثمانی در آن زمان وجود نداشت احتمالاً قدم‌های اولیه را برای تأسیس بیت العدل اعظم

برمی‌داشتند. بنا بر این واضح است که اگر چنانچه شرایط مناسبی به وجود آید تا احبای ایران و احبای کشورهای مجاور تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بتوانند وکلای ملی خود را انتخاب کنند بر طبق اصول و هدایات مقرر در آثار حضرت عبدالبهاء، آخرین مانع در راه تشکیل بیت العدل اعظم از میان برداشته خواهد شد. زیرا طبق نص صریح الواح وصایا، محافل ملی شرق و غرب موظف‌اند مستقیماً اعضای بیت العدل اعظم را انتخاب نمایند. تا زمانی که اعضای آن محافل نماینده اتحاد احبای کشور خود نباشند و تا زمانی که تجربه و توانایی لازم برای خدمت فعالانه به حیات ارگانیک امر الهی را کسب ننموده باشند، قادر به ایفای وظیفه مقدس خود و بنا نهادن پایه و اساس روحانی برای تشکیل چنان معهد اعلائی در عالم بهائی نخواهند بود.

۳۲۰۴

و نیز هر یک از پیروان آیین بهائی باید به وضوح بداند که مؤسسه ولایت امر الله به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی اختیاراتی را که حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس به بیت العدل اعظم تفویض فرموده‌اند و حضرت عبدالبهاء مکرراً و قطعاً آن را در الواح مبارکه وصایا تأکید نموده‌اند، سلب نمی‌نماید و یا حتی به قدر سر مویی از اهمیت آن نمی‌کاهد؛ مؤسسه ولایت با وصایا و آثار حضرت بهاءالله تضادی ندارد و هیچ یک از دستورات منزله آن حضرت را ملغی نمی‌سازد. مؤسسه ولایت بر اعتبار بیت العدل اعظم می‌افزاید و بدون آنکه سر مویی نسبت به حریم کاملاً مشخص قدرت و اختیار آن مجمع اعلی تخطی ورزد، مقام بلندش را استحکام بخشیده، وحدتش را حفظ نموده، و تداوم اقداماتش را تضمین می‌نماید. در واقع ما از نظر زمانی به سند عظیم و تاریخی الواح وصایای مبارک چنان نزدیکیم که نمی‌توانیم مدعی درک کامل همه مفاهیم باشیم، و یا گمان کنیم که به اسرار بی‌شماری که قطعاً در آن مکنون است پی برده‌ایم. فقط نسل‌های آینده می‌توانند بر قدر و منزلت این شاهکار الهی که دست قدرت معمار اعظم عالم برای وحدت و نصرت امر جهان‌گیر حضرت بهاءالله آفریده است وقوف یابند. فقط آیندگانند که قادرند به قدر و ارزش تأکیدات شدید و شگفت‌انگیزی را که در این سند عظیم بر دو مؤسسه بیت العدل اعظم و ولایت امر الهی شده پی برند.

(ترجمه‌ای از توفیق مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ حضرت شوقی افندی)

۳۳۰۱

محافل مقدسه مرکزی اهل بها متدرجاً بر اسس اساس متین و رزین محافل محلیه روحانیه در هر کشوری ثابت و استوار گردد و بر این اعمده مجلله قصر مشید بیت العدل اعظمش مرتفع و منصوب شود و در قطب امکان سر برافرازد و وحدت جمع اهل بها را بر روی زمین من اقصاها الی اقصاها محقق و مجسم سازد احکام منصوبه کتاب مستطاب اقدسش باحسن ما یمکن فی الابداع ترویج و تطبیق و تنفیذ یابد و از آن سرچشمه نظم الهی ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عوالم ترابیه و شافی اسقام و علل مزمنه است بر تمام اقوام و ملل متباینه متباغضه جهان جاری و ساری گردد.

۳۳۰۲

در این ایام آنچه از الزم لوازم محسوب و تقویت اساس امر الهی و ارتفاع شأن و منزلت آئین آسمانی و ترویج احکام شریعت بهائی بآن معلق و مشروط دو امر خطیر است اول تسریع در تهیه موجبات تشکیل بیت العدل اعظم الهی و ثانی اتمام مشروع بناء مشرق الاذکار امریک است....

۳۳۰۳

... پس از تشکیل محفل روحانی ملی بهائی کشور مقدس ایران که به بیت العدل خصوصی در کتاب وصایا موسوم گشته دستور العملی عمومی راجع بانتخابات اخیره بین الملل بهائی که منتهی بتشکیل بیت العدل اعظم گردد بتمام بلدان و اقالیم در شرق و غرب عالم بهائی طبقاً لمبادئه و تعلیماته المندرجه فی الواحه و وصایاه از این شطر بکافه مراکز امریه مستقیماً ارسال گردد عند ذلک تتحقق آمال من فی البهائ و یتّم ما امرنا و کلّفنا به مولانا فی کتابه و وصایاه حیثند یستقرّ عرش حکومت

البهاء فی ارض المیعاد و ینصب میزان العدل و یتموّج علم الاستقلال و ینشقّ حجاب السّتر عن وجه ناموسه الاعظم و تندفق انهر السّنن و الاحکام من بقعته المنوّرة البیضاء بغلبة و هیمنة لم تر شبهها القرون الاولون اذاً یظهر مصداق ما نزل من لسان الکبریاء بان "یا کرمل بشری صهیون قولی اتی المکنون بسلطان غلب العالم و بنور ساطع به اشرفت الارض و من علیها ... یا کرمل ... طوبی لعبد طاف حولک و ذکر ظهورک و بروزک و ما فزت به من فضل الله ربّک ... سوف تجری سفینه الله علیک و یظهر اهل البهاء الذین ذکرهم فی کتاب الاسماء" ای احبای الهی تعین ایادی امر الله و تنفیذ احکام مقدّسه شریعت الله و تشریع قوانین متفرّعه از منصوبات کتاب الله و انعقاد مؤتمر بین المللی پیروان امر حضرت بهاءالله و ارتباط جامعه بهائی بانجمنهای متفرّقه علمیّه و ادبیّه و دینیّه و اجتماعیّه کلّ بتشکیل و استقرار بیت عدل اعظم الهی در ارض اقدس در جوار بقاع مرتفعه منوره علیا منوط و معلّق زیرا این معهد اعلی سرچشمه اقدامات و اجرائات کلیّه بهائیانست و معین و مرجع اینعد ناتوان بها تتحقّق آمال اهل البهاء بها تستحکم دعائم الامر علی وجه الغبراء بها تظهر خفیّاته و تتجلّى آثاره و تتموّج رایاته و تسطع انواره علی الخلائق اجمعین.

(توقیع مورّخ ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ حضرت شوقی افندی خطاب به احبای شرق)

۳۴۰۱ باید به راحتی دریابیم که حضرت بهاءالله تنها روح جدیدی در کالبد نوع انسان ندیده‌اند، صرفاً مبادی عمومی خاصی را بیان ننموده و یا فلسفه خاصی را هر چقدر محکم، جامع و عالم گیر ارائه نفرموده‌اند بلکه مضافاً آن حضرت و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء، برخلاف ادیان گذشته، به وضوح و به نحوی مشخص، مجموعه‌ای از احکام تشریع فرموده، مؤسّساتی معین تأسیس کرده و اصول یک نظام الهی را فراهم نموده‌اند. این احکام و این مؤسّسات و این اصول مقدّر است یک الگوی اجتماع آینده و علت کبرای استقرار صلح اعظم و تنها وسیله اتحاد عالم و اعلان حکومت حقّ و عدالت در کره ارض باشد. آن دو نفس مقدّس تنها به تعیین جهات و مسیر لازم برای تحقّق نوایای عالیّه‌ای که موعود انبیای سلف و الهام‌بخش صاحب‌دلان و شاعران قرون پیشین بوده اکتفا نفرمودند بلکه آن دو ذات نورانی با بیانی صریح و قاطع دو مؤسّسه بیت العدل اعظم و ولایت امر الله را به عنوان جانشینان منتخب خویش معین فرموده‌اند که مقدّر است اصول مبارکه را اجرا کنند، احکام را ترویج و مؤسّسات را محافظت نمایند، با تمسّک و درایت، احتیاجات امر الهی را با مقتضیات اجتماع پیشرو تطبیق دهند و میراث مرغوب خلل‌ناپذیری را که بانیان امر الله به عالم انسانی عطا فرموده‌اند به منصّه ظهور رسانند.

۳۴۰۲ امّا شریعت محمدی هرچند از لحاظ تشکیلات دینی از دین مسیح کامل‌تر و مقرّراتش مشخص‌تر است ولی در مورد جانشینی، هیچ نوع دستور کتبی لازم الاجرا و قطعی به پیروانش که موظّف به ترویج امرش بودند ارائه ننمود. زیرا در آیات قرآن که قوانین مربوط به نماز و روزه و ازدواج و طلاق و ارث و حجّ و غیره‌اش با گذشت هزار و سیصد سال بدون تغییر اجرا می‌شود، راجع به حکم جانشینی حضرت رسول هیچ هدایت قاطعی وجود ندارد به طوری که این همه اختلافات و مشاجرات و تفرقه‌ها را که سبب تجزّی اسلام و سلب اعتبارش شده به وجود آورده است.

۳۴۰۳ برخلاف دور حضرت مسیح و دور حضرت محمد و برخلاف همه ادوار گذشته، حواریون حضرت بهاءالله در هر سرزمینی که به جهد و کوشش قائمند کلیّه احکام، اصول، مقرّرات، مؤسّسات و هدايات لازم برای ادا و تکمیل وظایف خود را که به بیانی روشن و صریح و قاطع موجود است، در اختیار دارند. پیروان حضرت بهاءالله می‌توانند هم در تمهیدات اداری دور بهائی و هم در موضوع جانشینی، که در دو مؤسّسه لاینفک بیت العدل اعظم و ولایت امر الله تجسّد یافته است، شواهد

انکارناپذیر هدايات الهیای را به یاری طلبند که هیچ کس قادر به مقاومت و یا تحقیر و یا نادیده گرفتن آن نیست. در این است که خصایص ممتاز دور بهائی نهفته می‌باشد. در این جا است که نیروی وحدت امر الهی و حقایق ظهور مبارکی که ادعایش تخریب یا تضعیف ظهورات قبلی نبوده بلکه ارتباط، اتحاد و اکمال آنها است، نهفته می‌باشد. این است دلیلی که هم حضرت بهاءالله و هم حضرت عبدالبهاء برخی جزئیات نظام الهی را نازل و حتی در آن اصرار نموده و برای ما پیروان خویش به ارث گذاشته‌اند. این است دلیلی که در وصایایشان اینچنین تأکیدی بر قدرت و اختیارات وزرای امر مبارکشان فرموده‌اند.

۳۴.۴

چه که هیچ چیز به جز هدايات صریح آثار آن دو وجود مقدس و لحن شدیداً مؤکدشان در بیان تمهیدات مندرج در وصایایشان نمی‌توانست موجب حفظ و صیانت امر مبارکی شود که در تمام طول حیات مقدسشان با چنان جدیتی برای آن کوشیده‌اند. هیچ چیز جز این نمی‌توانست امر الله را از بدعت‌ها و مفتریاتی که فرق و امم و دول تا کنون علیه آن به کار برده‌اند و در آینده نیز با شدت و حدت بیشتری مورد تهاجم قرار خواهند داد محافظت نماید.

۳۴.۵

همچنین باید به خاطر داشته باشیم که خصیصه ممتاز امر بهائی فقط این نیست که آیین بهائی از کمال و اعتبار بالاتریدی مبتنی بر تعالیم حضرت بهاءالله و عبدالبهاء برخوردار است بلکه فضیلتش در این نیز می‌باشد که آن عناصری که در ادوار گذشته، و بدون کوچک‌ترین مجوزی از جانب شارعش، منشأ فساد و صدمات بی‌شمار به دین الله گردیده بر طبق نصوص صریحه حضرت بهاءالله، مطلقاً حذف شده است. مراسم غیر موجه مربوط به مسائلی از قبیل غسل تعمید، عشاء ربّانی، اقرار به معاصی، و ریاضت، و جهاد، و تعدّد زوجات، و سلطه طبقه روحانیون و تشریفات مفصل دیگر همگی به قلم حضرت بهاءالله اکیداً ملغی گردیده در حالی که شدت و انعطاف‌ناپذیری بعضی دیگر از احکام رایج از قبیل حکم روزه که برای تزکیه حیات روحانی انسان لازم است به طور قابل ملاحظه‌ای تعدیل گشته است.

(ترجمه‌ای از توفیق مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ حضرت شوقی افندی)

۳۵.۱

چنین به نظر می‌رسد که نسل کنونی عمدتاً به خاطر فسادى که در سازمان‌های مختلف وجود دارد با هر نوع مؤسسه‌ای مخالف است. دین به عنوان یک مؤسسه مردود شمرده می‌شود. حکومت به عنوان یک مؤسسه مردود شمرده می‌شود. حتی ازدواج به عنوان یک مؤسسه مردود شمرده می‌شود. این عقاید رایج نباید مانع بصیرت ما بهائیان شود. اگر این باورها صحیح بود لزومی نداشت که مظاهر الهی همواره برای خود جانشینی انتخاب نمایند. شکی نیست که فساد به این مؤسسات دینی راه یافته است ولی این فساد ناشی از ماهیت آنها نبوده بلکه بر اثر فقدان دستورالعمل کافی در باره اختیارات و چگونگی استمرارشان بوده است. آنچه حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند محو همه مؤسسات در امر مبارک نیست بلکه ارائه تدابیر لازمی است که مانع فسادى خواهد شد که موجب اضمحلال مؤسسات مذهبی در گذشته گردیده است. مطالعه و شناخت آن تدابیر بسیار جالب و دانستن آنها نیز کاملاً ضروری است. در توقیعی که اخیراً حضرت ولی‌امرالله خطاب به احبّای غرب مرقوم فرموده‌اند، خصوصیات ممتاز مؤسسه‌ای که حضرت بهاءالله از خود به ودیعه گذاشته و همچنین بعضی از تدابیری را که برای حراست از انحراف و فساد آن مقرر فرموده‌اند مذکور داشته‌اند. یکی از خصوصیات مهمی که به آن افتخار می‌کنیم اینست که در حالی که ادیان گذشته کم و بیش ماهیتی ثابت و راکد داشتند، آثار بهائی ماهیتی پیشرو دارد. این گرایش به پیشرفت را حال چگونه می‌توان بدون وجود مؤسسه‌ای مانند ولایت امر الله و بیت العدل اعظم که اختیار وضع احکام غیر منصوبه حضرت بهاءالله را داراست حفظ نمود؟

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۵ مارس ۱۹۳۰ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۳۶۰۱

در خصوص موقعیت دولت‌های مختلف بعد از تأسیس بیت العدل اعظم سؤال نموده‌اید، در آثار مبارکه این مطلب کاملاً توضیح داده نشده و بیت العدل اعظم است که بعد از تشکیل، در باره آنچه صریحاً نازل نشده تشریع قوانین نماید. (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۲ ژانویه ۱۹۳۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۳۷۰۱

بر طبق نصّ صریح کتاب مستطاب اقدس، بیت العدل اعظم حقّ تغییر هیچ یک از احکام، مقرّرات و قوانین نازله در کتاب اقدس و یا در الواح صادره از قلم حضرت بهاءالله را ندارد. آن معهد می‌تواند مقرّرات و قوانین خود را تغییر دهد ولی هرگز نمی‌تواند موارد نازله از قلم شارع امرالله را تغییر دهد. (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۷ ژوئن ۱۹۳۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۳۸۰۱

در الواح حضرت بهاءالله که در آن تأسیس بیت عدل بین‌المللی و بیوت عدل محلی صریحاً معین و رسماً مقرر گشته است، در مؤسسه ایادی امرالله که ابتدا حضرت بهاءالله و سپس حضرت عبداله‌آ آن را به وجود آوردند، در مؤسسه محافل روحانی محلی و ملی که در ایّام قبل از صعود حضرت عبداله‌آ در مرحله جنینی خود به ایفای وظیفه مشغول بودند، در اختیاراتی که شارع امر الهی و مرکز میثاقش در الواح مقدسه خود به این محافل عنایت فرموده‌اند، در مؤسسه صندوق تبرّعات محلی که بر طبق دستورات مخصوص حضرت عبداله‌آ خطاب به بعضی از محافل روحانی در ایران اداره می‌شد، در آیات کتاب مستطاب اقدس که مقتضیات آن واضحاً مؤسسه ولایت امرالله را پیش‌بینی می‌کند، در توضیح و تأکیدی که حضرت عبداله‌آ در یکی از الواح راجع به اصل موروثی بودن و قانون حقّ تقدّم ولد ارشد که پیغمبران گذشته رعایت می‌نمودند، در جمیع این موارد، اولین نشانه‌های ماهیت و طرز کار نظم اداری را که مقدّر بود الواح وصایای حضرت عبداله‌آ بعداً اعلام و رسماً تأسیس نماید می‌توان ملاحظه نمود.

۳۸۰۲

حال لازم است به تشریح خصایص و وظایف دو رکن این بنیان عظیم الشان اداری یعنی مؤسسه ولایت امرالله و بیت العدل اعظم مبادرت گردد. تشریح کلیّه عناصر متنوعی که در ارتباط با این دو مؤسسه عمل می‌کنند خارج از حدود و مقصد این شرح کلی از حقایق اساسی امرالله می‌باشد. توصیف دقیق و ظریف خصوصیات و تجزیه و تحلیل جامع ماهیت روابطی که این دو رکن اساسی الواح وصایای حضرت عبداله‌آ را از یک سو به یکدیگر متصل و از سوی دیگر هر یک را به شارع امر الهی و مرکز میثاق مرتبط می‌نماید وظیفه‌ایست که نسل‌های آینده بی‌شک آن را کما ینبغی و یلیق ایفا خواهند نمود. منظور فعلی این عبد آنست که بعضی از خصوصیات عمده این طرح را به نحوی توضیح دهم که هر چقدر هم به ساختار عظیمش نزدیکیم، این خصوصیات به قدری روشن است که درک نادرست و یا نادیده انگاشتن آنها عملی غیر قابل قبول است.

۳۸۰۳

در بدو امر باید به نهایت وضوح و بدون هیچ ابهامی مذکور گردد که منشأ این دو مؤسسه نظم اداری حضرت بهاءالله الهی است، وظایف‌شان ضروری و مقصدشان مکمل یکدیگر است. هدف مشترک و بنیادین این دو مؤسسه آنست که استمرار اختیارات موهوبی را که از مصدر امر مبارک سرچشمه می‌گیرد حفظ نمایند، وحدت پیروان آیین نازنین را محفوظ دارند و اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش را صیانت کنند. و این دو مؤسسه لا ینفصم متفقاً عمل می‌نمایند، امور امرالله را اداره

می‌کنند، فعالیت‌ها و مصالح امری را ترویج می‌دهند، قوانین بهائی را تنفیذ می‌کنند و تشکیلات تابعه را حمایت می‌نمایند. و هر یک از این دو مؤسسه منفرداً در حوزه اختیارات معین و واضح خود عمل می‌کند، هر یک نهادهای تابعه خود را دارد نهادهایی که برای اجرای شایسته وظایف و تکالیف آن طرح گشته است. هر یک قدرت، اختیارات، حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخص شده اعمال می‌نماید که هیچ یک با یکدیگر متناقض نیست و به هیچ وجه از مقام و اهمیت دیگر مؤسسه نمی‌کاهد. نه تنها این دو مؤسسه غیر متجانس و هادم اساس هم‌دیگر نیستند بلکه اختیارات و وظایف‌شان مکمل یکدیگر است و اساساً و دائماً در مقاصد خویش متحدند.

۳۸.۴

جدا از مؤسسه ولایت امر الله، نظم جهانی حضرت بهاءالله دچار انشقاق گشته و به طور دائم از آن اصل وراثتی که بر طبق بیان حضرت عبدالبهاء همواره مورد حمایت حکم الهی بوده محروم خواهد گشت. حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار یکی از احبای ایران نازل گردیده می‌فرمایند: ”در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق‌العاده داشته حتی میراث نبوت تعلقی باو داشت.“ بدون چنین مؤسسه‌ای، اصالت امر الله در خطر افتد و ثباتش به شدت متزلزل گردد، از منزلتش کاسته شود و از وسیله‌ای ضروری برای حصول چشم‌اندازی منسجم و درازمدت در طی نسل‌های متوالی بی‌نصیب ماند و هدایاتی که جهت تعریف حدود اقدامات تشریعی نمایندگان منتخبش ضروری است به کلی سلب شود.

۳۸.۵

منفصل از بیت العدل اعظم، مؤسسه‌ای به همان اندازه ضروری، همین نظام الواح و صایای مبارکه حضرت عبدالبهاء از کار بازماند و قادر نخواهد بود آنچه شارع اعظم کتاب اقدس در متن تعالیم اداری و قانونی خود نازل فرموده‌اند تکمیل نماید. (ترجمه‌ای از توقیع مورخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ حضرت شوقی افندی)

۳۹.۱

نباید به هیچ وجه تصوّر رود که نظم اداری آیین حضرت بهاءالله دارای خصوصیات دموکراسی صرف است زیرا شرط اصلی تمام حکومت‌های دموکراتیک آنست که اختیارات‌شان باید اساساً متکی بر اراده ملت باشد و این شرط در این امر اعظم موجود نیست. باید مدّ نظر داشت که همان طور که از بیانات مبارکه حضرت بهاءالله صریحاً مستفاد می‌شود، اعضای بیت العدل اعظم در تمشیت امور اداری امر الله و تشریع قوانین لازمه مکمل احکام کتاب اقدس نه مسئول موکلین خویشند و نه تابع عواطف و آرای عمومی و نه حتی عقاید جمهور مؤمنین و یا متخیین خود. اعضای بیت العدل اعظم باید با توجه و تبّتل از حکم و ندای وجدان خویش تبعیت نمایند و خود را موظف دانند که با اوضاع و احوال جامعه آشنایی کامل حاصل کنند و قضایای محوّله را بدون شائبه غرض غور و بررسی نمایند ولیکن اخذ تصمیم بدون قید و شرط را حقّ مسلم خود دانند. بیان مبارک ”انه یلهمهم ما یشاء“ وعده قاطع حضرت بهاءالله است. پس آنانند که مشمول وصول هدایت الهیه‌ای هستند که سبب حیات و کافل صیانت حتمی شریعت الله است، نه نفوسی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم آنان را انتخاب می‌نمایند. (ترجمه‌ای از توقیع مورخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ حضرت شوقی افندی)

۴۰.۱

حضرت ولی‌امرالله مایلند توجه شما را به این موضوع معطوف دارند که در حال حاضر هیچ محفلی و حتی خود هیکل مبارک نمی‌توانند حقّ وضع هیچ حکم مکمل احکام کتاب مستطاب اقدس را داشته باشند مگر در شرایط استثنایی در قبال مستلزمات مملکتی. و حتی در چنین مواردی حکم وضع شده کاملاً موقتی است. تنها هیئتی که اختیار وضع قانون در چنین اموری به او اعطا گردیده بیت العدل اعظم است و ولیّ امر می‌تواند فقط به عنوان عضو آن هیئت در این تشریع مشارکت

نماید. درست همانطور که تبیین آثار از اختیارات و امتیازات انحصاری ولیّ امر الله است به همین نحو نیز تشریع توسط حضرت بهاءالله صرفاً به بیت العدل عمومی اعطا شده است. بدین ترتیب بین اختیارات تشریع و تبیین تمایزی آشکار موجود است هرچند هر دو رابطه‌ای نزدیک دارند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ ژوئیه ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۴۱۰۱ از میان این شرایط لازمه روحانیته‌ای که اسّ اساس موفقیت همه نقشه‌های تبلیغی، مشروعات مشرق‌الاذکار و طرح‌های مالی می‌باشد، موارد ذیل در رتبه اولی و درجه‌اعلای اهمیت قرار دارد.... این شرایط عبارتند از علو اخلاقی در فعالیت‌های اجتماعی و اداری، تمسک به ذیل عفت و عصمت در حیات فردی، و آزادی کامل از قید تعصبات در رفتار با مردم از نژادها، طبقات، عقاید و الوان گوناگون.

۴۱۰۲ اولین شرط علی‌الخصوص ولی نه منحصرأ مربوط به نمایندگان منتخب آنان اعم از محلی، منطقه‌ای، یا ملی می‌باشد که در مقام امنا و اعضای مؤسسات نورسته امر حضرت بهاءالله مسئولیت مهم بنای پایه و اساس محکم و متین بیت العدل اعظم را بر عهده دارند، معهدی که همانگونه که عنوانش ایجاب می‌کند مقدّر است مروج و محافظ عدل الهی باشد که تنها ضامن امنیت و استقرار قانون و نظم در جهانی است که به نحو غریبی آشفته و بی‌نظم است.

(ترجمه‌ای از توفیق مورّخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ حضرت شوقی افندی، کتاب ظهور عدل الهی، *The Advent of Divine Justice*)

۴۲۰۱ در مرج عکا روضه مبارکه مطهره جمال اقدس ابهی مطاف ملأ اعلی قبله اهل بها و راکبین سفینه حمرا قلب العالم و کعبه الأمم و همچنین در جبل کرمل دو مقام مقدّس اعلی عرش مطهر حضرت نقطه اولی و رمس منور حضرت من طاف حوله الأسماء مشرق الأنوار مکمن الأسرار مصدر الفیض المدرار علی العالمین و در حول این سه ۳ مرقد مقدّس ضریح سلیله البهآء و بقیته^۲ و دو ودیعه الهیه غصن اطهر ابهی و امّ حضرت عبدالبهآء من بعد بمرور ایام مرکز اداری جامعه اهل بها تأسیس گردد و در قرب آن مقامات اعمده دیوان عدل الهی منصوب شود و بیت عدل اعظم استقرار یابد و مشرق‌الاذکار ارض اقدس بنیانش مرتفع گردد و در ظلّ ظلیل این دو مرکز روحانی حزب الله مشروعات جلیله و تأسیسات بین‌المللی اداری و علمی و اجتماعی آئین بهائی تشکیل شود و سریر ملکوت الله مستقرّ شود و علم یابهآء‌الابهی بر اعلی الاعلام منصوب گردد و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود اذاً یتحقّق ما نزل فی لوح الکرمل من قلم عزّ منیر "سوف تجری سفینه الله علیک و یظهر اهل البهآء الذین ذکرهم فی کتاب الأسماء".

(توفیق مورّخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹ حضرت شوقی افندی خطاب به احبّای شرق)

۴۳۰۱ فقط بیت عدل اعظم مختصّ برجال است و تعیین عدد اعضا و کیفیت انتخاب و تجدید من بعد معلوم گردد زیرا منصوص نه.

(نامه مورّخ ۲۷ مه ۱۹۴۰ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۴۴۰۱ هیچ مقامی به جز بیت العدل اعظم نمی‌تواند به احکام دور بهائی بیفزاید. محافل ملی در حال حاضر صرفاً روش‌های تسهیل عملکرد نظم اداری را تدوین می‌کنند و تمشیت مؤثر امور امری تحت اشراف خود را تضمین می‌نمایند. این روش‌ها همواره در هر زمان که از حیث انتفاع ساقط گردد و یا روش دیگری مؤثرتر باشد می‌تواند لغو یا اصلاح شود.
(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۴۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به دو نفر از احبّا)

۴۵۰۱ تنها دو مؤسسه مصون از خطا موجود است، یکی ولایت امر الله و دیگری بیت العدل اعظم.
(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۴۶۰۱ در ابتدا ما بایم اظهار دارم که یکی از دلایلی که خداوند مؤسسه ولایت امر الله را به ما اعطا فرموده آنست که بشر را از تبدیل امر الهی به نظامی انعطاف‌ناپذیر بازدارد. سؤالات شما اکثراً در رابطه با ایجاد الگویی ثابت برای اجتماع آینده است، بسیار قبل از اینکه وقت مناسب برای چنان الگویی فرارسیده باشد. به خاطر داشته باشید که حضرت بهاءالله فرموده‌اند که آنچه از قلم اعلی نازل نگشته بیت العدل اعظم باید در آینده تشریع نماید و اختیار دارد که قوانینی را که خود تشریع نموده در صورت لزوم نسخ نماید. این بدان معنا است که در هدایت کردن اجتماع، به جای تغییرناپذیری انعطاف‌پذیری موجود است.
(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳۱ مارس ۱۹۴۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

۴۷۰۱ صمیمانه دعا می‌کنم که مشارکت محافل ملی بریتانیا، امریکا، ایران، و مصر در این مشروع بی‌نظیر و تاریخی قاره آفریقا طلیعه تشکیل اولین کنفرانس تبلیغی آفریقا شود و بالمآل منجر به شروع اقداماتی با هم‌کاری عموم محافل روحانیّه ملّیه در سراسر عالم بهائی گردد و بدین طریق تمهیدات وحدت ارگانیک نهایی این محافل با تشکیل مؤسسه بیت العدل اعظم فراهم آید، مؤسسه‌ای که مقدّر است مشروعاتی با مشارکت تمام عالم بهائی آغاز نماید. با شغف فراوان آغاز هم‌زمان مجهوداتی روحانی در راه مرتبط ساختن تشکیلات اداری چهار محفل ملی در شرق و غرب در چهار قاره عالم و تأسیس اولین شورای بین‌المللی در مرکز جهانی بهائی را که شواهد دوگانه اتّساع مقاومت‌ناپذیر نظم جنینی جهان‌آرای حضرت بهاءالله می‌باشد اعلان می‌دارم.
(ترجمه‌ای از تلگراف مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۵۱ حضرت شوقی افندی)

۴۸۰۱ شروع اقدامات و فعالیت‌هایی که در سال‌های بعدی عصر تکوین دور بهائی تمام محافل روحانی ملّی در سراسر عالم بهائی را در بر خواهد گرفت منوط به موقّیّت این مشروع است که از نظر وسعت عمل بی‌سابقه، از نظر ماهیّت بی‌نظیر و از نظر تأثیرات روحانیش عظیم است. این اقدامات، خود مقدمه آغاز مشروعاتی جهانی که مقدّر است در عهد آینده همان عصر توسّط بیت العدل اعظم به مرحله اجرا درآید، مشروعاتی که مساعی محافل ملّی را متحد و هماهنگ نموده و نشانه‌ای از وحدت آن محافل خواهد بود.

(ترجمه‌ای از بی‌نوشت حضرت شوقی افندی در ذیل نامه مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ صادره از جانب آن حضرت خطاب به محفل روحانی ملّی بهائیان جزایر بریتانیای کبیر)

در این لوح عظیم که فی الحقیقه کاشف اسرار الهیّه و بشارت دهنده دو تأسیس عظیم و جلیل و خطیر که یکی روحانی و دیگری اداری در مرکز جهانی آئین بهائی است سفینه‌ئی است که راکبانش رجال بیت عدل اعظم که بر طبق وصایای متقنه مرکز عهد اتم و اقوم مصدر تشریع احکام غیر منصوصه‌اند و این احکام در این دور بدیع از این جبل مقدّس جریان یابد همچنان که در عهد حضرت کلیم شریعه الله از صهیون جاری و ساری گشت و این جریان سفینه احکام اشاره باستقرار دیوان عدل الهی که فی الحقیقه دارالتشریع است و شعبه‌ئی از مرکز جهانی اداری بهائیان در این جبل مقدّس محسوب.

(توقیع نوروز ۱۱۱ حضرت شوقی افندی خطاب به احبّای شرق)

یا احبّاء البهّاء یوم یوم شماست و وقت وقت شما آنچه الیوم لازم و واجب و مغناطیس تأیید الهیست قیام جم غفیری از مؤمنین و مؤمنات از شیخ و شاب و غنی و فقیر و امّی و ادیب و سیاه و سفید بر نصرت دین مبین است باید کلّ کثله واحده در سنین تسعه باقیه قیامی عاشقانه و دلیرانه نمایند و در بسیط غربا منتشر گردند و بفرموده جمال قدم "قدم انقطاع بر کلّ من فی الارضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من الماء و الطّین برافشانند" و با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی افروخته و عزمی ثابت و قدمی راسخ در اتّساع دائره امر الله و انتشار نفحات الله و استحکام اساس شریعه الله و ارتفاع صیت دین الله و ازدیاد عدد پیروان مذهب الله لیلاً و نهراً همّت بگمارند نعره‌زنان و یابّه‌الابهی گویان بسوی اقالیم غیر مفتوحه و مراکز جدید التّاسیس بشتابند و بتأسیس مراکز منفرد که بمنزله نقاطند متوکلاً علی الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرد را بأسرع ما ممکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولاً و عملاً بجماعات که بمنزله حروفاتند مبدّل نمایند و جماعات را متعاقباً بمحافل محلّیه که بمثابه کلمات تامّاتند تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیّه محلّیه در ممالک مختلفه متماداً همّت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمنهای شور روحانی متدرّجاً بکمال متانت فراهم گردد و محافل ملی روحانی که بمنزله آیات بیناتند تشکیل گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً منصوب شود و بر این ارکان قبه بنیان الهی که بیت عدل اعظم و بمثابه کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسّسات نظم بدیع الهی باین تاج مفخرت عظمی متوجّج گردد و در دامنه کرم الهی جبل الرّب در مقرّ معین استقرار یابد.

(توقیع نوروز ۱۱۱ حضرت شوقی افندی خطاب به احبّای شرق)

از قانون اساسی و نامه‌های بیت العدل اعظم

حضرت بهاءالله، مصدر وحی الهی در این دور افخم و مطلع امر و منشأ عدل و رافع صلح اعظم و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم و منبع الهام و واضع اساس مدنیّت الهیّه در عالم و مؤلّف قلوب و محیی امم و داور کردگار و شارع امر پروردگار، استقرار ملکوت الله را در بسیط غربا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسّساتش را مقدّر فرمود و برای آنکه قوای قدسیّه منبعثه از ظهور اعظمش در جهت و در مجرای صحیح سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیان نهاد که قوه دافعه‌اش متتابعاً در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبینش بوده و باعث ترقّی و تقدّم جهان گیر آیین نازنینش گردیده است. همان قوه میثاق مقاصد جان‌فزایش را حال به واسطه اجرائات بیت العدل اعظم تحقّق می‌بخشد. مقصد اساسی بیت العدل اعظم در مقام یکی از دو وصی حضرت بهاءالله و

حضرت عبدالبهاء تضمین استمرار آن مرجعیت الهیه جاریه از مصدر شریعه ربّانیّه و حفظ وحدت جامعه پیروانش و تأمین اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش می‌باشد.
(ترجمه‌ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم)

۵۲۰۱ منشأ بیت العدل اعظم و اختیارات و وظایف و دایره اقداماتش کل منبعث از آیات منزله حضرت بهاءالله است. این آیات باهرات با تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و ولیّ امر الله که بعد از حضرت عبدالبهاء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه‌اند کل مرجع واجب الاطاعه و اسّ اساس بیت العدل اعظم محسوب می‌شوند. مرجعیت این نصوص مبارکه قاطع و لنینیتیر است تا زمانی که به اراده الهیه مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد.

(ترجمه‌ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم)

۵۲۰۲ چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امر الله موجود نه، بیت العدل اعظم مرکز امر الله و معهد اعلاّی آیین بهائی و مرجع کل و بالمآل مسئول تضمین وحدت و ترقّی و تقدّم امر الهی است.
(ترجمه‌ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم)

۵۳۰۱ از جمله اختیارات و وظایفی که به بیت العدل اعظم تفویض شده عبارتند از:

نگهداری و مراقبت از نصوص مقدسه و حفظ آنها از تصرف و تحریف؛ تجزیه و تحلیل، تفکیک و تنظیم، و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه؛ مدافعه و محافظه امر حضرت احدیه و استخلاص آن از قیود مقهوریت و مظلومیت؛

ترویج مصالح امر الله؛ اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله؛ اتّساع و استحکام مؤسّسات نظم اداری الهی؛ بسط نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی؛ همّت در تحسین اخلاق و اتّصاف به صفات و کمالات رحمانیه که باید ما به الامتیاز حیات فردی و اجتماعی بهائی باشد؛ جهد بلیغ در تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی؛ و مجاهدت در سیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقّی و اصلاح عالم؛

وضع قوانین و احکام غیر منصوصه در آثار مبارکه و نسخ و تبدیل مصوّبات خود به مقتضای تغییرات و احتیاجات زمان؛ عقد شور و اخذ تصمیم در جمیع قضایای ما به الاختلاف؛ توضیح مسائل مبهمه؛ حفظ حقوق شخصی و تأمین ابتکار و آزادی فردی؛ و توجّه به حفظ شرافت انسانی، و عمران ممالک و ثبات دول؛

ترویج و تنفیذ احکام و مبادی امر الله؛ حفظ و تعمیم حسن اخلاق به موجب حدود و احکام الهی؛ محافظه و اتّساع و ارتفاع مرکز دائم الاستقرار روحانی و اداری امر الله در دو مدینه عکّا و حیفّا؛ و اداره امور جامعه بهائی در سراسر دنیا و هدایت، سازمان‌دهی، هماهنگ کردن و متحد نمودن فعالیت‌های آن؛ ایجاد مؤسّسات؛ اتّخاذ تدابیری در مواظبت از دفاتر یا مؤسّسات امریه که مبادا از مزایای خود سوء استفاده نمایند یا از

حقوق و امتیازات خویش غفلت ورزند؛ تمهید وسایلی جهت وصول، صرف، اداره و مراقبت از تبرّعات و موقوفات و سایر مستملکات مودوعه تحت اشراف خود؛

فیصله اختلافات در حیطة اختیارات خود؛ داوری در موارد تخلف از حدود و احکام الهیه و تعیین حکم تخلفات؛ تدارک وسایل فعاله جهت تنفیذ آرای صادره؛ تهیه اسباب حکمیت و حلّ اختلافات حاصله بین بریه؛ ترویج و حفاظت عدل الهی که می‌تواند یگانه ضامن امن و امان و استقرار حکومت نظم و قانون در عالم امکان باشد.

(ترجمه‌ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم)

۵۴.۱ بیت العدل اعظم نخستین بار در یوم اوّل عید رضوان سنه ۱۲۰ تاریخ بدیع^۱ انتخاب گردید و در آن یوم اعضای محافل روحانیّه ملّیه طبق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء در پاسخ به دعوت حضرات ایادی امر الله، حارسان اعظم جامعه جنینی مشترک المنافع جهانی حضرت بهاءالله، این ”اکلیل جلیل“ نظم اداری بهائی را که ”هسته مرکزی و طلیعه“ نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی است در عالم وجود استقرار بخشیدند. لهذا حال ما اعضای بیت العدل اعظم اتّباعاً لأمر الله و متوکلاً علیه بر این بیان‌نامه که با نظام‌نامه ضمیمه معاً قانون اساسی بیت العدل اعظم را تشکیل می‌دهد صحّه و مهر می‌نهم.

(ترجمه‌ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم)

۵۵.۱ میثاق حضرت بهاءالله مستمرّ و ناگسستنی است و سیطره محیطه‌اش مطاع و مصون از تعرّض. دو خصیصه بی‌مانند که آن را از تمام میثاق‌های ادیان سالفه ممتاز می‌سازد بلا تغییر و نافذ است. کلمه منزله‌اش با اصالت اوّلیه‌اش که با تبیینات ملهم به هدایت الهی توسط حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله بسط و توسعه یافته است از باورها و عقاید بشرساخته، استنباطات غیر موجّه و تبیینات ناموثّق ثابت و میرّا باقی می‌ماند. مجرای هدایت الهی با اعطای انعطاف‌پذیری در همه امور بشری از طریق آن معهد که توسط حضرت بهاءالله تأسیس گردیده و قدرت مهمینه و هدایت کبرایش را به او عطا فرموده کماکان در سریان است، مرجعی که حضرت عبدالبهاء آن را چنین توصیف فرموده‌اند ”این مجمع مرجع کلّ امور است.“ حقاّیّت تصریحات حضرت بهاءالله را می‌توان به وضوح مشاهده نمود که می‌فرمایند ”آنه وضع امره علی اساس ثابت راسخ متین لا ترعزعه اریاح العالم و لا اشارات الأمم.“

(ترجمه‌ای از پیام اکتبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان)

۵۶.۱ بعد از دعا و مناجات و مطالعه دقیق آثار مقدّسه راجع به مسئله انتخاب جانشین حضرت شوقی افندی به عنوان ولیّ امر الله، و بعد از تأمل و تعمّق طولانی در آرای حضرات ایادی امر الله مقیم ارض اقدس، بیت العدل اعظم به این نتیجه رسیده است که هیچ راهی برای انتخاب و یا قانون‌گذاری برای امکان انتخاب ولیّ امر ثانی برای جانشینی حضرت شوقی افندی وجود ندارد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ اکتبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم خطاب به محافل روحانی ملّی)

موجب خشنودی است که شما مسائلی را که سبب تشویش خاطر بعضی از دوستان است به نظر این جمع رسانده‌اید زیرا بهتر است این سؤالات به طور آزاد و آشکار مطرح گردد تا اینکه سر بسته بماند و بر قلوب احبای مخلص سنگینی نماید. با درک بعضی اصول اساسی امر حضرت بهاءالله این قبیل تردیدها خود به خود زایل می‌شود. مقصود این نیست که امر الله عاری از رموز و اسرار است، اسرار مکنونه البته وجود دارد ولی نه اسراری که پس از درک صریح اصول آیین الهی و حقایق مسلمة مربوطه موجب تزلزل ایمان افراد گردد.

سؤالات مطروحه توسط بعضی از احبای به سه دسته تقسیم می‌شود. دسته اول مربوط به این قبیل پرسش‌ها است: چرا با علم قبلی به اینکه دیگر ولی امری وجود نخواهد داشت اقدام به انتخاب بیت العدل اعظم شد؟ آیا وقت برای چنین اقدامی مقتضی بود؟ آیا شورای بین‌المللی بهائی نمی‌توانست به ادامه انجام امور پردازد؟

در زمان صعود محبوب اهل بهاء حضرت شوقی افندی، واضح بود که بر اساس شرایط موجود و بیانات مصرّحه در آثار مقدّسه برای آن حضرت غیر ممکن بود که جانشینی مطابق تمهیدات مقررّه در الواح وصایای حضرت عبداله‌بهاء برای خود تعیین نمایند. این وضعیّت یعنی صعود حضرت ولی‌امرالله بدون آنکه بتوانند جانشینی برای خود تعیین نمایند، مسئله مبهمی بود که در نصوص صریح مبارکه مذکور نبود و می‌بایست به بیت العدل اعظم ارجاع گردد. یاران الهی باید این نکته را به وضوح درک نمایند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم، علم به اینکه ولی امر دیگری نخواهد بود وجود نداشت و علیرغم هر عقیده‌ای که احبای در سر می‌پروراندند یک چنین آگاهی قبلی نمی‌توانست وجود داشته باشد. نه حضرات ایادی امر الله، نه شورای بین‌المللی بهائی و نه هیئت‌های موجود دیگر می‌توانستند در مورد این مسئله بسیار مهم تصمیمی اتخاذ نمایند. فقط بیت العدل اعظم صلاحیّت و اختیار آن را داشت که در این مورد حکمی صادر نماید. این یکی از علل مبرم دعوت برای انتخاب بیت العدل اعظم در اسرع وقت بود.

پس از صعود حضرت شوقی افندی اداره امور آیین بهائی در سطح بین‌المللی با موافقت و وفاداری کامل محافل روحانی ملّی و بهائیان عالم توسط حضرات ایادی امر الله انجام شد. این ترتیب با فرموده حضرت ولی‌امرالله که ایادی امر الله را "حارسان نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله" (ترجمه) تسمیه نموده بودند تطابق داشت.

ایادی امر الله از همان لحظه‌ای که قیادت امر الهی را به عهده گرفتند دریافتند که چون تضمین هدایت الهی آنچنان که بلا تردید به ولی امر الله و بیت العدل اعظم اعطا شده ضرورتاً شامل آنان نمی‌باشد، تنها مسیر مطمئن آن است که دستورات و خطّ مشی‌های حضرت شوقی افندی را در کمال ثبوت و بدون ادنی انحرافی دنبال نمایند. در سراسر تاریخ ادیان چنین انضباط شدیدی، چنین وفاداری محضی، و چنین از خودگذشتگی کاملی از جانب رهبران یک دین که بغتاً از وجود هادی ملهم الهی خود محروم گشته‌اند بی سابقه است. سپاسی که نوع بشر تا نسل‌ها بلکه تا اعصار آتیه مدیون این معدود نفوس غم‌زده ثابت‌قدم و حماسه‌آفرین است عمیق‌تر از آنست که به تصوّر درآید.

حضرت ولی‌امرالله نقشه‌های صریح و مشروحی به عالم بهائی عنایت فرموده بودند که تا رضوان ۱۹۶۳ یعنی تا پایان نقشه ده‌ساله را در بر می‌گرفت. استمرار هدایت الهی از آن تاریخ به بعد برای حفظ امر الله ضرورت داشت. این دومین دلیل مبرم برای دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم بود. به علاوه اشارات مندمج در توقیعات حضرت شوقی افندی مبنی بر اینکه به

دنبال جهاد کبیر اکبر ده‌ساله نقشه‌های دیگری تحت هدایت بیت العدل اعظم مجرا خواهد شد مؤید صحت زمان انتخاب بیت العدل اعظم گردید. یکی از این قبیل اشارات بیان مبارک ذیل است که در نامه مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان جزایر بریتانیای کبیر در باره نقشه دوساله آن کشور که درست پیش از نقشه ده‌ساله بود صادر گردید:

شروع اقدامات و فعالیت‌هایی که در سال‌های بعدی عصر تکوین دور بهائی تمام محافل روحانی ملی در سراسر عالم بهائی را در بر خواهد گرفت منوط به موفقیت این مشروع است که از نظر وسعت عمل بی‌سابقه، از نظر ماهیت بی‌نظیر و از نظر تأثیرات روحانیش عظیم است. این اقدامات، خود مقدمه آغاز مشروعاتی جهانی که مقدر است در عهود آینده همان عصر توسط بیت العدل اعظم به مرحله اجرا درآید، مشروعاتی که مساعی محافل ملی را متحد و هماهنگ نموده و نشانه‌ای از وحدت آن محافل خواهد بود. (ترجمه)

۵۷۰۷ ایادی امر الله پس از مدت شش سال تصدی امور با ایمان کامل به نصوص مبارکه از یاران الهی دعوت نمودند که به انتخاب بیت العدل اعظم قیام نمایند و حتی از احبّ تقاضا کردند که در این انتخابات به خود آنها رأی ندهند. تنها مورد غم‌انگیز غلبه حبّ جاه و ریاست همانا تلاش تأسف‌آور چارلز میسن ریمی برای غصب مقام ولایت امر الله بود.

۵۷۰۸ بیانات ذیل مستخرج از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء اصولی را که احبّای عزیز با مطالعه الواح وصایای آن حضرت و توقیعات مختلفه حضرت شوقی افندی با آن آشنا هستند واضحاً و مؤکداً بیان می‌نمایند و مبنای انتخاب بیت العدل اعظم را توضیح می‌دهد. حضرت ولیّ محبوب امر الله در سنین اولیه دوره ولایت شخصاً این لوح را برای انتشار بین احبّا به ایران فرستادند.

... زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آرا در نهایت حذر ... الحمد لله اسباب اختلافی نه.

حضرت اعلیٰ صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجا و مبشر نیر اعظم ابهی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زیر و الواح و ظهور مجلّی طور در سدره سینا و ما عدا کلّ بنده آن آستانیم و احقر پاسبان.

مقصود اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم بحرفی نیست ولو مقام ولایت باشد کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرّح احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه ... زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکلات فرماید و اکثریت آرا آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عصمت سلطان احدیتست و او را صیانت از خطا فرماید و در ظلّ جناح عصمت و عصمت خویش محافظه نماید هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.

بیت عدل اعظم بترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید.

در هر زمان که جمیع احبّاء در هر دیار وکلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است.

تأسیسش مشروط بایمان جمیع ممالک عالم نه مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبّای ایران وکلائی انتخاب مینمودند و احبّای امریک و هند و سائر جهات نیز وکلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود والسلام.

۵۷.۹ احبّای عزیز باید بدانند که در نصوص مبارکه مطلبی مبنی بر اینکه انتخاب بیت العدل اعظم فقط می‌تواند به دعوت ولیّ امر الله صورت گیرد وجود ندارد. برعکس حضرت عبدالهّاء حتّی در زمان حیات خود دعوت به انتخاب آن هیئت را مورد نظر قرار دادند و این در دوره‌ای از حیات مبارک بود که حضرت ولیّ امرالله آن را در توقیعی "تاریک‌ترین ایّام حیات [حضرت عبدالهّاء] "توصیف فرمودند "یعنی در زمان حکومت سلطان عبدالحمید که قرار بود آن حضرت به نامساعدترین مناطق شمال افریقا تبعید گردند"، (ترجمه) و حتّی وقتی که حیات مبارک در معرض خطر بود، حضرت عبدالهّاء به حاجی میرزا تقی افغان، خالوزاده حضرت باب و بانی اصلی مشرق‌الاذکار عشق‌آباد شرحی نوشته، به او امر فرمودند که اگر تهدیدات نسبت به آن حضرت تحقّق یابد اقدام به انتخاب بیت عدل عمومی نماید. قسمت دوم الواح وصایای حضرت عبدالهّاء نیز مربوط به چنین شرایطی است و باید مورد مطالعه و مذاقّه احبّاء قرار گیرد.

۵۷.۱۰ دومین دسته از مشکلاتی که موجب تشویش بعضی از یاران می‌شود مربوط به مسئله معصومیت بیت العدل اعظم و توانایی انجام وظایف آن معهد بدون حضور ولیّ امر است. مشکل خاصی که پیش آمده است در نحوه درک مفاهیم بیان ذیل حضرت ولیّ محبوب امر الله می‌باشد:

جدا از مؤسسه ولایت امر الله، نظم جهانی حضرت بهاءالله دچار انشقاق گشته و به طور دائم از آن اصل وراثتی که بر طبق بیان حضرت عبدالهّاء همواره مورد حمایت حکم الهی بوده محروم خواهد گشت. حضرت عبدالهّاء در لوحی که به افتخار یکی از احبّای ایران نازل گردیده می‌فرماید: "در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق‌العاده داشته حتّی میراث نبوت تعلّق باو داشت." بدون چنین مؤسسه‌ای، اصالت امر الله در خطر افتد و ثباتش به شدّت متزلزل گردد، از منزلتش کاسته شود و از وسیله‌ای ضروری برای حصول چشم‌اندازی منسجم و درازمدّت در طیّ نسل‌های متوالی بی‌نصیب ماند و هدایاتی که جهت تعریف حدود اقدامات تشریعیّه نمایندگان منتخبش ضروری است به کلّی سلب شود. (ترجمه)

۵۷.۱۱ احبّایی که در حال حاضر مایل به درک روشن‌تر مفاهیم این بیان هستند باید آن را در پرتو نصوص متعدّد دیگری در باره همین موضوع ملاحظه نمایند. فی‌المثل بیانات ذیل منتخباتی از توقیعات حضرت شوقی افندی می‌باشد:

[حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهّاء] با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه بیت العدل اعظم و ولایت امر الله را به عنوان جانشینان منتخب خویش معین فرموده‌اند که مقدّر است اصول مبارکه را اجرا کنند، احکام را ترویج و مؤسسات را محافظت نمایند، با تمسّک و درایت، احتیاجات امر الهی را با مقتضیات اجتماع پیش‌رو تطبیق

دهند و میراث مرغوب خلل‌ناپذیری را که بانیان امر الله به عالم انسانی عطا فرموده‌اند به منصّه ظهور رسانند.
(ترجمه)

و نیز هر یک از پیروان آیین بهائی باید به وضوح بداند که مؤسسه ولایت امر الله به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی اختیاراتی را که حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس به بیت العدل اعظم تفویض فرموده‌اند و حضرت عبدالبهاء مکرراً و قطعاً آن را در الواح مبارکه وصایا تأکید نموده‌اند، سلب نمی‌نماید و یا حتی به قدر سر مویی از اهمّیت آن نمی‌کاهد؛ مؤسسه ولایت با وصایا و آثار حضرت بهاءالله تضادّی ندارد و هیچ یک از دستورات منزله آن حضرت را ملغی نمی‌سازد. مؤسسه ولایت بر اعتبار بیت العدل اعظم می‌افزاید و بدون آنکه سر مویی نسبت به حریم کاملاً مشخص قدرت و اختیار آن مجمع اعلی تخطّی ورزد، مقام بلندش را استحکام بخشیده، وحدتش را حفظ نموده، و تداوم اقداماتش را تضمین می‌نماید. در واقع ما از نظر زمانی به سند عظیم و تاریخی الواح وصایای مبارک چنان نزدیکیم که نمی‌توانیم مدّعی درک کامل همه مفاهیمش باشیم، و یا گمان کنیم که به اسرار بی‌شماری که قطعاً در آن مکنون است پی‌برده‌ایم. (ترجمه)

از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولیّ امر مبین آیات الهی و بیت العدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است. تبیینات ولیّ امر الله که در حوزه اختیارات خویش عمل می‌نماید، همان مرجعیّت و الزام اجرایی را دارد که قانون‌گذاری‌های بیت العدل اعظم، مؤسسه‌ای که امتیازات و اختیارات منحصر به فردش اظهار و اعلان قضاوت نهایی در مورد قوانین و احکامی است که حضرت بهاءالله بالصّراحه نازل نفرموده‌اند. هیچ یک از این دو مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدّس و مقرّر دیگری تعدّی نماید و هرگز نیز تعدّی نخواهد کرد. هیچ یک سعی در تضعیف اختیارات مخصوصه و مصرّحه‌ای که از جانب حقّ به هر یک اعطا شده نخواهد نمود. (ترجمه)

هر یک ... قدرت، اختیارات، حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخص شده اعمال می‌نماید که هیچ یک با یکدیگر متناقض نیست و به هیچ وجه از مقام و اهمّیت دیگر مؤسسه نمی‌کاهد. (ترجمه)

هرچند ولیّ امر الله رئیس دائمی مؤسسه‌ای آنچنان فخیم است مع هذا نمی‌تواند بنفسه حتّی به طور موقت واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت دیگر اعضای آن را الغا نماید. (ترجمه)

علاوه بر آنچه ذکر شد، این کلمات مبارکه حضرت بهاءالله اطمینان‌بخش قلوب یاران می‌باشد که می‌فرمایند:

انه وضع امره علی اساس ثابت راسخ متین لا تزعزع اریاح العالم و لا اشارات الأمم.

و نیز حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

انّ الله فعّال لما یرید لا ناسخ لعهدہ و لا مانع لفضله و لا مقاوم لأمره یفعل ما یشاء بارادته و انه لعلی کلّ شیء قدیر.

احبّا باید بدانند که قبل از وضع هر قانونی، بیت العدل اعظم با کمال دقت و جامعیت نصوص مبارکه و توقیعات حضرت شوقی افندی را در آن خصوص مورد مطالعه قرار می‌دهند. تبیینات ولیّ محبوب امر الله حاوی موضوعات بسیار وسیعی است و مانند نصوص، واجب اطاعه می‌باشد.

بین تبیینات حضرت ولیّ امرالله و توضیحات بیت العدل اعظم که در حین انجام وظایف خود بر اساس نصوص مبارکه باید "... در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند" فرقی بسیار مهم موجود است. ولیّ امر معانی و مفاهیم آثار مبارکه را روشن می‌کند و تبییناتش بیان حقایق است و تغییرناپذیر می‌باشد. به فرموده حضرت شوقی افندی "حقّ مسلم تشریع احکام غیر منصوصه بهائی فقط مختصّ" (ترجمه) به بیت العدل اعظم است. تشریعات بیت العدل اعظم که خود آن هیئت حقّ اصلاح و نسخ آن را دارد در حکم متمّم و وسیله اجرای احکام الهی است. هرچند وظیفه تبیین به بیت العدل اعظم تفویض نشده ولیکن این هیئت مختار است که هر اقدام لازمی را برای استقرار نظم جهانی حضرت بهاءالله در عالم مجرا دارد. با در دست داشتن نصوص محکمّه الهیه و تبیینات مفصله حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی توأم با نهی مطلق افراد از بیان تفسیر "معتبر" و تبیین "ملهم" و یا غصب اختیارات مقام ولایت، وحدت در اصول روحانی حفظ می‌گردد. وحدت اداری با مرجعیت بیت العدل اعظم تأمین می‌شود.

به فرموده حضرت شوقی افندی: "این چنین است تبدیل‌ناپذیری کلام منزله الهی. این چنین است انعطاف‌پذیری عملیات وزرای منتخب آیین بهائی. آن تبدیل‌ناپذیری، هویت امر بهائی را حفظ می‌کند و اصالت احکامش را صیانت می‌نماید، و آن انعطاف‌پذیری امر الله را قادر می‌سازد که چون موجودی زنده رشد و نمو نماید و خود را با حوایج و مقتضیات اجتماع دائم‌التغییر بشری تطبیق دهد." (ترجمه)

هر مؤمن حقیقی برای افزایش درک خود از امر حضرت بهاءالله باید به شایستگی قاطع پیام آن حضرت و عهد و میثاقش ایمان کامل داشته باشد و آن ایمان را با اذعان خاضعانه این نکته توأم نماید که احدی از نسل کنونی نمی‌تواند ادعا کند که به عظمت امر الهی پی برده و یا جمیع اسرار و قوای مخزونه آن را درک نموده است. بیانات ذیل از حضرت شوقی ربّانی گواهی است وافر بر این حقیقت:

چه عظیم است ظهور حضرت بهاءالله و چه وسیع است فیوضات و مواهب آن حضرت که در این زمان نصیب عالم انسانی می‌شود و در عین حال چه نارسا و چه قلیل است فهم ما از عظمت و اهمیت این مواهب. نسل حاضر به این چنین ظهور اعظمی نزدیک‌تر از آن است که بتواند امکانات لانه‌ایه‌اش، خواصّ ممتاز بی‌نظیرش و تقدیرات قدریه مستورش را چنانکه باید و شاید ادراک نماید. (ترجمه)

مولای محبوب ما در الواح مبارکه وصایای خود نه تنها قبول قاطعانه آن (نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله) را از ما می‌طلبد بلکه معرفتی محسناتش بر جهانیان را از ما خواستار است. سعی در شناخت منزلت کامل آن نظم و کوشش برای درک اهمیت واقعی آن در زمانی چنین کوتاه بعد از آغازش، تلاشی نابهنگام و جسورانه از جانب ما خواهد بود. کسب درکی روشن‌تر و کامل‌تر از تمهیدات و مقتضیات این نظم بدیع را باید به گذشت زمان و هدایات بیت العدل اعظم الهی بسپاریم. (ترجمه)

آنچه راجع بترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّا است همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایّام بیت عدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلّیه و رموز و حقایق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاءالله ودیعه گذاشته بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید.

۵۷۰۱۵

این قبیل بیانات نشان می‌دهد که معنای کامل متون الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالهء و همچنین درک مفاهیم و مقتضیات نظم جهانی بهائی که در آن سند خطیر معرفی شده تنها به تدریج و بعد از به وجود آمدن بیت العدل اعظم در انتظار ظاهر خواهد گشت. از احبّای عزیز دعوت می‌شود که عامل زمان را در نظر آورند و با اطمینان منتظر هدیای بیت العدل اعظم باشند. آن معهد برحسب اقتضا، با بیانیتهای لازم مسائل و مطالب مبهم را حل و فصل خواهد نمود.

۵۷۰۱۶

دسته سوّم نکاتی که از طرف احبّا مطرح شده مربوط به جزئیات عملکرد بیت العدل اعظم در غیاب ولیّ امر الله و علی‌الخصوص موضوع طرد اعضای بیت العدل اعظم است. این قبیل مسائل در قانون اساسی بیت العدل که تدوین آن یکی از اهداف نقشه نه‌ساله است توضیح داده خواهد شد. فعلاً به اطلاع احبّا می‌رساند که هرگاه عضوی از اعضای بیت العدل اعظم ”گناهی ارتکاب نماید که در حقّ عموم ضرری حاصل شود“ با اکثریت آرای همان هیئت از عضویت طرد و اخراج خواهد شد. اگر عضوی خدای ناکرده نقض عهد نماید موضوع از طرف ایادی امر الله رسیدگی خواهد شد و آن ناقض عهد مانند هر ناقض دیگری بنا به تصمیم حضرات ایادی امر الله مقیم ارض اقدس مشروط به تصویب بیت العدل اعظم طرد خواهد شد. تصمیم حضرات ایادی امر الله در اینگونه موارد به وسیله بیت العدل اعظم به عالم بهائی اعلان خواهد گردید. (ترجمه‌ای از دستخطّ بیت العدل اعظم مورّخ ۹ مارس ۱۹۶۵ خطاب به یکی از محافل روحانی ملّی)

۵۸۰۱

شما با توجّه به این بیان حضرت ولیّ‌امرالله که می‌فرمایند: ”اگر چنانچه شرایط مناسبی به وجود آید تا احبّای ایران و احبّای کشورهای مجاور تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بتوانند وکلای ملّی خود را انتخاب کنند ... آخرین مانع در راه تشکیل بیت العدل اعظم از میان برداشته خواهد شد“ (ترجمه) راجع به مقتضی بودن زمان انتخاب بیت العدل اعظم سؤال می‌کنید. در نامه مورّخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۷ که از طرف حضرت ولیّ‌امرالله به یکی از احبّا که در باره همین عبارت ارسال شده چنین آمده است ”زمانی که حضرت ولیّ‌امرالله به روسیه اشاره فرمودند بهائیان در آن کشور زندگی می‌کردند، حال عملاً جامعه بهائی در آن کشور وجود ندارد. بنا بر این تشکیل بیت العدل بین‌المللی نمی‌تواند به تشکیل یک محفل روحانی ملّی در روسیه وابستگی داشته باشد. ولی قبل از تأسیس بیت العدل اعظم باید محافل روحانی ملّی مستحکم دیگری به وجود آید.“ (ترجمه)

۵۸۰۲

مطرح نموده‌اید که به جهت حفظ مصالح امر الله بعضی اطلاعات در باره جانشینی حضرت شوقی افندی از احبّا مستور مانده است. به شما اطمینان می‌دهیم که به هیچ وجه و به هیچ دلیلی هیچ مطلبی از یاران مخفی نمانده است. ابداً جای شک نیست که بر طبق الواح وصایای حضرت عبدالهء، حضرت شوقی افندی مرجع مختاری بودند که وظیفه تعیین جانشین‌شان به ایشان محوّل شده بود. ولی آن حضرت فرزندی نداشتند و همه اغصانی که بعد از آن حضرت در قید حیات بودند عهد و میثاق الهی را نقض کرده بودند. بنا بر این، همانطور که حضرات ایادی امر الله در سال ۱۹۵۷ بیان داشتند واضح است که شخصی وجود نداشت که آن حضرت بتوانند بر طبق نصوص الواح وصایا او را به جانشینی خود انتصاب

نمایند. تعیین جانشین به روشی متفاوت با تمهیدات روشن و معین در الواح وصایا از طرف حضرت ولی‌امرالله که مرکز منصوص و مدافع عهد و پیمان الهی بودند نیز مسلماً اقدامی غیر ممکن و غیر قابل تصور است. به علاوه همانطور که مطلع هستید همان الواح وصایا طریقه‌ای واضح برای تأیید انتصاب جانشین ولی‌امرالله مقرر نموده بود. نه نفر ایادی که توسط جمعیت ایادی انتخاب می‌شدند می‌بایست با رأی مخفی شخص منتخب حضرت ولی‌امرالله را تصدیق نمایند. در سال ۱۹۵۷ تمامی هیئت ایادی بعد از تحقیق کامل در باره موضوع، اعلام نمودند که حضرت ولی‌امرالله جانشینی انتخاب نموده و وصیت‌نامه‌ای از خود به جای گذاشته‌اند. این موضوع محرز و مستند می‌باشد.

۵۸.۳

این حقیقت که حضرت شوقی افندی وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشته‌اند نمی‌تواند حمل بر عدم اطاعت ایشان از حضرت بهاء‌الله تلقی گردد بلکه باید اذعان کنیم که در همین سکوت حضرتش حکمتی و نشانه‌ای از هدایت مصون از خطای آن وجود مبارک نهفته است. ما اهل بهاء باید در آثار مبارکه موجود تمعن و تعمق کنیم و کوشش نماییم به جواهر معانی کثیره مندرجه در آن بی‌بریم و فراموش نکنیم که حضرت شوقی افندی فرموده‌اند که برای درک فزاینده نظم جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله دو چیز لازم است: یکی مرور زمان و دیگری هدایت بیت العدل اعظم.

۵۸.۴

عصمت بیت العدل اعظم که در حوزه اختیارات مقرر خود عمل می‌نماید مشروط به حضور ولی‌امرالله به عنوان یک عضو نگردیده است. اگرچه در حیطه تبیین و تفسیر، اظهارات حضرت ولی‌امرالله همیشه لازم الاجرا است ولی در مورد شرکت ولی‌امرالله در زمینه تشریع، تصمیم نفس بیت العدل اعظم نهایی است. این نکته در بیانات حضرت ولی‌امرالله تأیید شده است که می‌فرمایند: ”تبیینات ولی‌امرالله که در حوزه اختیارات خویش عمل می‌نماید، همان مرجعیت و الزام اجرایی را دارد که قانون‌گذاری‌های بیت العدل اعظم، مؤسسه‌ای که امتیازات و اختیارات منحصر به فردش اظهار و اعلان قضاوت نهایی در مورد قوانین و احکامی است که حضرت بهاء‌الله بالصراحه نازل فرموده‌اند. هیچ یک از این دو مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدس و مقرر دیگری تعدی نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد کرد. هیچ یک سعی در تضعیف اختیارات مخصوصه و مصرحه‌ای که از جانب حق به هر یک اعطا شده نخواهد نمود.“ (ترجمه)

۵۸.۵

هرچند ولی‌امرالله رئیس دائمی مؤسسه‌ای آنچنان فخیم است معهذا نمی‌تواند بنفسه حتی به طور موقت واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت دیگر اعضای آن را الغا نماید ولیکن هرگاه وضع قانونی را وجداناً مباین با روح آیات منزل تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن از طرف اعضا نماید.“ (ترجمه)

۵۸.۶

اما ولی‌امرالله در حوزه عملکرد خود علاوه بر ایفای وظیفه خویش به عنوان عضو و رئیس دائمی بیت العدل اعظم، حق و وظیفه ”تعریف حدود اقدامات تشریعی“ (ترجمه) بیت العدل اعظم را نیز دارا بود. به عبارت دیگر ولی‌امرالله اختیار بیان این مطلب را داشت که آیا موضوعی در نصوص مقدسه ذکر شده است یا نه و بنا بر این آیا در زمره اختیار بیت العدل اعظم می‌باشد که در باره آن قانونی وضع نماید. غیر از ولی‌امرالله هیچ نفس دیگری حق و اختیار انجام چنین تعریفی را ندارد. در نتیجه این سؤال پیش می‌آید که در غیاب ولی‌امرالله آیا بیت العدل اعظم در معرض این خطر هست که از حوزه مخصوص عملکرد خود منحرف شده، مرتکب خطا شود؟ در اینجا باید سه نکته را به خاطر داشته باشیم: اول آنکه حضرت ولی‌امرالله در طی دوره سی و شش ساله ولایت خود، تعداد بی‌شماری از این تعاریف را بیان نموده‌اند که متمم تعاریفی می‌باشد که از کلک حضرت عبداله‌بهاء و نفس حضرت بهاء‌الله نازل شده است. چنانچه قبلاً به اطلاع احباً رسیده است بیت العدل

اعظم همیشه قبل از قانون‌گذاری راجع به هر موضوعی به مطالعه دقیق آثار مقدّسه و تبیینات مربوطه می‌پردازد. دوم آنکه بیت العدل اعظم که خود قطعاً دریافت‌کننده هدایات الهی است به خوبی از غیاب ولیّ امر الله آگاهی داشته و در تمامی امور مربوط به تشریع، فقط وقتی عمل می‌نماید که از حوزه اختیارات خود، حوزه‌ای که حضرت ولیّ امرالله با قاطعیّت آن را حوزه‌ای ”معین و واضح“ (ترجمه) توصیف نموده‌اند، مطمئن باشد. سوم آنکه نباید بیان کتبی حضرت ولیّ امرالله را در مورد این دو مؤسسه فراموش نماییم که می‌فرمایند: ”هیچ یک از این دو مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدّس و مقرّر دیگری تعدّی نماید و هرگز نیز تعدّی نخواهد کرد.“ (ترجمه)

۵۸۰۷

راجع به لزوم داشتن استنباطاتی از آثار مبارکه برای وضع قوانین توسط بیت العدل اعظم، بیان ذیل به قلم حضرت عبدالبهاء شایان توجّه است که می‌فرمایند:

مسائل کلیّه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرّعات راجع ببیت عدل و حکمت این این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدّل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل بمقتضای این مجرا مینماید.

همچه ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهند استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتّباعش فرض و مسلّم و واجب و متحمّم بر کلّ است ابداً مفرّی از برای نفسی نه.

قل یا قوم انّ بیت العدل الأعظم تحت جناح ربکم الرحمن الرحیم ای صونه و حمایته و حفظه و کلاءته لآنه امر المؤمنین الموقنین باطاعة تلك العصبة الطیبة الطاهرة و الثلّة المقدّسة القاهرة فسلطنتها ملکوتیة رحمانیة و احکامها الهامیة روحانیة.

باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مدنیّه ببیت عدل این است و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگرچه کلیّه مسائل مهمّه مذکور ولیّ البتّه یک کرور احکام غیر مذکور بود بعد علما بقواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرائع اوّلیّه افراد علما استنباطهای مختلف مینمودند و مجرا میشد حال استنباط راجع بهیئت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت عدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلّم عموم ملّت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتّحاد دین الله مضمحلّ شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد.

۵۸۰۸

در نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله، وظایف بخصوصی وجود دارد که به عهده مؤسسات معینی محوّل شده است و وظایف دیگری هستند که مشترکاً انجام می‌شود اگرچه ممکن است بیشتر در حوزه اختیار مخصوص یک یا بعضی دیگر از مؤسسات باشد. برای مثال با وجود آنکه ایادی امر الله وظیفه خاصّ صیانت و ترویج را بر عهده دارند و می‌توان گفت که متخصص انجام این وظایف هستند معذک بیت العدل اعظم و محافل روحانیّه نیز مأمور صیانت و تبلیغ امر الله هستند و البتّه

چنانچه همه می‌دانند تبلیغ وظیفه مقدسی است که بر عهده عموم پیروان امر حضرت بهاءالله گذاشته شده است. به همین طریق هرچند پس از حضرت مولی الوری وظیفه تبیین منحصرأ به حضرت ولی‌امرالله اعطا شده بود و هرچند وضع قوانین منحصرأ وظیفه بیت العدل عمومی است معذلک این دو مؤسسه به فرموده حضرت ولی‌امرالله ”مقصدشان مکمل یکدیگر“ است و ”هدف مشترک و بنیادین این دو مؤسسه آنست که استمرار اختیارات موهوبی را که از مصدر امر مبارک سرچشمه می‌گیرد حفظ نمایند، وحدت پیروان آیین نازنین را محفوظ دارند و اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش را صیانت کنند.“ (ترجمه) در حالی که بیت العدل اعظم نمی‌تواند هیچ یک از وظایفی را که منحصرأ متعلق به ولی‌ امر الله بود بر عهده گیرد ولی آنچه را مشترکاً با مقام ولایت امر عهده‌دار بوده باید پی‌گیری نماید.

۵۸.۹

همانطور که شما با نقل بیانات عدیده‌ای متذکر شده‌اید حضرت شوقی افندی کراراً جدایی‌ناپذیری این دو مؤسسه را تأکید فرموده‌اند. با وجود آنکه هیکل مبارک واضحاً انتظارانجام وظیفه هم‌زمان و توأم این دو مؤسسه را داشتند ولی از این مطلب نمی‌توان منطقاً چنین استنباط نمود که هر یک از این دو در غیاب دیگری قادر به انجام وظیفه نیست. حضرت شوقی افندی طی دوران سی و شش سال ولایت بدون وجود بیت العدل اعظم به انجام وظایف پرداختند. اینک بیت العدل اعظم باید بدون ولی‌ امر وظایفش را انجام دهد و حال آنکه هنوز اصل جدایی‌ناپذیری این دو مؤسسه به قوت خود باقی است. مؤسسه ولایت صرفاً با در قید حیات نبودن ولی‌ امر، اهمّیت و مقام خود را در نظم حضرت بهاءالله از دست نمی‌دهد. ما اهل بهاء باید از دو جنبه افراطی بر حذر باشیم. یکی استدلال به اینکه چون ولی‌ امری وجود ندارد پس آنچه در نظم جهانی بهائی در باره ولایت امر و موقعیت و مقام آن نوشته شده از اعتبار ساقط و فاقد اهمّیت بود. دیگر آنکه آن‌چنان محو اهمّیت مؤسسه ولایت امر شویم که قوه میثاق را ناچیز شمیریم و یا دچار وسوسه مصالحه‌کاری در نصوص صریح الهی گردیم و به هر طریق و به هر نحوی یک ”ولی‌ امر“ بیابیم.

۵۸.۱۰

خدمت به امر الهی مستلزم وفای مطلق و اصالت و ایمان تزلزل‌ناپذیر به حضرت بهاءالله است. نتیجه و عواقب مسئولیت آینده امر الهی را در دست خود گرفتن و سوق دادن آن به طرق دل‌خواه خود بدون توجه به نصوص صریحه الهیه و محدودیت‌های بشری خویش تنها می‌تواند شرربار و زیان‌آور باشد. امر الله متعلق به اوست و خود وعده فرموده است که نور امر الهی خاموش نخواهد شد. سهم ما این است که قویاً به آثار مبارکه نازله و مؤسساتی که برای حفظ عهد و میثاق الهی تأسیس فرموده تشبث و تمسک نماییم.

۵۸.۱۱

دقیقاً در رابطه با این موضوع است که احبّا باید اهمّیت صداقت فکری و تواضع را دریابند. در ظهورات قبل بسیاری از اشتباهات نتیجه آن بود که مؤمنین به شریعت الهیه بیش از حدّ شائق بودند که پیام الهی را در چارچوب درک محدود خود کاملاً حلاجی کنند، اصول آن را توصیف نمایند در حالی که توصیف خارج از حیطه قدرت‌شان بود، رموزی را تشریح کنند که تنها در پرتو حکمت و تجربیات حاصله در اعصار بعد آن را قابل درک خواهد ساخت، و با بحث و گفتگو تأکید نمایند که مسئله‌ای صحیح است چون مطلوب و لازم به نظر می‌رسد. ما اهل بهاء باید از چنین نتیجه‌گیری‌های مصلحت‌آمیز راجع به حقایق اساسی و از این قبیل غرور فکری قطعاً اجتناب نماییم.

۵۸.۱۲

احبّای عزیز باید بدانند که اگر دست‌خط‌های بیت العدل اعظم شامل جزئیات نیست دلیل آن مخفی داشتن امور نیست بلکه تصمیم این هیئت در احتراز از تبیین تعالیم و حفظ حقیقت بیان هیکل مبارک حضرت ولی‌امرالله است که در

توقیعی می‌فرمایند: ”رهبران ادیان و مروّجان فرضیه‌های سیاسی و رؤسای مؤسسات بشری ... نباید آنی در باره ماهیت و اصالت و اعتبار مؤسساتی که اهل بهاء در سراسر عالم به بنایش مشغول‌اند ادنی شک و شبهه‌ای نمایند زیرا آن مؤسسات از تعالیم بهائی منبعث گشته بدون آنکه با دخالت‌های بیجا و تفسیرهای غیر مجاز مورد دخل و تصرف قرار گرفته باشد.“ (ترجمه)

۵۸۰۱۳

در آیین بهائی تفاوت بارزی بین تبیینات منصوص و تفسیرات و یا استنباطات شخصی افراد که ضمن مطالعه تعالیم و آثار الهی حاصل می‌شود وجود دارد. در حالی که مورد اوّل مختصّ ولیّ امر الله می‌باشد، مورد دوم یعنی استنباطات شخصی به فرموده شخص حضرت ولیّ‌امرالله به هیچ عنوان نباید سرکوب شود. فی‌الحقیقه این قبیل تفسیرات فردی ثمره قوه عقلانی انسانی بوده موجب درک بهتری از تعالیم الهیه است مشروط بر آنکه سبب ایجاد هیچگونه اختلاف و مناقشه‌ای بین یاران نشود و هر کس بداند و با صراحت اذعان نماید که نظراتش صرفاً جنبه شخصی دارد. تفسیرات شخصی فرد با افزایش میزان درک او از تعالیم الهیه دائماً در حال تغییر است. حضرت ولیّ‌امرالله توضیح می‌فرمایند که: ”تعمّق در امر مبارک یعنی که انسان آثار حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری را چنان دقیق مطالعه کند که بتواند امر الله را به صورت اصیلش به دیگران معرفی نماید. بسیاری کسانی که فهمی سطحی از آرمان‌های امر الهی دارند لذا آیین الهی را با بسیاری افکار و تصوّرات شخصی خود توأم نموده به سایرین معرفی می‌کنند. چون امر الله هنوز مراحل اوّلیه‌اش را طیّ می‌کند باید نهایت دقّت را مرعی داریم که مبادا مرتکب چنین خطایی شویم و به نهضتی که این‌چنین مورد ستایش ما است لطمه‌ای وارد سازیم. مطالعه امر الهی حدّ و حصری ندارد. هر چه آیات الهی را بیشتر بخوانیم به حقایق بیشتری پی‌می‌بریم و درمی‌یابیم که تصوّرات قبلی ما خطا بوده است.“^۱ (ترجمه) بنا بر این اگرچه ینش یک فرد می‌تواند به روشن ساختن برخی از مسائل و مشکلات کمک کند ولی ممکن است موجب گمراهی نیز بشود. لذا یاران باید بیاموزند که نظریّات و عقاید دیگران را بشنوند بدون اینکه بیش از حدّ مجذوب آن گردند و یا اجازه دهند که در ایمان‌شان تزلزلی حاصل شود و بیاموزند که چگونه نظریّات شخصی خود را اظهار نمایند بدون اینکه آن را بر دوستان بهائی خود تحمیل کنند.

۵۸۰۱۴

امر الهی زیستی ارگانیک است و مثل موجودی زنده در حال رشد و توسعه می‌باشد. امر مبارک بارها با بحران‌هایی رو به رو شده است که احبّاً را مشوّش ساخته ولی هر بار به مدد اراده غالبه الهیه امر الله بر آن فایق آمده و به پیشرفت بیشتری نائل گشته است.

۵۸۰۱۵

علیرغم عدم توانایی ما از درک رموز و مقتضیات صعود حضرت شوقی افندی، حبل متین و وزینی که باید همه با اطمینان به آن تشبّث جویم عهد و میثاق الهی است. بیان محکم و مؤکّد حضرت عبداله‌بهاء در الواح وصایا در این ایّام به مانند ایّام پس از صعود هیکل مبارکش ضامن و حافظ امر الهی است که می‌فرمایند:

مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوبه راجع بیت عدل عمومی بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثریّت آرا تحقق یابد همان حقّ و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممّن احبّ الشّقاق و اظهر التّفاق و اعرض عن ربّ الميثاق. و همچنین می‌فرمایند: ”کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کلّ مخالف فی ضلال مبین.“

۵۸۰۱۶

بیت العدل اعظم که به فرموده هیکل مبارک حضرت ولیّ‌امرالله در آینده ایّام به عنوان ”آخرین ملجأ و پناه تمدّنی رو به زوال“ (ترجمه) محسوب خواهد شد، حال در غیاب ولیّ امر تنها مؤسسه مصون از خطا در این عالم است که همه باید به آن

رجوع نمایند، مؤسسه‌ای که مسئولیت تضمین وحدت و پیشرفت امر الهی را برحسب نصوص نازل بر عهده دارد. از حضرت مولی‌الوری و حضرت ولی‌امرالله بیاناتی موجود است مشعر بر آنکه بیت العدل اعظم علاوه بر آنکه عالی‌ترین هیئت تشریفه‌ای امر است مرجع کل و در ”رأس“ نظم اداری بهائی قرار دارد و ”اعلی مقام جامع مشترک المنافع بهائی“ (ترجمه) نیز می‌باشد. حضرت ولی‌امرالله در توقیعات مبارکه خود وظایف بنیادینی از قبیل طرح نقشه‌های تبلیغی جهانی آینده، رهبری امور اداری امر الله، و هدایت و تنظیم و وحدت بخشیدن به امور امر الهی در سراسر جهان را برای بیت العدل اعظم تصریح فرموده‌اند. به علاوه در کتاب ”قرن بدیع“ (God Passes By) می‌فرمایند: ”کتاب مستطاب اقدس ... هم مخزن حدود و احکامی است که باید برای نسل‌های آتی باقی ماند و نظم جهان‌آرایش بر آن اساس استوار شود و هم وظیفه تبیین آیات را به مرکز عهد محول فرموده و مؤسسات ضروری‌ای را که یگانه ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر الهی است مقرر و معین نموده است.“ (ترجمه) و همچنین در کتاب ”دور بهائی“ (The Dispensation of Bahá'u'lláh) فرموده‌اند که اعضای بیت العدل اعظم ”مشمول وصول هدایت الهیه‌ای هستند که سبب حیات و کافل صیانت حتمی شریعت الله است، نه نفوسی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم آنان را انتخاب می‌نمایند.“ (ترجمه)

۵۸.۱۷

همانطور که بیت العدل اعظم الهی قبلاً نیز اعلام داشته است این هیئت نمی‌تواند قوانینی وضع کند که تعیین جانشینی برای حضرت شوقی افندی و یا انتصاب افرادی جدید به مقام ایادی امر الله را ممکن سازد ولی باید در حیطه قدرت خود بکوشد تا اجرای جمیع وظایفی را که مشترکاً با این دو مؤسسه جلیل بر عهده دارد تأمین و تضمین نماید. این هیئت باید به وضع مقرراتی مبادرت نماید تا وظایف مربوط به صیانت و تبلیغ امر الله که تشکیلات اداری بهائی با مقام ولایت و حضرات ایادی امر الله در اجرای آن سهیم و شریک‌اند در آینده به نحوی صحیح مجرا گردد. بیت العدل اعظم باید در غیاب ولی امر الله، برحسب بیان مبارک حضرت عبدالبهاء حقوق الله را دریافت نماید و به مصارف ضروری امر برساند، چنانچه می‌فرمایند: ”تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی به اذن و اجازه مرجع امر“. این هیئت باید در نظام‌نامه خود برای انفصال و اخراج فردی از اعضای خود که ”گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود“ تدابیری اتخاذ نماید. مهم‌تر از هر چیز، این هیئت باید با ایمان کامل به حضرت بهاءالله، امر مبارکش را اعلان و شریعتش را تنفیذ نماید تا صلح اعظم در نهایت اتقان در این عالم برقرار گردد و اساس ملکوت الهی بر روی زمین استقرار یابد.

(ترجمه‌ای از دستخط بیت العدل اعظم مورخ ۲۷ مه ۱۹۶۶ خطاب به یکی از احبّا)

۵۹.۱

نامه اخیر شما حاوی سؤالاتی که با مطالعه توقیع ”دور بهائی“ (The Dispensation of Bahá'u'lláh) برای بعضی از جوانان پیش آمده به دقت ملاحظه گردید لذا توجه شما را به بیان مورد سؤال و همچنین بیان دیگری از همان اثر مبارک که هر دو مربوط به رابطه بین ولایت امر الله و بیت العدل اعظم است جلب می‌نمایم.

۵۹.۲

بیان اول مربوط به این وظیفه ولی امر الله می‌شود که هرگاه معتقد باشد تشریعی با مفهوم آثار مبارکه و روح آیات منزلت مباین دارد، باید بر تجدید نظر آن توسط سایر اعضای بیت العدل اعظم ابرام و تأکید نماید. بیان دوم مربوط به عصمت بیت العدل اعظم در غیاب ولی امر الله است، یعنی این بیان حضرت شوقی افندی که می‌فرمایند: ”بدون چنین مؤسسه‌ای [ولایت امر الله] ... هدایاتی که جهت تعریف حدود اقدامات تشریفه‌ای نمایندگان منتخب ضروری است به کلی سلب شود.“ (ترجمه)

اشاره کرده‌اید که برخی از جوانان متحیرند که چگونه می‌توان بیان اول را با بیاناتی مانند آنچه که در الواح مبارکه وصایا آمده و نیز تأکید حضرت عبدالبهاء که می‌فرمایند بیت العدل اعظم “مصوناً من کلّ خطّاء” است، وفق داد.

درست همانطور که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به هیچ وجه با کتاب مستطاب اقدس تضادی ندارد بلکه به فرموده حضرت ولی‌امرالله “مؤید و متمم و ملازم کتاب اقدس است” (ترجمه)، آثار حضرت ولی‌امرالله نیز با کلام منزله و با تبیینات حضرت مولی‌الوری مغایرتی ندارد. لذا برای درک آثار مبارکه، ابتدا باید قبول کرد که هیچگونه تضاد حقیقی بین آنها نمی‌تواند وجود داشته باشد و سپس در پرتو این نکته می‌توانیم در کمال اطمینان در جستجوی وحدت معانی مندمج در آنها باشیم.

ولی‌امر الله و بیت العدل اعظم دارای بعضی وظایف و عملکردهای مشترکی می‌باشند و نیز هر یک از این دو مؤسسه در حوزه جداگانه و متمایزی عمل می‌کند. همانطور که حضرت شوقی افندی توضیح فرموده‌اند: “... کاملاً واضح و روشن است که ولی‌امر مبین آیات الهی و بیت العدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است. تبیینات ولی‌امر الله که در حوزه اختیارات خویش عمل می‌نماید، همان مرجعیت و الزام اجرایی را دارد که قانون‌گذاری‌های بیت العدل اعظم، مؤسسه‌ای که امتیازات و اختیارات منحصر به فردش اظهار و اعلان قضاوت نهایی در مورد قوانین و احکامی است که حضرت بهاء‌الله بالصّراحه نازل نفرموده‌اند. هیچ یک از این دو مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدس و مقرر دیگری تعدی نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد کرد. هیچ یک سعی در تضعیف اختیارات مخصوصه و مصرحه‌ای که از جانب حق به هر یک اعطا شده نخواهد نمود.” (ترجمه) لذا غیر قابل تصوّر است که دو مرکز مختار که به فرموده حضرت مولی‌الوری هر دو “در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی” هستند، با یکدیگر در تضاد باشند، زیرا هر دو حامل هدایت واحده الهیه هستند.

علاوه بر تشریع و وضع قانون، وظایفی کلی‌تر یعنی مسئولیت صیانت و اداره امر الله، حلّ مسائل مبهمه و اتخاذ تصمیم در باره موضوع‌هایی که موجب اختلاف شده به بیت العدل اعظم تفویض گردیده است. در هیچ جا ذکر نشده است که عصمت بیت العدل اعظم مشروط به عضویت یا حضور ولی‌امر الله در آن هیئت می‌باشد. فی‌الحقیقه، حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا و نیز حضرت شوقی افندی در توقیع “دور بهائی”، با صراحت اظهار داشته‌اند که اعضای منتخب بیت العدل اعظم در حین مشورت در تحت هدایت محتوم الهی هستند. مضافاً حضرت ولی‌امرالله بنفسه در توقیع “نظم جهانی بهائی” (The World Order of Bahá'u'lláh) تصریح فرموده‌اند که “هر یک از پیروان آیین بهائی باید به وضوح بدانند که مؤسسه ولایت امر الله به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی اختیاراتی را که حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس به بیت العدل اعظم تفویض فرموده‌اند و حضرت عبدالبهاء مکرراً و قطعاً آن را در الواح مبارکه وصایا تأکید نموده‌اند، سلب نمی‌نماید و یا حتی به قدر سر مویی از اهمیت آن نمی‌کاهد؛ مؤسسه ولایت با وصایا و آثار حضرت بهاء‌الله تضادی ندارد و هیچ یک از دستورات منزله آن حضرت را ملغی نمی‌سازد.” (ترجمه)

اگرچه مسئولیت ویژه ولی‌امر الله تبیین کلام الهی است، اما تمام قدرت و اختیارات لازم برای انجام وظیفه در مقام ولی‌امر الله و مرجع و محافظ اعلای امر الهی نیز به ایشان اعطا شده است. مضافاً، ولی‌امر الله رئیس لاینعزل و عضو دائمی هیئت عالیّه تشریعیّه امر الله است و در مقام ریاست بیت العدل اعظم و عضویت آن هیئت است که ولی‌امر الله در فرایند

تشریع شرکت می‌کند. اگر بیان ذیل که موجب مطرح شدن سؤال شما گردیده، به عنوان اشاره‌ای به این مقام محسوب شود، مشاهده خواهید نمود که هیچ تضادی بین آن و سایر آثار مبارکه وجود ندارد:

هرچند ولیّ امر الله رئیس دائمی مؤسسه‌ای آنچنان فخیم است مع هذا نمی‌تواند بنفسه حتّی به طور موقتّ واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت دیگر اعضای آن را الغا نماید ولیکن هرگاه وضع قانونی را وجداناً مباین با روح آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن از طرف اعضا نماید. (ترجمه)

۵۹۰۸ اگرچه ولیّ امر الله، در رابطه با سایر اعضای بیت العدل اعظم نمی‌تواند تصمیم اکثریت را لغو نماید، غیر قابل تصوّر است که سایر اعضا در ضمن مشورت و یا تشریع هرگونه ایراد ولیّ امر الله را نسبت به نکاتی که مباین با روح امر الله می‌داند نشنیده بگیرند و یا به آن اعتنا ننمایند. باید به خاطر داشت که قضاوت نهایی بیت العدل اعظم است که مصون از خطا است، نه نظرات ابراز شده در فرایند تشریع یک موضوع.

۵۹۰۹ بنا بر این، می‌توان مشاهده کرد که تضادی بین بیانات حضرت مولی الوری در خصوص هدایت محتوم الهی که بیت العدل اعظم بدان موهوب گشته و بیان فوق از توقیع ”دور بهائی“ وجود ندارد.

۵۹۰۱۰ آگاهی از بعضی از فرایندهایی که بیت العدل اعظم در حین وضع قوانین به کار می‌برد، ممکن است به احبّا در درک این روابط کمک کند. در ابتدا بیت العدل اعظم، البتّه نهایت دقّت را در مطالعه نصوص مبارکه و تبیینات حضرت ولیّ امر الله و همچنین ملاحظه نظرات جمیع اعضا مبذول می‌دارد. بعد از مشاوره طولانی، فرایند تهیه پیش‌نویس یک بیانیه شروع می‌شود. در طیّ این فرایند، این امکان وجود دارد که تمامی موضوع مورد تجدید نظر قرار گیرد. در نتیجه چنین تجدید نظری قضاوت نهایی ممکن است به نحو بارزی با استنتاجات قبلی متفاوت باشد و یا ممکن است تصمیم بر این شود که در آن زمان در باره آن موضوع اصلاً قانونی وضع نگردد. مسلماً می‌توان درک نمود که اگر حضرت ولیّ امر الله در طیّ چنین فرایندی در قید حیات بودند چه توجّه عمیقی به نظرات هیکل مبارک مبذول می‌شد.

۵۹۰۱۱ در ملاحظه بیان دوم، مجدداً باید به این اصل متمسک باشیم که تعالیم مبارکه با یکدیگر در تضاد نیستند.

۵۹۰۱۲ امکان وجود ولّاء امر الله دیگر به وضوح در آثار مقدّسه منظور و مذکور گشته است ولی در هیچ جا قول و یا ضمانتی راجع به اینکه سلاله ولّاء امر الله تا ابد ادامه خواهد یافت وجود ندارد، بلکه برعکس اشارات روشنی موجود است دالّ بر اینکه این سلاله می‌تواند قطع شود. علیرغم این، در آثار مبارکه مکرراً بر فناپذیری عهد و میثاق و تغییرناپذیری مقصد و اراده الهی برای این یوم عظیم تأکید شده است.

۵۹۰۱۳ یکی از چشم‌گیرترین بیاناتی که احتمال چنین توقّفی را در سلاله ولّاء امر الله پیش‌بینی نموده، در نفس کتاب مستطاب اقدس ذکر شده است:

قد رجعت الأوقاف المختصة للخيرات الى الله مظهر الآيات ليس لأحد ان يتصرف فيها الا بعد اذن مطلع الوحي و من بعده يرجع الحكم الى الأغصان و من بعدهم الى بيت العدل ان تحقق امره في البلاد ليصرفوها في البقاع المرتفعة في هذا الأمر و فيما امروا به من لدن مقتدر قدير والا ترجع الى اهل البهء الذين لا

يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِهِ وَلَا يَحْكُمُونَ إِلَّا بِمَا حَكَّمَ اللَّهُ فِي هَذَا اللُّوحِ أُولَئِكَ التَّصَرُّعُونَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ لِيَصْرِفُوها فِيمَا حَدَّدَ فِي الْكِتَابِ مِنْ لَدُنْ عَزِيزٍ كَرِيمٍ.

۵۹.۱۴

صعود حضرت ولی‌امراللہ در سنہ ۱۹۵۷ عیناً همان وضعی را به وجود آورد که در این فقره از کتاب مستطاب اقدس به آن اشاره گردیده، یعنی قبل از تشکیل بیت العدل اعظم سلالهٔ اغصان به انتها رسید. همانطور که مشاهده می‌شود اگرچه اختتام سلسلهٔ اغصان در مرحله‌ای از تاریخ پیش‌بینی شده بود، اما هرگز نباید لطمهٔ سنگین و دردناکی را که امر مبارک از این جهت متحمل شده است ناچیز شمیریم. در هر حال مقصد خداوند متعال برای نوع بشر همچنان لایتغیر و میثاق قویم و متین حضرت بهاء‌الله آسیب‌ناپذیر باقی می‌ماند. مگر حضرت بهاء‌الله قاطعانه فرموده‌اند که ”آنه وضع امره علی اساس ثابت راسخ متین“. و همچنین حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: ”انّ الله فعّال لما يريد لا ناسخ لعهدہ و لا مانع لفضله و لا مقاوم لأمره“. ”کلّ من علیها فان و یقی میثاق ربّک محیطاً علی الآفاق“. ”امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است چون تا بحال چنین میثاقی صریح بقلم اعلی وقوع نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است ... این شبهات نقض مانند کف دریاست ... این کفهای دریا بقائنی ندارند عنقریب محو و نابود گردد ولی دریای میثاق الی‌الأبد پرموجست و در جوش و خروش“. و حضرت شوقی افندی به وضوح فرموده‌اند: ”صخره‌ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابتة الهیة برای عالم انسانی در عصر حاضر است.“ (ترجمه) ”این گوهر یکتای ظهور الهی که هنوز در عالم جنین است البتہ در صدف احکامش نشو و نما نموده، سالم و کامل به پیش رود تا آنکه تمام عالم انسانی را در بر گیرد.“ (ترجمه)

۵۹.۱۵

در آیین بهائی دو مرجع مختار که احباً باید به آن رجوع نمایند تعیین شده است زیرا که مبین آیات در حقیقت ادامهٔ مرجع اول یعنی نفس کلمة الله می‌باشد. کتاب الهی ثبت آثار حضرت بهاء‌الله است در حالی که مبین ملهم، لسان حی کتاب الله است و تنها او است که می‌تواند معانی موثّق و معتبر کتاب الهی را بیان نماید. به این ترتیب، یک مرجع، کتاب الهی و مبین آن است و مرجع دیگر بیت العدل اعظم می‌باشد که در ظل هدایت الهی است تا در مورد آنچه در کتاب الهی به صراحت نازل نشده تصمیم بگیرد. وجود دو مرجع و ارتباط آنها، الگویی است که در هر مرحله از تکامل امر الله مشهود است. حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس به مؤمنین می‌فرمایند که بعد از صعود آن طلعت مبارک به کتاب الهی و ”من اراده الله الذی انشعب من هذا الأصل القديم“ توجّه نمایند. هیکل مبارک در کتاب عهدی این نکته را توضیح می‌فرماید که منظور از این بیان کتاب اقدس، حضرت عبدالبهاء است. حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس مؤسسهٔ بیت العدل اعظم را نیز مقرر و قدرت و اختیاراتی را که برای اجرای وظایف مقررّه خود نیاز دارد به آن هیئت تفویض فرموده‌اند. حضرت مولی‌الوری در الواح وصایا صریحاً مؤسسهٔ ولایت را که بنا به بیان حضرت شوقی افندی به وضوح در آیات کتاب اقدس پیش‌بینی شده تأسیس می‌فرمایند، مرجعیت بیت العدل اعظم را مورد تأیید مجدد قرار داده آن را تشریح می‌فرمایند و دیگرار احباً را به کتاب الهی ارجاع می‌دهند، ”مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوبه راجع ببیت عدل عمومی“ و در انتهای الواح وصایا می‌فرمایند: ”باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کلّ مخالف فی ضلال مبین“.

۵۹.۱۶

از آنجا که حوزهٔ اختیارات بیت العدل اعظم در زمینهٔ تشریع به موضوع‌هایی که صریحاً در نصوص مبارکه نازل نشده محدود می‌گردد، بدیهی است که کتاب الهی خود بالاترین مقام مرجعیت را دارد و حوزهٔ عملکرد بیت العدل را تعیین می‌نماید. به همین ترتیب مبین کتاب الله نیز باید حقّ تعریف حوزهٔ تشریع نمایندگان منتخب امر الله را داشته باشد. آثار

حضرت ولی‌امرالله و توصیه‌های آن حضرت در طول سی و شش سال ولایت‌شان نشان می‌دهد که چگونه ایشان این وظیفه را در رابطه با بیت العدل اعظم و همچنین در رابطه با محافل روحانی ملی و محلی انجام دادند.

۵۹۰۱۷

این حقیقت که ولی‌امرالله اختیار تعریف حوزه تشریع بیت العدل اعظم را دارد، بدین معنی نیست که بدون چنین هدایتی بیت العدل اعظم ممکن است از حدود اختیارات خاص خود تجاوز نماید. چنین استنتاجی با کلیه نصوص دیگر در باره عصمت بیت العدل اعظم و به طور اخص با تصریح نفس حضرت ولی‌امرالله مباینت خواهد داشت که می‌فرمایند بیت العدل اعظم هرگز به قلمرو مقدس و مجاز مؤسسه ولایت تعدی نخواهد کرد. باید به خاطر داشت که اگرچه محافل روحانی ملی و محلی در صورتی که با روح و روشی که حضرت عبدالبهاء توصیف فرموده‌اند به مشورت پردازند می‌توانند از هدایت الهیه برخوردار شوند، اما از عصمت موهوبی تضمین شده که صریحاً به بیت العدل اعظم عنایت شده برخوردار نیستند. هر محقق دقیق امر مبارک می‌تواند مشاهده کند که حضرت ولی‌امرالله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء با چه دقتی این نمایندگان منتخب احبّا را در تلاش برای استقرار نظم اداری و تدوین نظام‌نامه محافل روحانی ملی و محلی هدایت فرمودند.

۵۹۰۱۸

امیدواریم که این توضیحات احبّای عزیز را در درک واضح‌تر این روابط مساعدت نماید، اما ما باید همگی به خاطر داشته باشیم که به آغاز نظامی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند نزدیک‌تر از آن هستیم که بتوانیم قوای مکنون در آن و یا روابط مابین اجزای متشکله آن را به طور کامل درک کنیم. چنانچه منشی حضرت شوقی افندی در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۳۰ از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از احبّا مرقوم داشت، ”درک محتوای الواح مبارکه و صایای حضرت مولی‌الوری برای نسل کنونی بسیار مشکل و کشف کنوز حکمت مکنون در آن نیازمند حدّ اقل یک قرن فعالیت است.“ (ترجمه)

(ترجمه‌ای از دستخط بیت العدل اعظم مورّخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ خطاب به یکی از احبّا)

۶۰۰۱

اگرچه بیت العدل اعظم باید احکام کتاب مستطاب اقدس را تنفیذ و تکمیل نماید ولی به هیچ وجه حق تغییر هیچ یک از احکام نازله از قلم حضرت بهاءالله را ندارد. همانطور که حضرت ولی‌امرالله تصریح فرموده‌اند تمهیدات مندرج در کتاب اقدس در تمام دور بهائی ”ثابت و لن یتغیّر“ می‌ماند.

(ترجمه‌ای از دستخط بیت العدل اعظم مورّخ ۲۸ آوریل ۱۹۷۴ خطاب به یکی از احبّا)

۶۱۰۱

ميثاق از نظر دینی یک پیمان محکم و الزام‌آور بین خداوند و بشر است که به موجب آن خداوند خواهان رفتاری معین از بشر است و در عوض اعطای مواهب معینی را تضمین می‌نماید و یا به موجب آن پیمان، خداوند مواهب معینی را به بشر اعطا نموده و در مقابل از کسانی که آن مواهب را می‌پذیرند تعهد می‌گیرد که به طریق خاصی عمل نمایند. برای مثال ميثاق اکبر این است که هر مظهر ظهور الهی به پیروان خود وعده می‌دهد که در میقات کامل مظهر ظهور جدیدی فرستاده خواهد شد و از آنان تعهد می‌گیرد که وقتی ظاهر شد او را بپذیرند. همینطور ميثاق اصغر این است که مظهر الهی از پیروان خود تعهد می‌گیرد که جانشین منتصب بعد از او را بپذیرند؛ اگر پیروان اطاعت نمایند امر الهی خالص و متحد می‌ماند و الا در امر الله تفرقه حاصل شده قوایش به تحلیل می‌رود. این است ماهیت عهد و ميثاقی که حضرت بهاءالله در مورد حضرت عبدالبهاء با پیروان خویش ببستند و حضرت عبدالبهاء آن را از طریق نظم اداری که حضرت بهاءالله ایجاد نموده بودند تداوم بخشیدند.

۶۲۰۱

در مورد سؤال اوّل شما، حائز اهمّیت است که در بررسی عبارات مذکور در آثار بهائی راجع به ولایت امر الله و علی‌الخصوص در مواردی که سعی در درک مفهوم آنها در حال حاضر می‌نمایید، باید توجه داشته باشید که کلمه “ولایت” در موارد مختلف مفاهیم متعدّدی دارد. در بعضی موارد بر مقام و وظایف شخص ولیّ امر الله دلالت دارد، در موارد دیگر به تسلسل ولّاء امر اشاره می‌نماید و در مواردی نیز مفهوم وسیع‌تری را شامل است که ولیّ امر الله و مؤسّسات مربوطه‌اش را در بر می‌گیرد. با این وجود، کاملاً اشتباه خواهد بود اگر در زمان حاضر که ولیّ امری وجود ندارد اظهار شود که ایادی امر الله اعضای مؤسّسه ولایت امر می‌باشند و چنین اظهاری در مورد دارالتبلیغ بین‌المللی، مشاورین قاره‌ای و اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان نیز صحیح نخواهد بود.

۶۲۰۲

در مورد خاصّ مقام و وظایف شخص ولیّ امر الله، بیت العدل اعظم این وظایف و اختیارات را سه نوع می‌دانند. اوّل، همانطور که در نامه‌ای به زبان انگلیسی خطاب به یکی از احبّا مندرج در مجموعه^۷ “Wellspring of Guidance” توضیح داده شده ولایت امر الله و بیت العدل اعظم عهده‌دار بعضی وظایف و مقاصد مشترک می‌باشند که بیت العدل اعظم باید به پی‌گیری آنها ادامه دهد. دوّم، دیگر وظایف ولایت امر الله است که در غیاب ولیّ امر به بیت العدل اعظم محوّل می‌شود مثل مرجعیّت امر، هدایت امور مؤسّسه ایادی امر الله و تضمین امتداد انجام وظایف صیانت و تبلیغ امر الله که به آن مؤسّسه تفویض گردیده، و حقّ نظارت بر نحوه مصرف حقوق الله. سوّم، امتیازات و وظایفی است که منحصرّاً در حوزه اختیارات ولیّ امر الله می‌باشد و در غیاب ولیّ امر غیر قابل اجرا است، به جز کارهای عظیم تاریخی که قبلاً توسط حضرت شوقی افندی انجام شده و منافع پایدار آن برای امر مبارک همواره ادامه دارد. یک چنین امر غیر قابل اجرا، تبیین آثار مبارکه است. (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۵ مه ۱۹۷۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۶۳۰۱

در دوران ولایت چند بار از حضرت شوقی افندی سؤال شد که حوزه عملکرد و معصومیّت خود را تشریح نمایند. پاسخ‌های مرقومه از طرف ایشان بسیار روشن است. هیکل مبارک توضیح می‌فرماید که در مواضعی مانند اقتصاد و علوم معصومیّت موهوبی ندارند و همچنین در امور خاصّ تخصّصی هم وارد نمی‌شوند زیرا معصومیّت‌شان محدود به “مطالبی است که مطلقاً مربوط به امر الهی” است. هیکل مبارک مضافاً خاطرنشان می‌نماید که “اماّ علیم به مانند یک پیغمبر نیستند” و “عصمت موهوبی ولیّ امر شامل تبیین کلمات منزله الهی و اجرای آنست” و همچنین “در حفظ و صیانت امر الله مصون از خطاست”. به علاوه در یکی از توقیعات مبارکه هدایت ذیل ارائه شده است.

افراد احبّا این حقّ را ندارند که حوزه اختیارات ولیّ امر الله را محدود نمایند یا داوری نمایند که در چه موقعیتی باید از او اطاعت کنند و یا چه وقت آزادند که قضاوت او را رد نمایند. چنین طرز فکر و رفتاری واضحاً به آشفتگی و تفرقه خواهد انجامید. چون ولیّ امر الله مبین منصوص تعالیم الهیه می‌باشد مسئول است تعیین نماید که چه اموری مربوط به مصالح امر الله است و از مؤمنین بخواهد که به طور کامل و بدون قید و شرط از دستورات او اطاعت نمایند.

همیشه باید به خاطر داشت که بعد از حضرت عبدالبهاء تبیین منصوص تعالیم الهی حقّ منحصر به فرد ولیّ امر الله و در ”قلمرو مقدّس و مقررّ“ ولایت امر بوده لذا بیت العدل اعظم نمی‌تواند به آن قلمرو وارد شود و وارد هم نخواهد شد. حوزه اختصاصی بیت العدل اعظم ”اظهار و اعلان قضاوت نهایی در مورد قوانین و احکامی است که حضرت بهاءالله بالصّراحه نازل فرموده‌اند.“ به غیر از این تفاوت اساسی در وظایف دو رکن رکن نظم حضرت بهاءالله و در رابطه با وظایف دیگر مرجع امر الهی، مسئولیت مشترک بیت العدل اعظم با ولیّ امر الله شامل اجرای آیات نازله و حفظ و صیانت امر الهی و همچنین این است که ”استمرار اختیارات موهوبی را که از مصدر امر مبارک سرچشمه می‌گیرد حفظ نمایند، وحدت پیروان آیین نازنین را محفوظ دارند و اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش را صیانت کنند.“ اما بیت العدل اعظم علیم نیست و مانند ولیّ امر الله در هنگام اخذ تصمیم به اطلاعات و حقایق نیاز دارد و مانند آن حضرت نیز ممکن است با به دست آمدن اطلاعات جدید تصمیم خود را تغییر دهد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۲ اوت ۱۹۷۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

... الواح نقشهٔ ملکوتی که از قلم حضرت عبدالبهاء در دوران جنگ جهانی اوّل صادر گشت منشور تبلیغ امر الله است. کلیّه نقشه‌های تبلیغی که توسط حضرت ولیّ عزیز امر الله آغاز شد و نیز نقشه‌هایی که متعاقباً توسط بیت العدل اعظم ارائه گردید همگی مراحل اجرای این طرح جامع مرکز عهد و میثاق برای انتشار پیام حضرت بهاءالله می‌باشد.

برای تهیه و تعیین اهداف نقشه‌ای مثل نقشهٔ پنج‌ساله، بیت العدل اعظم با هم‌کاری دارالتبلیغ بین‌المللی در مورد وضعیّت کنونی امر الله در سراسر جهان اطلاعات جمع‌آوری می‌نماید، اوضاع کلی بشریّت و جهت حرکت وقایع سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان را مورد توجّه قرار می‌دهند، نیازهای خاصّ الگوی در حال توسعهٔ جامعهٔ بهائی هر کشور را در نظر می‌گیرند و اهدافی تعیین می‌کنند که در پرتو اطلاعات موجود هم لازم الحصول و هم برحسب قابلیت جوامع بهائی قابل الحصول باشد. بنا بر این تمام اهداف تعیین شده حدّ اقلّ می‌باشد بدین معنا که نیاز نوع بشر بسیار وسیع‌تر از آن است که جامعهٔ بهائی در حال حاضر بتواند برای برآوردن آن برنامه‌ریزی کند، لذا اگرچه این اهداف مقررّه در حدّی است که بیت العدل اعظم وصول به آنها را در میقات معین ممکن می‌داند ولی احبّا باید همواره بکوشند تا در صورت امکان از آن فراتر روند.

هنگام تعیین اهداف، بیت العدل اعظم نمی‌تواند روند غیر قابل پیش‌بینی نقشهٔ عظیم الهی را در نظر بگیرند. بعضی اوقات ممکن است به نظر آید که جریان نقشهٔ کبیر الهی موجب اختلال در کار نقشهٔ صغیر الهی می‌گردد اما احبّا نباید اجازه دهند این مسئله موجب نگرانی آنان گردد. در سال ۱۹۵۵ بروز ناگهانی تضییقات دیرینه در مهد امر الله موجب وقفهٔ قابل ملاحظه‌ای در پیشرفت نقشهٔ ده‌ساله گردید. با اشاره به این مسئله، حضرت ولیّ امرالله در توقیع منیع “Citadel of Faith”، صفحهٔ ۱۴۰ مرقوم نمودند:

اگرچه شروع این جهاد خطیر جهانی روحانی که فقط نقشهٔ صغیر الهی برای تحقّق مقصد الهی برای رستگاری بشر محسوب می‌شود، در اثر این اغتشاشات که اختلالی موقت در امور اکثر پیروان سازمان یافتهٔ حضرت بهاءالله در موطن آن حضرت ایجاد نموده، با موانعی رو به رو شده است، ولی نقشهٔ کلی الهی که به نحوی اسرارآمیز و علیرغم فرایندهای منظم و معلوم نقشه‌ای واضح در حرکت است، جنبشی یافته که تحرّک آن را تنها نسل‌های آینده خواهند توانست به نحوی شایسته بررسی نمایند. (ترجمه)

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

۶۵.۱ شما اظهار نگرانی نموده‌اید که مرجعیّت تفویض شده به حضرت عبدالبهاء، حضرت ولیّ‌امرالله و بیت العدل اعظم می‌تواند تدریجاً منجر به کاهش فزایندهٔ "دامنهٔ موجود برای تعبیرات شخصی" شود و "آثار نفس مظهر ظهور از اهمیّت کمتر و کمتری برخوردار گردد" و برای مثال نمونه‌هایی را از آنچه در ادوار گذشته اتفاق افتاده ذکر کرده‌اید. بیت العدل اعظم پیشنهاد می‌کند که در تفکر پیرامون این مطلب شما در بارهٔ نحوه‌ای که عهد و میثاق حضرت بهاءالله عمل کرده است تعمّق نمایید تا ببینید چقدر فرایندهایش با فرایند توسعهٔ شریعت در یهودیّت خاخامی یا با عملکرد پاپ در مسیحیّت تفاوت دارد. رسم در این دو دیانت گذشته و همچنین تا حدّ زیادی در اسلام بر این فرض بوده که آثار منزلهٔ شارع دین همانا تجلّی کامل و نهایی ارادهٔ الهی برای نوع انسان بوده و همهٔ توضیحات و تشریعات بعدی جنبهٔ تفسیری داشته است بدین معنا که هدفش به کار بستن این آثار منزله برای حلّ مسائل و شرایطی بوده که بعدها به وجود آمده است. منطق و فرضیّات بهائی بسیار متفاوت است. با وجود اینکه امر حضرت بهاءالله به عنوان کلمهٔ الله و احکام آن حضرت به عنوان شریعت الله پذیرفته شده است، آغاز کار بر اساس این ادراک است که ظهور الهی تدریجی است و این احکام اگرچه مشیّت ربّانی برای این عصر می‌باشد اما بلاشک توسط مظهر ظهور الهی بعدی تغییر خواهد کرد. دوّمأً فقط منصوبات مظهر ظهور موثّق و میزان محسوب می‌گردد. در امر بهائی هیچ حکم شفاهی مانند آنچه در یهودیّت است و هیچ سنّت کلیسا مانند آنچه در مسیحیّت است و هیچ حدیث مانند آنچه در اسلام است وجود ندارد. سوّمأً تفاوتی آشکار میان تبیین و تشریع قائل شده است. حقّ تبیین منصوص مختصّ حضرت عبدالبهاء و ولیّ امر الله می‌باشد در حالی که تشریع مصون از خطا وظیفهٔ بیت العدل اعظم است.

۶۵.۲ اگر آثار حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ‌امرالله را مطالعه نمایید ملاحظه خواهید کرد که تا چه اندازه با تفاسیر و تعبیرات خاخام‌ها و [اصحاب] کلیسا متفاوت است. این تبیینات یک تحجّر تدریجی آثار منزله نیستند، زیرا در بیشتر موارد تفاسیلی هستند که متونی را که شاید مبهم به نظر می‌آمده روشن می‌کنند، به رابطهٔ عمیق متقابل موجود میان تعالیم مختلف اشاره می‌نمایند، رموز و اشارات کتب مقدّسه را شرح می‌دهند، و اهمیّت فوق‌العادهٔ کلام حضرت بهاءالله را به بهائیان می‌آموزند. این آثار نه تنها به هیچ وجه جای کلام مظهر ظهور را نمی‌گیرند بلکه ما را مکرراً به سوی آن دلالت می‌نمایند.

۶۵.۳ در آیین بهائی همچنین تفاوت بارزی میان تبیینات منصوص که در فوق توضیح داده شد و استنباطات و تفاسیر شخصی وجود دارد که هر یک از احبّاً در بیان آن کاملاً آزادند. مؤمنین مختارند و به راستی تشویق می‌شوند که آثار الهی را شخصاً مطالعه نموده درک خود از آن را بیان نمایند. اینچنین تفاسیر شخصی می‌تواند توضیحات بسیار روشن‌کننده‌ای باشد اما همهٔ بهائیان از جمله فردی که دیدگاه خود را ابراز می‌دارد هر چقدر هم که دانشمند باشد باید بداند که چنین تفسیری تنها یک نظر شخصی است و نمی‌تواند معیاری محسوب شود که دیگران آن را بپذیرند و همچنین هرگز نباید اجازه داده شود که اختلاف بر سر تفاوت میان چنین نظرانی به وجود آید.

۶۵.۴ قوانین وضع شده توسط بیت العدل اعظم با تبیین تفاوت دارد. تبیینات منصوص صادره از قلم حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ‌امرالله بیانی ملهم به هدایات الهی از معانی کلمهٔ الله است. تشریعات ملهم بیت العدل اعظم سعی در بیان معانی کلام الهی نمی‌کند بلکه در مواردی که نصّ صریح یا تبیینی از مرکز منصوص وجود ندارد آنچه را که باید انجام شود تعیین

می‌نماید. لذا این تشریعات در سطحی کاملاً متفاوت از نصوص مقدّسه است و بیت العدل اعظم مختار است که تشریعات خود را زمانی نسخ نماید یا تغییر دهد. به علاوه طرز نگرش به تشریعات در دیانت بهائی متفاوت است. در ادوار گذشته تمایلات انسانی این بود که هر سؤالی پاسخ داده شود و به یک تصمیم لازم الاجرا در مورد تمام جزئیات مربوط به عقاید و آداب منتهی گردد. گرایش در دور بهائی از زمان حضرت بهاءالله این بوده است که اصول حاکم تصریح شود و در موارد ضروری دستورات واجب الاجرای جزئی داده شود، ولی عرصه وسیعی بر عهده وجدان فردی گذاشته شود. همین گرایش در خصوص امور اداری نیز دیده می‌شود. حضرت ولی‌امرالله بیان می‌نمودند که کار محافل روحانی ملّی باید در اصول متحد الشّکل باشد اما در مسائل ثانوی تنوع نه تنها جایز بلکه پسندیده است. به همین دلیل تعداد زیادی از نکات در اساس‌نامه ملّی بهائی (اعتبارنامه و نظام‌نامه محافل ملّی) بیان نشده است و بر عهده هر محفل روحانی ملّی است تا در این خصوص برای خود تصمیم بگیرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳ ژانویه ۱۹۸۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۶۶۰۱ در حالی که نهایتاً وظیفه عمده بیت العدل اعظم تشریع قوانین خواهد بود اما مستمراً مسؤولیت وظایف اجرایی و قضائیش را نیز عهده‌دار است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۹ مه ۱۹۸۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانی ملّی)

۶۷۰۱ نامه شما به موضوعی اشاره می‌کند که با گذشت زمان و با نظر به مسؤولیت‌هایی که به طور صریح در آثار مقدّسه به بیت العدل اعظم تفویض شده، به طور فزاینده‌ای مورد توجه آن معهد قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال حضرت بهاءالله فرموده‌اند:

در اصول احکام که از قبل در کتاب اقدس و سائر الواح نازل امور راجع بسلاطین و رؤسای عادل و امنای بیت عدل شده.

در جایی دیگر می‌فرمایند:

باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظله فارغ و آزاد شود این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اسّ زحمت و مشقّت است.

و مجدداً تأکید می‌فرمایند:

امور سیاسیه کلّ راجع است به بیت عدل و عبادات به ما انزله الله فی الکتاب.

مضافاً از یکی از خطابات حضرت عبداله‌ها چنین نقل گردیده:

مجلس بیت العدل است که هم صفت سیاسی دارد و هم صفت دینی دارد جامع جهتین است و در تحت عصمت جمال مبارک است.

همانطور که از شرایط فعلی جهان و وضعیّت کنونی توسعهٔ جامعهٔ بهائی ملاحظه می‌شود، چنین اظهاراتی به مرحله‌ای در آینده در عملکرد بیت العدل و کارکرد جامعهٔ جهانی اشاره دارد؛ اما تا آن زمان، بیت العدل اعظم نحوهٔ تعامل بهائیان و مؤسّسات ملّی و محلّی آنان با دولت‌های مربوطه‌شان را بنا بر مقتضیات تعیین خواهند کرد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

... باید به این مسئله توجّه کرد که در اکثر زمینه‌های سلوک و رفتار انسان برخی از اعمال به وضوح مغایر احکام الهی است و برخی دیگر به وضوح مورد قبول یا مجاز می‌باشد. معمولاً محدودهٔ مبهمی مابین این دو وجود دارد که نحوهٔ عمل به راحتی قابل تشخیص نیست. یک تمایل بشری آن بوده که بخواهد این محدودهٔ مبهم را از بین ببرد تا همهٔ جوانب زندگی واضحاً تعیین گردد. یکی از پیامدهای این تمایل، افزایش فوق‌العادهٔ تفاسیر و تشریع فرعیات بوده که موجب خفقان روح برخی از ادیان گذشته شده است. در آیین بهائی اصل اعتدال که قویاً توسط حضرت بهاءالله تأکید شده است در این مورد نیز به کار برده می‌شود. تمهیداتی برای تشریعات تکمیلی توسط بیت العدل اعظم در نظر گرفته شده است، تمهیداتی که آن هیئت خود می‌تواند آنها را با تغییر شرایط نسخ و اصلاح کند. همچنین الگوی صریحی از پیش در آثار مقدّسه و تبیینات حضرت عبداله‌اء و حضرت شوقی افندی و در تصمیمات متّخذه تا به حال توسط بیت العدل اعظم موجود است که به موجب آن بخشی از اجرای احکام تعمداً به وجدان هر فرد مؤمن واگذار شده است. این عصری است که طیّ آن باید نوع انسان به بلوغ برسد و یکی از جنبه‌های این بلوغ قبول مسئولیّت توسط افراد است که در مورد اعمال خود در مواردی که احکام الهی آن را آزاد گذاشته است با مدد مشورت، خود تصمیم اتخاذ نمایند.

همچنین لازم به ذکر است که برای بیت العدل اعظم نه ممکن و نه مطلوب است که به تعیین مجموعه‌ای از مقرّرات پردازد که هر وضعیّتی را در بر گیرد بلکه وظیفهٔ هر فرد مؤمن است که با توسّل به دعا و بنا بر درک خود از آثار الهی، طرز سلوک و کردار خود را دقیقاً در رابطه با موقعیّت‌هایی که در زندگی روزمرهٔ خود با آنها مواجه می‌شود تعیین نماید. برای تحقّق رسالت حقیقی زندگی خود به عنوان یکی از پیروان جمال مبارک، او باید الگوی زندگی خود را بر طبق تعلیم الهی شکل دهد. فرد مؤمن نمی‌تواند به این هدف فقط با زندگی کردن بر اساس مجموعه‌ای از مقرّرات انعطاف‌ناپذیر نائل آید. زمانی که زندگیش معطوف به خدمت به حضرت بهاءالله باشد و وقتی هر عملش آگاهانه مبتنی بر آن باشد، او به مقصود حقیقی حیات خود نائل خواهد آمد.

بنا بر این هر مؤمنی باید آثار مقدّسه و هدایات حضرت ولیّ عزیز امر الله را مستمراً مطالعه نماید و دائماً بکوشد تا درک جدید و بهتری از اهمیّت آنها برای خود و اجتماعش کسب نماید. او باید همواره برای هدایات الهی، حکمت و استقامت در انجام آنچه نزد خداوند محبوب است خالصانه دعا نماید و همیشه و تا حدّ توانایش به خدمت پروردگار پردازد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۵ ژوئن ۱۹۸۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً)

با توسعه و بسط نظم اداری بهائی، یکی از موارد مهم مورد نظر بیت العدل اعظم توافق و هماهنگی این نظم با روح حقیقی امر بهائی است. گرچه بسیاری از جنبه‌های سودمند جوامع انسانی را می‌توان با اطمینان کامل در نظامات بهائی به کار گرفت ولی بیت العدل اعظم از نفوذ آن اصول و عادات سیاسی و مفاهیم اجتماعی غیر بهائی که موجب انحراف می‌شود و با موازین امر الهی مطابقت ندارد، جلوگیری خواهند کرد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

بیت العدل اعظم ملاحظه فرموده‌اند که شما از بعضی از مطالب مطروحه در یک گروه بحث الکترونیکی که اخیراً عضو آن شده‌اید نگران هستید. گروه‌های بحث الکترونیکی پدیده‌های جدیدی هستند که می‌توانند برای ارتباط بین مردم و برای تبلیغ امر الله بسیار مفید باشند اما همان طور که واقفید می‌توانند مشکلات پدیده‌ای نیز ایجاد کنند. استفاده از ایمیل مستلزم تعدیلی در استنباط و برداشت است. مباحثات در بین بهائیان در گذشته بین گروه‌هایی از دوستان شفاهاً و در محیطی خصوصی یا در مدارس تاپستانه و سایر جلسات بهائی و یا در مکاتبات بین افراد صورت می‌گرفت. مسلماً در این ارتباطات اظهارات نادرست زیادی مطرح می‌شد و همه اظهار نظرها آن طور که باید و شاید متعادل نبودند؛ بسیاری از آنچه بیان می‌شد به اشتباه درک می‌گردید. چرا که به هر حال همه احبّا دانش عمیقی از تعالیم امری ندارند و واضح است که حتی داشتن مناقب علمی نیز ضامن درکی صحیح نسبت به امر الهی نیست. قبل از پیدایش ایمیل چنین گراف‌کاری‌ها ماهیتی گذرا و گسترشی محدود داشت. اکنون همان نوع مباحثات در بین صد نفر یا بیشتر که غالباً یکدیگر را نمی‌شناسند پخش می‌شود و اطلاعات به شکلی است که از سخن بادوام‌تر است و می‌تواند با فشار یک دکمه در بین خوانندگان بسیاری منتشر گردد. بنا بر این کسانی که در این مباحثات شرکت می‌کنند نیازمند سطح جدیدی از انضباط شخصی هستند. چنین بحث‌هایی در بین بهائیان مستلزم خویشتن‌داری و خلوص نیت، و نیز صمیمیت، صراحت و صداقت است.

عنصر مرکزی و متحدکننده امر الله عهد و میثاق است. عهد و میثاق مؤسسه‌ای است که وفاداری آیین بهائی و تعالیمش به آثار منزله حضرت بهاءالله و تبیینات دو مبین منصوصش را ضمانت می‌کند. عهد و میثاق تنها نهادی است که می‌تواند امر الله را از تحریفات و اختلالاتی حفظ نماید که همه ظهورات گذشته در معرض آن قرار گرفتند، چونکه نفوسی خودرأی و جاه‌طلب در میان پیروان‌شان، یا از روی حسن نیت یا با سوء نیت، سعی کردند که امر الهی را به سوی الگوهای مورد علاقه خود سوق دهند.

بنا بر این اگر هر شرکت‌کننده در یک بحث مکاتبه الکترونیکی احساس کند که یک نظر مطرح شده با تمهیدات عهد و میثاق مغایرت داشته یا موجب تضعیف آن می‌گردد، باید با احساس آزادی برای اظهار نظر، استنباط خود را با صراحت و رعایت احترام بیان نماید. آنگاه شخصی که گفته اوّلیه را ذکر نموده قادر به بررسی مجدد نظر خود خواهد شد و اگر هنوز هم معتقد است که نظرش درست است باید بتواند توضیح دهد که چرا اظهاراتش مخالف متن و روح عهد و میثاق نیست. شرکت‌کنندگان در چنین بحثی باید از مشاجره و مجادله احتراز جویند و اگر قادر نیستند مسئله‌ای را حل و فصل نمایند باید آن را به بیت العدل اعظم ارجاع کنند زیرا بر طبق الواح وصایای حضرت عبدالهء "جميع مسائل مشکله در اینمجلس حل"

گردد“ و بیت العدل اعظم وظیفه دارند “در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوبه مذاکره نمایند“ و تصمیم بگیرند. بدین طریق عهد و میثاق می‌تواند موجب تنویر و اعتدال گفتمان شود و آن را مثمر ثمر سازد.

۷۰۰۴ نظم اداری حضرت بهاءالله در حال رشد و گسترش است. جوانی در ساختار و در عملکرد این نظم بدیع موجود است که به فرموده حضرت ولی‌امرالله باید در سراسر جهان متحد الشکل باشد. جنبه‌هایی ثانوی نیز در آن موجود است که می‌تواند از یک کشور به کشور دیگر و بر اساس تصمیم هر محفل روحانی ملّی مسئول برحسب نیازها و شرایط در ناحیه تحت اشرافش تفاوت کند. جنبه‌هایی که باید متحد الشکل باشد در قانون اساسی بیت العدل اعظم و اساس‌نامه محافل روحانی محلّی و ملّی مندرج است.

۷۰۰۵ در حالی که جوامع بهائی به رشد خود ادامه می‌دهند، بیت العدل اعظم اطمینان حاصل خواهند نمود که این نظامی که خداوند بنا نموده، بر طبق هدایات مصون از خطای موهوبی به آن معهد، بسط و توسعه خواهد یافت.

۷۰۰۶ شایسته است کسانی که گاه به گاه عدم رضایت خود را از ساختار کنونی نظم اداری ابراز می‌دارند توجّه خود را به مطالعه دقیق اصولی که بر طبق تبیینات حضرت عبداله و حضرت شوقی افندی این نظم بر اساس آن بنا شده است معطوف دارند و مساعی خود را متمرکز بر اجرای عملی محتوا و روح این آثار نمایند. تقریباً هر مشکلی که به عنوان نقصی در این ساختار مطرح می‌شود می‌توان آن را به راستی در رابطه با قصور در روشی یافت که فرد مؤمن اصول اداری امر مبارک را درک و اجرا می‌کند.

۷۰۰۷ در توفیق “دور بهائی“ (*The Dispensation of Bahá'u'lláh*) حضرت شوقی افندی می‌فرماید:

این نظم اداری جدید التّاسیس در ساختار خود عناصری چند از هر یک از سه نوع حکومت متعارف غیر دینی را در بر دارد بدون آنکه عیناً مانند هیچ یک از آنها باشد و یا آنکه هیچ یک از خصوصیات نامطلوب ذاتی آنها را در تشکیلات خود معرفی نماید. (ترجمه)

۷۰۰۸ سه نوع حکومت غیر دینی که حضرت ولی‌امرالله به آن اشاره می‌فرمایند عبارتند از اتوکراسی (autocracy) (تک‌سالاری)، اریستوکراسی (aristocracy) (اشراف‌سالاری) و دموکراسی (democracy) (مردم‌سالاری). حضرت ولی‌امرالله در همان توفیق بار دیگر با اشاره به این سه نوع حکومت غیر دینی می‌فرماید:

اگرچه نمی‌توان گفت که این نظم اداری، اقتباسی از هیچ یک از این انظمه حکومتی شناخته شده می‌باشد ولی عناصر سلیمه موجود در هر یک را در چارچوب خود تجسّد می‌بخشد، تطبیق می‌دهد، و تلفیق می‌نماید. اختیارات موروثی که ولی امر مأمور اجرای آن است، وظایف و عملکرد مهم و اساسی که بیت العدل اعظم به آن قائم است، تمهیدات خاصّی که لازمه انتخاب دموکراتیک آن معهد توسّط وکلای مؤمنین می‌باشد، جمعاً حاکی از این حقیقت است که این نظم الهی که هرگز نمی‌توان آن را با هیچ یک از حکومت‌های متعارف مندرج در آثار ارسطو یکسان دانست، مزایا و عناصر مفیده موجود در هر یک از آنها را با حقایق روحانیّه‌ای که خود بر آنها مبتنی است تلفیق نموده تجسّد می‌بخشد. این نظم بی‌مثیل که عیوب فطریّه قبول‌شده

این انظمه برای همیشه از آن حذف شده، هر چقدر تداوم و توسعه یابد، هرگز به هیچ یک از شکل‌های استبدادی (despotism)، گروه‌سالاری (oligarchy) یا عوام‌فریبی (demagogy) که می‌باید دیر یا زود تشکیلات کلیه مؤسسات سیاسی اساساً ناقص ساخته دست بشر را به فساد کشد انحطاط نخواهد یافت. (ترجمه)

مضافاً حضرت ولی‌امرالله در کتاب “قرن بدیع” (God Passes By) در باره خصوصیات نظم اداری بهائی می‌فرماید:

۷۰۰۹

این نظم در ساختار خود عناصری چند از هر یک از سه نوع حکومت غیر دینی را در بر دارد، عاری و مبرا از عیوب اصلیه فطریه آنها می‌باشد و حقایق سلیمه‌ای را که بی‌تردید هر یک از این انظمه دارا است به هم می‌آمیزد و ائتلاف می‌بخشد بدون آنکه اصالت حقایق موهوبه الهیه را که خود نهایتاً مبتنی بر آنها است تضییع نماید — اختیارات موروثی که ولی امر این نظم اداری مأمور اجرای آنست و حق تبیین آثار مقدسه که منحصرأ به او تفویض گشته، قدرت و اختیارات بیت العدل اعظم و حق منحصر به فرد آن معهد در تشریع احکام غیر منصوبه کتاب اقدس، حکم معافیت اعضای آن هیئت جلیله از هرگونه مسئولیتی در قبال منتخبین خود و عدم الزام پیروی از نظرات و عقاید و تمایلات آنان، و تمهیدات خاصی که لازمه انتخابات آزاد و دموکراتیک تنها مؤسسه تشریعی جامعه جهانی بهائی و منتخب جمهور مؤمنین می‌باشد — همه از جمله خصایصی است که نظم اداری حضرت بهاءالله را از هر یک از انظمه موجود بشری متمایز می‌سازد. (ترجمه)

هرچند اکنون نظم اداری باید بدون یک ولی امر در قید حیات و در نتیجه بدون یک مرجع مداوم تبیینات ملهم به هدایت الهی عمل نماید، ولی عناصر مفید هر سه نوع حکومت هنوز در این نظم موجود است: در استمرار مرجعیت نصوص مبارکه و تبیینات لازم الاجرای حضرت عبدالهء و حضرت ولی‌امرالله؛ در مسئولیت اعضای بیت العدل اعظم که “با توجه و تبیل از حکم و ندای وجدان خویش تبعیت نمایند” و “نه تابع عواطف و آرای عمومیه و نه حتی عقاید جمهور مؤمنین” باشند؛ در انتخابات (مستقیم یا غیر مستقیم) اعضای جمیع هیئت‌های حاکمه با رأی آزاد جمهور مؤمنین و عاری از تسمیه نفوس و دسایس تبلیغاتی و مبرا از روح جناح‌گرایی و قدرت‌طلبی که از خصایص اجتماع کنونی است. بالاتر از همه، ریشه عمیق این نظم بدیع همانا “حقایق روحانیّه” نازله توسط حضرت بهاءالله است.

۷۰۰۱۰

در سال‌های بعد از نگارش بیانات فوق‌الذکر، حضرت شوقی افندی همچنین فرایند تأسیس بیت العدل اعظم را نه تنها با انتصاب شورای بین‌المللی بهائی سرعت بخشیدند بلکه بر طبق تمهیدات الواح وصایای حضرت عبدالهء به انتصاب ایادی امرالله و نیز توسعه یک سلسله مؤسساتی اقدام فرمودند که شامل “جمعی از نفوس ممتازة مخلصه است که تحت هدایت مرجع امرالله به ایفای دو وظیفه مخصوصه صیانت و ترویج امر حضرت بهاءالله منصوب و مأمور”،^۸ اقدامی که اهمیّت حیاتی آن را اکنون به وضوح می‌توان در کارکرد دارالتبلیغ بین‌المللی، هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، اعضای هیئت معاونت و مساعدين‌شان مشاهده نمود.

۷۰۰۱۱

ده‌ها سال است که تلاش‌های مکرری از جانب افراد خاص به منظور القای این مفهوم در نظم اداری صورت گرفته که ایجاد تغییرات در جامعه از طریق تشکیل حوزه اجبای هم‌فکر برای اعمال فشار بر محافل منتخب، امری پسندیده و درست است. چنین مفهومی شباهت زیادی به تشکیل احزاب و دسته‌بندی‌هایی دارد که از خصوصیات پذیرفته و شناخته‌شده بسیاری

۷۰۰۱۲

از دموکراسی‌های نیابتی (representative democracy) می‌باشد. ولی این مفهوم با روح نظم اداری بهائی بالکل متناقض است، ماهیت آن را تحریف خواهد کرد و پایه آن اتحادی را که عهد و میثاق الهی برای حفظش طرح شده متزلزل خواهد ساخت.

۷۰۰۱۳ مؤسسات منتخب به راستی مسئولند که ”با اوضاع و احوال جامعه آشنایی کامل حاصل کنند“ و ”قضایای محوّه را بدون شائبه غرض غور و بررسی نمایند“ ولی با رواج انتقادات منفی و اختلاف در بین احبّا این فرایند مشکل می‌گردد. (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۷۱۰۱ از اینکه تلاش‌های مبذوله برای ایجاد تمایز بین ”عامّه بهائیان“ و ”دانش‌پژوهان بهائی“ در رابطه با مطالعات امری معمولاً سبب ایجاد اختلاف در بین احبّا می‌گردد ابراز ناراحتی کرده‌اید. نگرانی شما کاملاً بجا است. چنین طرز فکری در مورد پژوهش در امر مبارک نمایانگر سوء برداشتی بنیادین از الگوی جامعه بهائی مندرج در تعالیم الهی می‌باشد.

۷۱۰۲ همانطور که مطلعید، حضرت بهاءالله می‌فرمایند که کسب دانش بر همگان فرض شده است و در توصیف دانش می‌فرمایند که ”به منزله جناحست از برای وجود“ و ”مراقبت از برای صعود“. افرادی که اکتسابات عالیه‌شان در این زمینه به آنها امکان می‌دهد که سهم مهمّی در پیشبرد تمدّن داشته باشند سزاوار قدرشناسی و سپاس اجتماع می‌باشند.

۷۱۰۳ تبخّر یک فرد در علوم طبیعی یا اجتماعی، حقوق، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های تخصصی در مطالعه ظهور الهی، اغلب در روشن ساختن مسائل مورد بررسی مؤثر است و چنین کمک‌هایی باید مورد قدردانی فراوان قرار گیرد. رشته مطالعات خاورمیانه که در نامه شما ذکر شده بود یکی از رشته‌هایی است که می‌تواند در این راستا کمک نماید. اما تخصّص در هیچ رشته‌ای از رشته‌های متعدّد پژوهشی نمی‌تواند به افراد شاغل در آن رشته‌ها نقش مرجعیّت در کوشش جمعی در راه بررسی مفاهیم و مقتضیات چنین منبع بی‌کرانی از حقیقت را تفویض کند.

۷۱۰۴ حضرت بهاءالله به موازات دعوت به کسب دانش، خصیصه‌ای را به کلی منسوخ فرموده‌اند که در همه ادیان گذشته موجود است و بر اساس آن طبقه‌ای خاصّ از مردم مثل کشیش‌ها در مسیحیت و علما در اسلام، توانستند صاحب مرجعیّت برای درک مسائل و انجام رسوم مذهبی هم‌کیشان شوند. حضرت ولی‌امرالله در نامه‌ای به زبان فارسی که از طرف آن حضرت به محفل روحانی استانبول نوشته شده، اهمّیت این انفصال مهم از تاریخ گذشته ادیان را مؤکداً تصریح می‌فرمایند:

ولی الحمد لله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را به مراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند.

۷۱۰۵ دور بهائی از قلم مؤسس اعظمش به عنوان ”هذا يوم لن يعقبه ظلمة الليل“ توصیف شده است. حضرت بهاءالله از طریق عهد و میثاق خویش یک منبع استوار هدایت الهی را مهیا فرموده‌اند که در طول این دور استمرار خواهد داشت. اختیار و مرجعیّت اداره امور جامعه و وظیفه حفظ تمامیت کلام الهی و انتشار پیام امر الله به عهده نظم اداری که زاده عهد و میثاق می‌باشد محوّل گردیده است. تنها از طریق انتخابات آزاد یا انتصابات ناطلبیده است که اعضای مؤسسات این نظم به

سِمَت‌های خود برگزیده می‌شوند. هیچ حرفه‌ای نیست، چه در تبلیغ امر الله و چه در امور اداری امری، که فرد بتواند برای آن تعلیم بیند و یا به نحوی صحیح خواهان آن باشد. این بیانات هشداردهنده جمال مبارک مخصوصاً در این مورد صدق می‌کند:

برتری و بهتری که به میان آمد عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت

انسان عزیز است چه که در کلّ آیت حقّ موجود ولکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائست کبیر.

۷۱.۶ ترویج هر نوع یادگیری در بین بهائیان فعالیت‌های اساسی برای نیل به اهداف متنوع جامعه می‌باشد. بنا بر این تشویق افراد احبّا به کسب دانش، عملیات مدارس بهائی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، تشکیل گروه‌های مطالعه و فعالیت‌های تیم‌های اجرایی مخصوص ارتباط اصول بهائی با مشکلات نوع بشر، همگی نمونه‌های فعالیت‌هایی است که از یک سو مشاورین و معاونین‌شان و از سوی دیگر محافل ملی و محلی باید به آنها بپردازند. در ایفای این مسئولیت‌های مبرم مؤسسات بهائی در همه جا مشاهده می‌کنند که کوشش‌هایشان به نحو قابل ملاحظه‌ای از طریق مساعدت‌های احبّایی تقویت می‌شود که فعالیت‌های پژوهش‌مندان، خصایص اخلاقی و به خصوص تمسک‌شان به امر مبارک آنان را برای خدمت مهیا می‌سازد.

۷۱.۷ مسئولیت خاصی در این مطلب بر دوش مشاورین قرار دارد زیرا وظیفه کمک به شکوفا ساختن استعداد‌های افراد احبّا به آنان محوّل شده است. اعضای این مؤسسه که برای دوره‌های مشخصی منصوب می‌شوند موظّفند امور مربوط به صیانت و ترویج امر الله را که در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالهّاء به ایادی امر الله محوّل شده است، استمرار دهند. بدین ترتیب وظیفه مشاورین ”نشر نفحات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئونست. از اطوار و احوال و کردار و گفتار باید تقوای الهی ظاهر و آشکار باشد.“ همانند ایادی امر الله، مشاورین حقّ تبیین ندارند، حقّی که از طریق عهد و میثاق صرفاً به حضرت عبدالهّاء و حضرت ولی‌امرالله تفویض شده است. اگرچه بعضی از مشاورین مانند بعضی از ایادی امر الله در حیات حرفه‌ای خود دوره‌های مختلف دانشگاهی یا تخصصی را گذرانده‌اند ولی انجام وظایف‌شان متّکی به این گونه مهارت‌ها نمی‌باشد. آنان همگی در همه جا در وظیفه اساسی تشویق احبّا به کسب دانش در تمام ابعادش، کاملاً شریک هستند. همچنین همگی در مسئولیت تفویض شده به مؤسسه‌ای که افتخار عضویت آن را دارند، یعنی صیانت امر الله در برابر دشمنان خارجی و داخلی سهیم می‌باشند، امری که هم حضرت عبدالهّاء و هم حضرت ولی‌امرالله برای آن اهمّیت خاصی قائل بودند.

۷۱.۸ درک اصولی که با استفاده از آنها آیات نازله حضرت بهاءالله را مطالعه می‌نماییم همچنین بستگی به آگاهی از ماهیت وسیع اختیاراتی دارد که به بیت العدل اعظم تفویض گردیده است. در مورد مسئولیت‌های اعضای منتخب این معهد، در الواح وصایا چنین آمده است:

آن اعضا در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نصّ است.

حضرت عبدالبهاء در همان منشور نظم اداری با تأکید بر اهمیّت تمسّک کامل مؤمنین به هدایات ولیّ امر الله و بیت العدل اعظم می‌فرماید:

آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۴ مارس ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

امتیازات و اختیارات منحصر به بیت العدل اعظم ”اظهار و اعلان قضاوت نهایی در مورد قوانین و احکامی است که حضرت بهاءالله بالصّراحه نازل فرموده‌اند.“ بیت العدل اعظم مسئول اجرای آثار منزله الهی و حفظ و صیانت امر الله می‌باشند، همچنین موظّفند ”استمرار اختیارات موهوبی را که از مصدر امر مبارک سرچشمه می‌گیرد حفظ نمایند، وحدت پیروان آیین نازنین را محفوظ دارند و اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش را صیانت کنند.“ اما بیت العدل اعظم علیم نیست، و احبّاء بایستی درک نمایند که بین معصومیّت و علیم بودن تفاوت وجود دارد. به مانند ولیّ امر الله بیت العدل اعظم در هنگام اخذ تصمیم به اطلاعات و حقایق نیاز دارد و مانند آن حضرت نیز ممکن است با به دست آمدن اطلاعات جدید و تغییر شرایط در آینده تصمیم خود را تغییر دهند. در آثار حضرت شوقی افندی هیچ مطلبی در مورد اینکه بیت العدل اعظم هرگز ممکن است ”تصمیم اشتباهی“ بگیرد یافت نشده است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۴ ژوئن ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء)

مؤسّسات نظم اداری حضرت بهاءالله که از تمهیدات نازله از قلم اعلی نشئت گرفته‌اند، به تدریج و به طور طبیعی به موازات رشد و توسعه جامعه بهائی تحت تأثیر نفثات قدسیّه‌ای که در این عصر نورانی بر نوع بشر دمیده شده، پدید آمده‌اند. خصوصیات و وظایف هر یک از این مؤسّسات و همچنین روابط بین آنها تکامل یافته و هنوز نیز در حال تکامل است. توقیعات حضرت ولیّ عزیز امر الله عناصر اصلی این نظم افخم را تشریح نموده و تصریح می‌نماید که نظم اداری گرچه از بسیاری جهات از نظم جهانی بدیعی که ظهور آیین بهائی مقدّر است آن را به عرصه وجود درآورد متفاوت می‌باشد ولیکن در عین حال هم ”هسته مرکزی“ و هم ”الگوی“ آن نظم جهانی است. به این ترتیب، تکامل مؤسّسات نظم اداری هرچند برای مواجهه با شرایط در حال تغییر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف عوامل متغیّری را دنبال می‌کند، اما باید دقیقاً از اصول اساسی نظامات بهائی مصرّحه در آثار مقدّسه و مندرجه در تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله پیروی نماید.

(ترجمه‌ای از دستخطّ بیت العدل اعظم مورّخ ۳۰ مه ۱۹۹۷ خطاب به یکی از محافل روحانی ملّی)

حضرت ولیّ امرالله قبلاً در توقیع ”دور بهائی“ صریحاً مشخص فرموده‌اند که حقّ تبیین تعالیم بهائی صرفاً و منحصرّاً به ولیّ امر الله اختصاص دارد. نه بیت العدل اعظم و نه هیچ مؤسّسه، شخص یا گروه دیگری، می‌تواند این وظیفه را به عهده گیرد. اینکه بیت العدل اعظم هرگز به حیطة عملی که به ولیّ امر الله منحصر شده تعدّی نخواهند کرد، نه فقط در نوشته‌ها و عمل خود بیت العدل اعظم، بلکه در بیان حضرت ولیّ امرالله در همان سند مذکور نشان داده شده است: ”هیچ یک از این دو

مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدس و مقرر دیگری تعدی نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد کرد.“ (ترجمه) و این موضوع با این حقیقت که بیت العدل اعظم و ولی امر الله “در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست“ تضمین می‌گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۹۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۷۵۰۱

معانی اصطلاحات “توضیح” و “تبیین” که در رابطه با وظایف مؤسسات بهائی استفاده می‌شود البته نباید با یکدیگر اشتباه شود. توضیحات بیت العدل اعظم از وظیفه تشریع آن معهد ناشی می‌شود و بنا بر این با تبیین متفاوت است. تشریعات ملهم بیت العدل اعظم سعی در بیان معانی کلام الهی نمی‌کند بلکه در مواردی که نص صریح یا تبیینی از مرکز منصوص وجود ندارد آنچه را که باید انجام شود تعیین می‌نماید و در این مورد توضیحاتی ارائه می‌دهد. لذا این تشریعات در سطحی کاملاً متفاوت از نصوص مقدسه است و بیت العدل اعظم مختار است که تشریعات خود را زمانی نسخ نماید یا تغییر دهد. به عبارت دیگر، تفاوت عمده بین دو وظیفه توضیح و تبیین آن است که تشریع و توضیحات حاصله از آن قابل تعدیل توسط بیت العدل اعظم است، ولی تبیینات حضرت ولی امرالله بیان حقایق است که تغییرناپذیر می‌باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ اوت ۱۹۹۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۷۶۰۱

وصول نامه یکی از دوستان آن سامان را که محتوی سؤالاتی راجع به ولایت امر الله و بیت العدل اعظم است به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم. این جمع به ثبوت و رسوخ کامل احبّای ممتحن ایران بر عهد و میثاق الهی، که از جمله خصایص براننده آن بندگان آستان جمال ابهی است، و آشنایی آن عزیزان با اصل وصایت در این دور مقدس مطمئن می‌باشد، ولی در عین حال اگر هر یک از دوستان در این موارد سؤالی داشته باشد نباید به هیچ وجه در طرح آن درنگ نماید، زیرا دشمنان امر الله در کاشتن تخم شک و تردید از پای ننشسته‌اند. به پیروی از اوامر حضرت عبدالبهاء که در امور مربوط به حفظ و صیانت امر الله باید همیشه هوشیار و مراقب بود، مناسب است که دوستان عزیز هر از گاهی آثار امری مربوطه و دستخط‌های بیت العدل اعظم در این زمینه را مطالعه و مرور نمایند. بدین منظور مطالب ذیل را به اطلاع آن هیئت محترم رسانده....

۷۶۰۲

سؤالات مربوط به ولایت امر الله و بیت العدل اعظم را می‌توان با مطالعه دقیق آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت العدل اعظم که به فرموده حضرت عبدالبهاء در باره “آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه“ مذاکره خواهد نمود و “هر چه تقرر یابد همان مانند نص است“، پاسخ داد.

۷۶۰۳

قبل از صعود حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱ میلادی، تمهیداتی که آن حضرت برای صیانت امر الله و پیشرفت مستمر آن در قرون و اعصار آینده در الواح وصایای خود فراهم فرموده بودند برای عموم احبّا نامعلوم بود. چون تشکیل بیت العدل اعظم در آثار مبارکه به وضوح ذکر شده بود، احبّا در انتظار تأسیس آن مؤسسه بودند، ولی به روشنی معلوم نبود که نفسی به عنوان ولی امر الله وجود خواهد داشت. حضرت شوقی افندی نیز بعدها فرموده بودند که ایشان قبلاً هیچ اطلاعی راجع به مقام آینده خود نداشتند. چنانچه از قول هیکل مبارک نقل شده است، حدّ اکثر به ذهن آن حضرت خطور کرده بود که شاید به عنوان نوّه ارشد حضرت عبدالبهاء مسئولیت ترتیب انتخابات بیت العدل اعظم به ایشان محوّل شده باشد. تنها پس از تلاوت

الواح مقدّسه وصایا بود که مؤسسه ولایت امر الله به طور گسترده‌ای شناخته شد و جامعه بهائی در سراسر جهان به مقام حضرت شوقی ربّانی به عنوان مرجع امر الهی که همگی باید به او توجّه نمایند پی برد.

۷۶۰۴

مطالعه دقیق الواح مقدّسه وصایای حضرت عبدالهّاء این مسئله را روشن می‌سازد که هیکل مبارک در آن سفر منیع به وضعیتی مقدّر و محتوم اشاره فرموده‌اند، بلکه برای موقعیّت‌های مختلفی که امر مبارک در آینده ممکن است با آن روبرو شود تمهیداتی فراهم ساخته‌اند. به طور مثال قسمت دوم الواح وصایا که در آن، فقط به بیت العدل اعظم اشاره شده و از ولایت امر الله ذکر نیامده، در زمانی مرقوم گردیده بود که حیات هیکل مبارک شدیداً در معرض خطر بود و حضرت شوقی افندی سنین صباوت را می‌گذراندند. در همان ایام حضرت عبدالهّاء تمهیدات لازم برای تشکیل بیت العدل اعظم را فراهم و مقرر فرمودند که چنانچه خطری که ایشان را تهدید می‌کرد به وقوع پیوندد انتخاب بلافاصله انجام پذیرد. به الطاف الهی خطر مرتفع و بحران برطرف گردید و نهایتاً پس از سالیان دراز حضرت شوقی افندی، به عنوان ولیّ امر الله و مرجع اهل بهاء، زمان تشکیل بیت العدل اعظم را تعیین فرمودند. در ابتدا آن حضرت در این فکر بودند که شاید بزودی بعد از صعود حضرت عبدالهّاء این انتخابات را برگزار نمایند. اگر این انتخابات صورت می‌گرفت بیت العدل اعظم و ولیّ امر الله در یک زمان به انجام وظایف خود مشغول می‌شدند. البته می‌دانیم که اراده مبارک بر این قرار گرفت که اول ارکان نظم اداری در سطوح محلی و ملی تأسیس و مستحکم گردد و مآلاً بیت العدل اعظم چند سال پس از صعود هیکل مبارک تشکیل شد. انتقال امر الهی از دوره ولایت به دوره بیت العدل اعظم، با چنان آسانی و آرامی نسبی، را می‌توان نتیجه تمهیدات خاصّ الواح وصایا دانست.

۷۶۰۵

الواح وصایای حضرت عبدالهّاء واضحاً امکان تعیین جانشینی برای حضرت شوقی افندی را فراهم می‌آورد و لهذا در بعضی از توقیعات مبارکه و دستخط‌های صادره از طرف هیکل مبارک در طیّ سی و شش سال دوره قیادت ذکر ولایه آینده امر الله آمده است. اما در آثار بهائی ادامه سلسله ولایه امر الله در این دور اعظم تضمین نشده ولی به امکان اختتام آن اشاره شده است. حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند:

قد رجعت الاوقاف المختصّة للخیرات الی الله مظهر الایات لیس لاحد ان یتصرّف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الاغصان و من بعده هم الی بیت العدل ان تحقّق امره فی البلاد لیصرفوها فی البقاع المرتفعة فی هذا الامر و فیما امروا به من لدن مقتدر قدیر والا ترجع الی اهل البهّاء الذین لا یتکلّمون الا بعد اذنه و لا یحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح اولئک اولیاء النّصر بین السّموات و الارضین لیصرفوها فیما حدّد فی الکتاب من لدن عزیز کریم.

با صعود حضرت شوقی افندی موقعیّتی که در این بیان مبارک ذکر گردیده پیش آمد، یعنی مرجعیّتی که به اغصان — اول به حضرت عبدالهّاء و سپس به حضرت ولیّ امرالله — اعطا شده بود قبل از تشکیل بیت العدل اعظم خاتمه یافت.

۷۶۰۶

حضرت عبدالهّاء در الواح مقدّسه وصایا با وضوح و صراحت کامل شرایطی را که حضرت شوقی افندی می‌بایستی برای تعیین جانشین خود رعایت نمایند چنین بیان فرموده‌اند:

ای احبّای الهی باید ولیّ امر الله در زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد و شخص معین باید مظهر تقدیس و تنزیه و تقوای الهی و علم و فضل و کمال باشد لهذا اگر

ولد بکر ولیّ امر الله مظهر الولد سرّ ایه نباشد یعنی از عنصر روحانی او نه و شرف اعراق با حسن اخلاق مجتمع نیست باید غصن دیگر را انتخاب نماید و ایادی امر الله از نفس جمعیت خویش نه نفر انتخاب نمایند و همیشه بخدمات مهمه ولیّ امر الله مشغول باشند و انتخاب این نه نفر یا باتفاق مجمع ایادی و یا باکثرت آرا تحقق یابد و این نه نفر یا بالاتفاق یا باکثرت آرا باید غصن منتخب را که ولیّ امر الله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند و این تصدیق باید بنوعی واقع گردد که مصدّق و غیر مصدّق معلوم نشود [یعنی رأی سرّی].

۷۶۰۷

تعبیرات شخصی هر فرد، هر قدر بصیر و دانشمند باشد، نمی‌تواند با درک و بینش مصون از خطای حضرت ولیّ امر الله از این بیان مبارک برابری کند. چگونه می‌توان تصوّر کرد که حضرت شوقی افندی که در تمام دوران قیادت خود در جمیع شئون به آنچه اراده و مشیت حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء بود تمسک کامل داشتند، استغفرالله نسبت به مسئله تعیین جانشین خود که از الزم امور برای حفظ مصالح امر الله است بی‌دقتی نشان داده باشند؟ غیر قابل تصوّر است که آن وجود نازنین شخصی را که فاقد شرایط مصرّحه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء است به جانشینی خود منصوب نموده باشند. به همین منوال این نظر نیز مردود است که هیکل مبارک این انتصاب را به نحوی که خلاف نصّ صریح آن سند مقدّس است، از جمله تصدیق آن انتصاب از طرف نه نفر ایادی منتخب امر الله "تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد"، انجام داده باشند. پیشنهاد ضمنی ناقضین که حضرت ولیّ امر الله دستورات حضرت عبدالبهاء را نادیده گرفته و به نحوی غیر واضح و غیر مستقیم جانشین خود را منصوب فرموده‌اند دور از حقیقت و عاری از صداقت است. بالعکس، این واقعیت که حضرت شوقی ربّانی جانشینی برای خود تعیین نفرمودند، گویای اطاعت کامل هیکل مبارک از هر کلمه از کلمات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و نشانی از تصمیم نهایی آن حضرت است که فرد واجد شرایطی برای این انتصاب وجود نداشت.

۷۶۰۸

بنا بر این پیروان ثابت‌قدم جمال ابهی باید اطمینان داشته باشند که پایان یافتن سلسله ولّاه امر نتیجه هیچ یک از تصمیمات و اقدامات ایادی امر الله بعد از صعود ناگهانی حضرت ولیّ امر الله نبود، بلکه به این علّت بود که حضرت ولیّ امر الله با در نظر گرفتن وضع موجود و تمسک دقیق به الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، جانشینی برای خود تعیین نفرمودند. این تصوّر نیز که مقام ولایت ممکن است مجدّداً استقرار یابد خیال باطلی است، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "قبل از الف کسی سزاوار تکلم بحرّفی نیست ولو مقام ولایت باشد." و در همین بیان تصریح فرموده‌اند که "اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکلات فرماید." بیت العدل اعظم پس از تأسیس، بلافاصله اعلام داشت که "... طریق تعیین ولیّ ثانی امر بهائی وصیّ حضرت شوقی افندی ربّانی بکلیّ مسدود و امکان تشریع قوانینی که تعیین من هو بعده را میسر سازد بالمرّه مفقود است."

۷۶۰۹

هرچند سلسله ولّاه امر الله به پایان رسیده است اما عهد و میثاق الهی محفوظ است. امر مبارک به پیشرفت خود ادامه می‌دهد و مجموعه تبیینات مشروح حضرت ولیّ امر الله راهنمای تصمیمات بیت العدل اعظم می‌باشد. وحدت و انسجام امر الله مستحکم و تحقق مشیت غالبه جمال اقدس ابهی برای نوع بشر قطعی‌الوقوع است. به فرموده حضرت بهاء الله "آنه وضع امره علی اساس ثابت راسخ متین. لا ترعزعه اریاح العالم و لا اشارات الامم."

* * *

یکی از سؤالات خاصّی که در نامه واصله مطرح شده مفهوم عنوان ”اغصان“ در آثار الهی است. همان طور که حضرت ولیّ امرالله تأیید فرموده‌اند، این واژه در بعضی موارد بالاخصّ به اولاد ذکور حضرت بهاءالله اطلاق گردیده، ولی در عین حال در مواضع دیگر به طور اعمّ برای سلاله ذکور هیکل مبارک نیز بکار رفته است. مثلاً حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا حضرت شوقی افندی را ”غصن ممتاز“ می‌نامند. اطلاق عنوان ”غصن“ به حضرت ولیّ امرالله بر اساس عناوینی است که جمال اقدس ابهی به پسران خود — غصن اعظم، غصن اکبر و غصن اطهر — اعطا فرموده‌اند. در توقیعی که از طرف حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی صادر شده، هیکل مبارک توضیح می‌فرماید که مقصود از کلمه اغصان ”سلاله حضرت بهاءالله است“ و در مرقومه‌ای دیگر حسین ربّانی، برادر حضرت ولیّ امرالله به عنوان ”حفید حضرت مولی‌الوری، افنان و اغصانی که در الواح مقدّسه وصایا مذکور گردیده“ توصیف شده است. به این ترتیب کاملاً واضح است که عنوان اغصان یا غصن شامل حضرت شوقی افندی و سایر اخلاف ذکور حضرت بهاءالله نیز می‌گردد.

اگر زمانی اخلاف ذکوری از سلاله جمال قدم پیدا شوند که متمسک به عهد و میثاق الهی باشند، باز هم مقدور نخواهد بود که احدی از ایشان بر کرسی ولایت جالس گردد، چه همان طور که توضیح داده شد، بدون انتصاب از طرف حضرت شوقی ربّانی دعوی مقام ولایت امر امکان‌پذیر نیست و راهی نیز وجود ندارد که با اقدامی از طرف بیت العدل اعظم چنین انتصابی صورت پذیرد.

* * *

نکته دیگر مربوط به زمان تأسیس بیت العدل اعظم است که در نامه واصله دقیقاً چنین مطرح شده است: ”یکی از مراحل تشکیل بیت العدل اعظم تشکیل محکمه رسمی بهائی می‌باشد. در آثار حضرت ولیّ امرالله بر این مسئله تأکید بسیار شده است.“

همان طور که مستحضرید، حضرت ولیّ امرالله توضیح فرموده‌اند که ”حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح اوّلیه خود امکان تشکیل بیت العدل اعظم در زمان حیات خویش را مدّ نظر قرار داده‌اند“. حضرت مولی‌الوری آنچه را که لازمه تأسیس این مؤسسه است بیان فرموده‌اند و تشکیل یک محکمه دینی جزئی از آن نیست. می‌فرمایند:

بیت عدل اعظم به ترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملّت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احبّا در هر دیار وکلّائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الاّ تأسیسش مشروط به ایمان جمیع ممالک عالم نه مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبّای ایران وکلّائی انتخاب مینمودند و احبّای امریک و هند و سائر جهات نیز وکلّائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود والسلام.

در دوران سی و شش سالی که حضرت ولیّ امرالله به هدایت عالم بهائی و استقرار نظم اداری مشغول بودند، مراحل تکاملی مشخصی را که مآلاً به تأسیس بیت العدل اعظم می‌انجامید معین فرمودند. فراهم ساختن بعضی از تمهیدات لازمه در این سیل، مانند ازدیاد تعداد محافل روحانی محلّی و ملّی و انتصاب هیئت بین‌المللی بهائی، تا حدّ زیادی به مساعی خود احبّا

بستگی داشت. اما اقدامات دیگری نیز بود که انجام آن به نیروهای فعاله اجتماع وابسته بود و با وجود تمام کوشش‌های جامعه بهائی تحقق آن مقدور نبود.

۷۶۰۱۵ از جمله، حضرت ولی‌امرالله در سال ۱۹۲۹ میلادی در توقیعی به زبان انگلیسی فرمودند: ”اگر چنانچه شرایط مناسبی بوجود آید تا احبای ایران و احبای کشورهای مجاور تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بتوانند وکلای ملی خود را انتخاب کنند ... آخرین مانع در راه تشکیل بیت العدل اعظم از میان برداشته خواهد شد.“ مدتی بعد متعاقب اخراج بهائیان از روسیه به دستور مقامات آن کشور، از طرف هیکل مبارک در رقیمه‌ای به زبان انگلیسی چنین مرقوم گردید: ”زمانی که حضرت ولی‌امرالله به روسیه اشاره فرمودند بهائیان در آن کشور زندگی می‌کردند، حال عملاً جامعه بهائی در آن کشور وجود ندارد. بنا بر این تشکیل بیت العدل بین‌المللی نمی‌تواند به تشکیل یک محفل روحانی ملی در روسیه وابستگی داشته باشد.“

۷۶۰۱۶ به همین ترتیب حضرت ولی‌امرالله اهدافی برای تأسیس محکمه‌های بهائی، از جمله محکمه‌های ملی در بعضی از کشورها و همچنین تشکیل محکمه‌ای در ارض اقدس به عنوان مرحله‌ای در تحوّل هیئت بین‌المللی بهائی که خود مقدمه تشکیل بیت العدل اعظم الهی بود تعیین فرمودند. به رسمیت شناختن محفل روحانی ملی مصر از طرف دولت آن کشور به عنوان یک محکمه مستقل بهائی از سال ۱۹۲۹ میلادی پیگیری شده بود. با گذشت زمان، تغییر اوضاع تشکیل این گونه محاکم دینی را غیر ممکن ساخت به طوری که هیئت ایادی در سال ۱۹۵۹ در حین دعوت عالم بهائی برای انتخاب هیئت بین‌المللی بهائی و نهایتاً تأسیس بیت العدل اعظم چنین بیان نمودند:

ما می‌خواهیم به یاران اطمینان دهیم که برای تأسیس یک محکمه بهائی در ارض اقدس قبل از تاریخ تعیین شده برای انتخاب از هیچگونه کوششی فرو گذار نخواهد شد، ولكن باید توجه داشته باشیم که حضرت ولی‌امرالله خود صریحاً اشاره فرموده‌اند که این هدف ممکن است به علت تمایل شدیدی که در جهت مدنی شدن امور شرعی در این قسمت از دنیا وجود دارد تحقق نیابد.

* * *

۷۶۰۱۷ سؤال دیگری که مطرح گردیده مربوط به بعضی از وظایف و اختیارات بیت العدل اعظم است، وظایف و اختیاراتی که قبلاً به حضرت ولی‌امرالله تعلق داشت. در مورد حقوق الله حضرت عبدالهاء می‌فرمایند: ”تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی به اذن و اجازه مرجع امر.“ به همین ترتیب طرد روحانی ناقضین فریضه‌ای است که مرجع امر مبارک به عنوان یکی از وظایف خود جهت حفظ و صیانت امر الله در برابر کسانی که می‌کوشند وحدت آن را خدشه‌دار سازند انجام می‌دهد. همه می‌دانیم که حضرت ولی عزیز امر الله در دفعات مختلف در دوران قیادت خویش، چه قبل و چه بعد از انتصاب حضرات ایادی امر الله، مجبور به طرد روحانی ناقضین گردیدند. این مسئولیت اکنون بر عهده بیت العدل اعظم به عنوان مرجع امر که کلّ باید به آن توجه کنند قرار گرفته است. نحوه اجرای این وظیفه در سند ”مؤسسه مشاورین“ توضیح داده شده است.

۷۶۰۱۸ در این مورد، باید به خاطر آوریم که عالم بهائی پس از صعود حضرت ولی‌امرالله، هرچند آکنده از غم و اندوه بود، اما وحدت خود را در آن دوران حسّاس یعنی بین صعود آن حضرت و انتخاب بیت العدل اعظم حفظ نمود. تنها حمله‌ای که به وحدت جامعه صورت گرفت حدود دو سال بعد از صعود هیکل مبارک از طرف چارلز میسن ریمی بود که در آن زمان یکی از

ایادی امر الله بود و ادّعی ولایت کرد. همان طور که می‌دانید ریمی اظهار نمود که انتصابش به ریاست هیئت تازه تأسیس بین‌المللی بهائی در سال ۱۹۵۱ بدین معنا بود که باید متعاقباً به ریاست بیت العدل اعظم برسد و نتیجتاً مقام دومین ولی امر را احراز نماید.

۷۶.۱۹

سخت‌اف ادّعی ریمی کاملاً آشکار است و نیازی به توضیح مفصّل ندارد. او در سال ۱۹۵۷ از جمله ایادی امر الله بود که در ارض اقدس گرد آمدند تا مسیری را که می‌بایست پس از صعود ناگهانی حضرت ولی‌امرالله در پیش گرفته شود مورد بررسی قرار دهند. ریمی شخصاً با امضای سندی که هیئت ایادی به اتفاق آرا صادر نمودند، تأیید کرد که حضرت ولی‌امرالله جانشینی تعیین نفرموده‌اند. او همچنین به عنوان یکی از امضاکنندگان سند مشابه دیگری موافقت کرد که ایادی امر الله مجتمعاً در مورد اینکه تکامل هیئت بین‌المللی بهائی چگونه و چه وقت به انتخاب بیت العدل اعظم منتهی خواهد شد تصمیم خواهند گرفت. ریمی به مدّت دو سال به عنوان یکی از نه نفر ایادی مقیم ارض اقدس، در مشاورات مربوط به توسعه و پیشرفت جامعه بهائی شرکت نمود. سپس بدون هیچ مقدمه و هشدار و بدون بحث و مذاکره با سایر ایادی همکارش، مدّعی مقام ولایت شد در حالی که هم فاقد شرط لازم و مصرّح در الواح مقدّسه و صایا یعنی انتصاب از طرف حضرت ولی‌امرالله بود، و هم اقدامش کاملاً منافی با بیان حضرت عبدالبهاء بود که فرموده بودند هیچکس حقّ تفوّه به چنین ادّعایی را ندارد. هیئت ایادی با استفاده از اختیاراتی که بر طبق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به آنان اعطا شده بود، ریمی را به عنوان ناقض عهد و میثاق الهی از ظلّ امر اخراج نمودند.

* * *

۷۶.۲۰

پیروان اسم اعظم در مهد امر الله باید کماکان در تمسّک به عهد و میثاق الهی ثابت و راسخ باشند و توجّه تامّ مبذول دارند که مبدا تلقینات کسانی که تخم شک و تردید می‌باشند موجب پریشانی افکار آنان شده و به مشاجره و اختلاف منجر شود و چنانچه مسائل غامضی برایشان پیش آید بلافاصله آن را با بیت العدل اعظم در میان گذارند. یاران الهی باید مخصوصاً دقّت کنند که با وسوسه‌های بقایای ناقضین و حامیان‌شان که می‌کوشند ایمان احبّا را متزلزل سازند اغوا نشوند. در حالی که هدف ناقضین در گذشته تزئیف مقام حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله بوده، حال سعی دارند مقام و مرجعیّت بیت العدل اعظم را مورد شک و شبهه قرار دهند. علی‌الخصوص باید از کسانی بر حذر بود که حضرت عبدالبهاء در مورد آنان می‌فرماید: "... بلسان اظهار ثبوت و استقامت بر عهد میکنند ولی چون گوشه‌ی بیابند خفّیّ القای شبهه مینمایند."

۷۶.۲۱

طرفداران قلیل ریمی که در طیّ نیم قرن گذشته در اثر اختلافات داخلی به چند گروه رقیب تقسیم شده‌اند روز به روز ضعیف‌تر گردیده و اثر منفی قابل ذکری در توسعه امر الله نداشته‌اند. اریاح منبعثه از اقدامات سخیف این افراد قادر به انجام کاری جز لرزاندن چند شاخه و برگ خشک و بی‌جان در شجره تنومند امر الله نیست. افراد زودباور، افرادی که درکی عمیق از تعلیم الهی ندارند و یا در عهد و میثاق ثابت و راسخ نیستند، آنان که تابع نفس امّاره‌اند و شهوت ریاست در دل می‌پروراند ممکن است گمراه شده و از وصول به سرمنزله مقصود محروم گردند. به احبّای عزیز توصیه می‌شود که با تمسّک تامّ به نصایح مکرّر مندرج در آثار الهی در حفظ و صیانت خود و جامعه اسم اعظم بکوشند. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

مرجع کلّ کتاب اقدس و مسئله غیر منصوبه راجع به بیت عدل عمومی. به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثریّت آراء تحقّق یابد همان حقّ و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممّن أحبّ الشّقاق و اظهر التّفّاق و

اعرض عن ربّ الميثاق ولی مراد بیت العدل عمومیسست که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود یعنی شرق و غرب احبّاء که موجودند بقاعدۀ انتخاب مصطلحه در بلاد غرب نظیر انگلیس....

... از اساس اعظم امر الله اجتناب و ابتعاد از ناقضین است زیرا بکلی امر الله را محو و شریعت الله را سحق و جمیع زحمات را هدر خواهند داد ای یاران باید رحم بر حضرت اعلی و وفا بجمال مبارک نمود و بجمیع قوی کوشید که جمیع این بلایا و محن و صدمات و خونهای پاک مطهر که در سبیل الهی مسفوک شده هدر نرود.

ای احبّای الهی بجان بکوشید تا امر الله را از هجوم نفوس غیر مخلصه محافظه نمائید زیرا چنین نفوس سبب میشوند که جمیع امور مستقیمه مُعوج میگردد و مساعی خیریه بر عکس نتیجه میدهد.

دوستان حضرت رحمان در کشور مقدّس ایران که بیش از یک قرن و نیم در برابر حملات رؤسای امور و روحانیون پایداری کرده‌اند، بر مخاطرات حاصله از طغیان ازل و محمدعلی فائق آمده‌اند، و از مخالفین حضرت ولیّ عزیز امر الله اجتناب نموده‌اند، به آسانی مباحث مغلطه‌آمیز و مضحک افرادی معدود را که برای جلب چند پیرو، خطای ریمی را مستمسک قرار داده و با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند نادیده خواهند گرفت.

(پیام بیت العدل اعظم مورّخ ۱۸ فوریه ۲۰۰۸ خطاب به هیئت مجلّله یاران ایران)

بیت العدل اعظم اصولاً مایلند احبّای عزیز برای تفحص و تحقیق در امر مبارک و تبادل افکار فردی در بارۀ تعالیم الهی حدّ اکثر آزادی را داشته باشند. ولی باید بیان مبارک حضرت عبدالهء در مورد استنباط از آثار مبارکه را به خاطر داشت که می‌فرمایند:

... استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه مگر آنکه در تحت تصدیق بیت عدل درآید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق هیئت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلمّ عموم ملّت است اختلاف حاصل نمیگردد ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشتیت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتّحاد دین الله مضمحلّ شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد.

بیت العدل اعظم قصد ندارند که در حال حاضر در بارۀ وظایف و اختیارات خود علاوه بر آنچه موجود است توضیحات بیشتری مرقوم دارند. همین که بیت العدل اعظم چنین توضیحاتی را ضروری نمی‌دانند باید هشدار برای دوستان باشد که موشکافی احبّای عزیز در تعیین دقیق حوزه عمل بیت العدل اعظم مقرون به حکمت نیست. معهذا لازم به تذکر است که اگرچه بیاناتی واضح در آثار مبارکه راجع به عصمت موهوبی بیت العدل اعظم در زمینه قانون‌گذاری وجود دارد، این استدلال که بیت العدل اعظم فقط در حوزه تشریع مصون از خطاست معتبر و قابل توجیه نیست. به طور قطع بیانات مؤکّده بی‌شمار موجود در آثار مبارکه، از جمله بیان مبارک ذیل از الواح مقدّسه و صایای حضرت عبدالهء برای ردّ چنین ادّعایی کافی است:

... فرع مقدّس و ولیّ امر الله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصا هم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحده فقد جحد الله و من أنکره فقد أنکر الله.

۷۷.۳

سوی از مسئله مصوّنیت از خطا، موضوع مرجعیّت در میان است. در مرقومه‌ای که از طرف حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی نوشته شده چنین می‌فرماید: ”افراد احبّ این حقّ را ندارند که حوزه اختیارات ولیّ امر الله را محدود نمایند یا دوری نمایند که در چه موقعیتی باید از او اطاعت کنند و یا چه وقت آزادند که قضاوت او را ردّ نمایند. چنین طرز فکر و رفتاری واضحاً به آشفتگی و تفرقه خواهد انجامید.“ احبّای عزیز باید همین اصل و قاعده را در باره بیت العدل اعظم نیز ملاک عمل قرار دهند.

۷۷.۴

عصمت یکی از مفاهیم عمیق روحانی مندرج در آثار دیانت بهائی است. هر یک از احبّای عزیز بعد از تعمّق در بیانات مبارکه طبعاً فهم و برداشت خود را از هر موضوع خواهد داشت. اما نظرات شخصی نباید به دیگران تحمیل گردد و یا آنقدر بزرگ شود که به صورت عقیده‌ای که در نصوص مبارکه یافت نمی‌شود متشکّل و عرضه گردد. دوستان عزیز در تبادل افکار خود راجع به بیت العدل اعظم، مرجع کلّ امور، باید مراقب باشند که نه مقام آن را کم شمارند و نه خصیصه‌هایی مبالغه‌آمیز به آن نسبت دهند. بهترین اندازی که در این قبیل موارد باید به خاطر داشت، بیان مبارک حضرت عبدالبهاء است که به مناسبت اختلاف نظر بین بعضی از مؤمنین در باره مقام آن حضرت مرقوم فرمودند:

... از این مباحث نتیجه و ثمری نه بلکه باید ما کلّ این گونه مباحثات و منافسات را در کنار نهیم بلکه فراموش کنیم و به آنچه که امروز واجب و لازم است قیام نمایم زیرا این مباحث لفظ است نه معانی مجاز است نه حقیقت. حقیقت واقع اینست که کلّ متّحد و متّفق شده این عالم ظلمانی را روشن نمایم و این عداوت و بیگانگی بین بشر را بنیاد براندازیم به نفحات قدس خلق و خوی جمال ابهی جهان را معطر کنیم و به نور هدایت شرق و غرب را منور نمایم خیمه محبّت الله برافرازیم و جمیع را در سایه آن درآوریم و کلّ را در ظلّ شجره مبارکه راحت و آسایش بخشیم دشمن را از شدّت مهربانی حیران کنیم و گرگان درنده خونخوار را آهوان صحرای محبّت الله نمایم ظالم را حلاوت مظلومی بچشانیم و قاتل را تمکین و تسلیم مقتولان بیاموزیم آیات توحید منتشر نمایم و محامد و نعوت ربّ جلیل ترتیل کنیم نعره یابهاءالابهی به اوج اعلی رسانیم و فریاد اشرفت الارض به نور ربّها به مسامع اهل ملکوت رسانیم.

۷۷.۵

بیت العدل اعظم از احبّای عزیز تمنا دارند که درگیر این گونه مباحث بیهوده فقهی که در ادوار گذشته موجب اختلاف و نفاق گردیده نشوند تا مبدا از وظیفه خطیر خود در قبال ترویج وحدت عالم انسانی باز مانند و نقش عهد و میثاق حضرت بهاءالله در ایجاد وحدت افکار، افنده و ارواح را از نظر دور دارند.

(نامه مورّخ ۷ آپریل ۲۰۰۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به هیئت مجلّله یاران ایران)

اطّلاع از اینکه دوستان عزیز مطالعهٔ پیام‌های بیت العدل اعظم راجع به نقشه را با چنان سعی و دقت فراوانی دنبال می‌کنند موجب مسرت قلبی است. میزان مذاکرات و تبادل نظرهای معمول برای به مرحلهٔ عمل درآوردن هدایات مندرج در آن و یادگیری از تجارب، چشم‌گیر است. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در مناطقی که احبّا می‌کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موفقیت‌ها پایدارتر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود غالباً مشکلاتی بروز می‌نماید. مؤسّسات و نهادهای امری باید به احبّا کمک نمایند تا مطالب را تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند، لزوم اقدامات در زمینه‌های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم‌بندی و انفکاک اقدامات پرهیزند. ما واقفیم که این وظیفهٔ کوچکی نیست. اجتماع روز به روز بیشتر با استفاده از شعار سخن می‌گوید. امیدواریم که عادت کار کردن با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه‌های مطالعه به آن خو می‌گیرند به فعّالیت‌های گوناگون تعمیم یابد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای)

همانطور که به نحو فزاینده‌ای روشن شده، فرایند رشد ارگانیک مطروحه در نقشه‌های اخیر بیت العدل اعظم به سطوح پیچیده‌تری رسیده و می‌رسد به خصوص در آن محدوده‌های جغرافیایی که تعداد شرکت‌کنندگان فعّال به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. تقلیب در حال وقوع جوامع در محدوده‌های جغرافیایی یکی پس از دیگری در سراسر جهان، در حالی که هنوز در مراحل اوّلیّه‌اش می‌باشد بر اساسی‌ترین روندها، آرمان‌ها و قوای اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌گذارد. این فرایند رشد شامل یک الگوی فعّالیت منسجم و سیستماتیک متمرکز بر جامعه‌سازی است و تکثیر حلقه‌های مطالعه و طرح‌های فشردهٔ مؤسّسهٔ آموزشی، تعلیم و تربیت اطفال، توان‌دهی روحانی نوجوانان، مجهودات تبلیغی فردی و جمعی، ملاقات در منازل احبّا و دوستان‌شان، پرورش حیات روحانی جمعی، اقدام اجتماعی، مشارکت بیشتر در گفتمان‌های اجتماع، و عناصر بسیار دیگری را نیز در بر دارد که قابلیت افراد، مؤسّسات و جامعه — یعنی سه شرکت‌کنندهٔ نقشه — را افزایش می‌دهد. محور این الگوی فعّالیت، توسعهٔ منابع انسانی از طریق دوره‌های متسلسل مؤسّسهٔ آموزشی است که روحیهٔ یادگیری را در شرکت‌کنندگان تقویت می‌کند که از طریق آن و با انجام خدماتی در سطوحی هر چه پیچیده‌تر، درک‌شان متداوماً افزایش می‌یابد. این فرایند آموزشی اشتیاق و عطشی برای کلام الهی ایجاد می‌کند که نه تنها عادتی پایدار را برای مطالعه و تأمل بر آن سرچشمهٔ همهٔ ترقّیات پرورش می‌دهد بلکه احبّا را نیز در به کار گرفتن تعالیم در زندگی خود و در راه شکوفایی حیات جامعه توانمند می‌سازد. بیت العدل اعظم در مکاتبات خود با عالم بهائی این پیشرفت‌های در حال بسط را توصیف نموده و توضیح داده‌اند و مشاورین و محافل روحانی ملّی، اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان، و همچنین مؤسّسات منطقه‌ای و محلّی دوش به دوش احبّا که می‌کوشند این هدایات را درک کرده و به آن پاسخ گویند، به خدمت مشغول‌اند. وقتی که دوستان از جمله کسانی که مایل به مطالعهٔ دوره‌های مؤسّسه آموزشی نیستند، مشتاقانه کلیّهٔ هدایات بیت العدل اعظم را می‌پذیرند و با عشق و روحیهٔ حقیقی بهائی از مؤسّسات خود حمایت می‌کنند، درمی‌یابند که سؤالانی که ممکن است داشته باشند حل می‌گردد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانی

ملّی)

همانطور که شما بدون شک آگاهید تعالیم بهائی هم بر تغییرناپذیری احکام حضرت بهاءالله و هم بر انعطاف‌پذیری در به کارگیری آنها تأکید دارد. حضرت بهاءالله به بیت العدل اعظم مسئولیت تکمیل و تنفیذ احکامش را اعطا نموده و فرموده‌اند که وزرای بیت العدل “آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند.”

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱ دسامبر ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

در تلاش برای غلبه بر مشکلات‌شان و ایجاد الگوهای جدید عمل، احبّا چه در مقام فرد و چه در مقام عضو مؤسسات باید به انداز حضرت عبداله‌اء در باره اهمیت محبت و الفت و تضمین آن حضرت توجه داشتند که می‌فرمایند “چون اتحاد است عاقبت حقیقت منکشف گردد و خطا بدل بصواب شود.” دهه‌ها و قرن‌ها طول خواهد کشید تا سیستمی که حضرت بهاءالله به این عالم آورده‌اند بسط و توسعه یافته و به سطوح فزاینده‌ای از پیشرفت پیچیده، کارایی، و تأثیر برسد. حضرت شوقی افندی می‌فرمایند “کسب درکی روشن‌تر و کامل‌تر از تمهیدات و مقتضیات این نظم بدیع را باید به گذشت زمان و هدایات بیت العدل اعظم الهی بسپاریم.” و نیز هشدار می‌دهند که “شکوه حاکمیتی که در آثار بهائی وعده داده شده فقط می‌تواند در میقات معین ظاهر شود.”

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۷ فوریه ۲۰۱۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

نظم اداری بهائی البتّه جزء لاینفک تعالیم حضرت بهاءالله است. بنا بر این وظیفه مستمر احبّای الهی آن است که درک خود را از اصولی که این نظم بر آن متکی است عمیق سازند و آن اصول را صادقانه در اقدامات خود رعایت نمایند. حضرت ولی‌امرالله تأکید می‌فرمایند که مؤسسات نظم اداری بهائی بمنزله مجاری عمل می‌کنند که از طریق آن فیوضات موعوده حضرت بهاءالله جریان می‌یابد. خدمات این مؤسسات “برای پیشبرد منافع امرالله، هماهنگ کردن فعالیت‌ها، اجرای اصول، و تحقق آمال و تنفیذ اهداف امر بهائی” است و عملکرد آنها “نه فقط به عنوان هسته مرکزی بلکه در مقام الگوی موثق نظم جدید جهانی” می‌باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۹ ژوئیه ۲۰۱۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانی

ملّی)

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند به شما اطمینان دهیم که معهد اعلی نگرانی عمیق شما را در مورد انحصار عضویت بیت العدل اعظم به مردان و نیز تعهدتان به اصل تساوی حقوق زن و مرد درک می‌کنند. اما به طوری که بیت العدل اعظم قبلاً شرح داده‌اند “نکته مهمی را که بهائیان باید به خاطر داشته باشند اینست که با توجه به بیانات قاطع در آثار مقدسه بهائی در مورد تساوی حقوق مردان و زنان، واجد شرایط نبودن زنان در عضویت بیت العدل اعظم نمی‌تواند به عنوان دلیلی برای برتری مردان بر زنان تعبیر شود.” حضرت ولی‌عزیز امرالله در نامه‌ای مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۴۰ که از طرف آن حضرت نوشته شده در مورد عضویت بیت العدل اعظم، چنین توضیح فرمودند “از عدم وجود تساوی وظایف بین زن و مرد نباید چنین استنباط کرد که یکی از این دو ذاتاً مافوق یا مادون دیگری است و یا آنکه دارای حقوق مساوی نیستند.” اینکه ما نمی‌توانیم در حال حاضر

حکمت این محدودیت را که به وعده مؤکد حضرت عبدالبهاء نهایتاً روشن خواهد شد درک کنیم بدان معنا نیست که حکمتی وجود ندارد یا نهایتاً معلوم نخواهد شد.

۸۳.۲ با قبول دعوی حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور و تعالیم آن حضرت به عنوان حقایق الهی، احبّا باید مطمئن باشند که شرط مندرج در آثار مبارکه در باره عضویت بیت العدل اعظم با اصل تساوی زن و مرد که در همان آثار اعلان شده مغایرتی ندارد. حضرت شوقی افندی در این مورد می‌فرماید: «...، ”بہائیان می‌باید این بیان حضرت مولی‌الوری را با ایمانی عمیق قبول کنند و مطمئن باشند که هدایت الهی و حکمتی که در آن مستور است به تدریج بر عالمیان ظاهر و مشهود خواهد شد.“»^۱ (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۶ فوریه ۲۰۱۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۸۴.۱ مطالعه دقیق آثار بهائی و هدایات بیت العدل اعظم می‌تواند روشن سازد که چطور دو موضوع به ظاهر متضاد پس از درک مفاهیم و اصول متصل‌کننده آنها، منسجم هستند. شرایط خاص محل، زمان مناسب، و نیازهای گاه به گاه برای تمرکز نیز بر چنین مسائلی تأثیرگذار می‌باشد. (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۸۵.۱ همانطور که حضرت ولی‌امرالله برای ایفای مسئولیت‌های خویش از عنایت هدایت و صیانت الهی برخوردار بودند، بیت العدل اعظم نیز در آثار مقدسه از چنین عنایتی برای انجام وظایف خود برخوردار است. این هدایت است و نه قابلیت در تبیین موثق که تطابق تصمیمات بیت العدل با معنی نصوص مقدسه را تضمین می‌کند....

۸۵.۲ ... برای تحقق مسئولیت‌هایی که خداوند به آن معهد محول فرموده و به منظور وصول به استنتاجات ملهمه در این باره که احبّا در مواردی که معنای نصوص مقدسه صریح نباشد چه باید کنند، بیت العدل اعظم به دقت و به نحوی مبسوط هم آثار مقدسه و هم تقریرات حضرت شوقی افندی را در باره هر موضوع مطالعه نموده سپس تصمیم می‌گیرند. (ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۹ مارس ۲۰۱۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۸۶.۱ مکتوب آن یار گرامی حاوی سؤالاتی در باره برخی مطالب مربوط به مصونیت بیت العدل اعظم که در بین بعضی از دوستان مورد بحث قرار گرفته است ... واصل شد....

۸۶.۲ همانطور که مطمئناً مطلعید در آثار مبارکه بهائی بیانات بسیاری موجود است که در عبارات و الفاظی جامع و قاطع اعطای هدایات الهی و حفظ و صیانت ربّانی به ولیّ امر الله و بیت العدل اعظم را تضمین می‌نماید و عصمت موهوبی را توصیف می‌کند، از جمله این بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء است که می‌فرماید:

فرع مقدّس و ولیّ امر الله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهند من

عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصى الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله....

مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی. به بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آرا تحقق یابد همان حق و مراد الله است.

آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل به اتفاق آراء یا اکثریت در آن قراری دهد آن قرار و حکم محفوظ از خطاست. حال اعضای بیت عدل را فرداً فرداً عصمت ذاتی نه و لکن هیئت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است. این را عصمت موهوب نامند.

همچه ملاحظه نشود که بیت العدل به فکر و رأی خویش قراری دهند. استغفرالله بیت العدل اعظم به الهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتباعش فرض و مسلم و واجب و متحتم بر کلّ است ابداً مفری از برای نفسی نه. قل یا قوم انّ بیت العدل الأعظم تحت جناح ربکم الرحمن الرحیم ای صونه و حمایت و حفظه و کلاءته لآنه امر المؤمنین الموقنین باطاعة تلك العصبة الطيبة الطاهرة و الثلة المقدسة القاهرة فسلطنتها ملکوتیه رحمانیه و احکامها الهامیه روحانیه.

همچنین حضرت ولیّ امرالله در توقیعی به زبان انگلیسی می‌فرماید:

باید مدّ نظر داشت که همانطور که از بیانات مبارکه حضرت بهاءالله صریحاً مستفاد می‌شود، اعضای بیت العدل اعظم در تمثیت امور اداری امر الله و تشریع قوانین لازمه مکمله احکام کتاب اقدس نه مسئول موکلین خویشند و نه تابع عواطف و آرای عمومیّه و نه حتّی عقاید جمهور مؤمنین و یا منتخبین خود. اعضای بیت العدل اعظم باید با توجه و تبّتل از حکم و ندای وجدان خویش تبعیت نمایند و خود را موظّف دانند که با اوضاع و احوال جامعه آشنایی کامل کنند و قضایای محوّله را بدون شائبه غرض غور و بررسی نمایند ولیکن اخذ تصمیم بدون قید و شرط را حقّ مسلم خود دانند. بیان مبارک 'انه یلهمهم ما یشاء' وعده قاطع حضرت بهاءالله است. پس آنانند که مشمول وصول هدایت الهیه‌ای هستند که سبب حیات و کافل صیانت حتمی شریعت الله است، نه نفوسی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم آنان را انتخاب می‌نمایند.

علاوه بر این و بیانات مشابه، دیگر آثار بهائی حیطه مسئولیت‌های تفویض شده به ولیّ امر الله و بیت العدل اعظم را توصیف می‌نماید. اولاً هر یک حیطه مسئولیت متمایزی دارند. همانگونه که حضرت شوقی افندی در "دور بهائی" تشریح می‌فرماید این "... کاملاً واضح و روشن است که ولیّ امر مبین آیات الهی و بیت العدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است." بنا بر این، بیت العدل اعظم به تبیین آیات الهی نمی‌پردازند و حضرت ولیّ امرالله نیز وضع قوانین نفرمودند، اگرچه در مواردی در مقام مرجع امر تصمیماتی برای هدایت اقدامات احبّا تا قبل از تشکیل بیت العدل اعظم اتخاذ فرمودند.

۸۶۰۳

هرچند تبیین وظیفه مختصّ ولیّ امر الله و تشریع وظیفه خاصّ بیت العدل اعظم می‌باشد ولی برطبق نصوص مبارکه طیف کامل اختیارات و وظایف این دو مؤسسه به هیچ وجه محدود به این وظایف نیست. به عنوان مثال، حضرت شوقی افندی در

۸۶۰۴

بیانی به زبان انگلیسی می‌فرمایند ”هدف مشترک و بنیادین این دو مؤسسه آنست که استمرار اختیارات موهوبی را که از مصدر امر مبارک سرچشمه می‌گیرد حفظ نمایند، وحدت پیروان آیین نازنین را محفوظ دارند و اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش را صیانت کنند. و این دو مؤسسه لا ینفصم مُتَّفَقاً عمل می‌نمایند، امور امر الله را اداره می‌کنند، فعّالیت‌ها و مصالح امری را ترویج می‌دهند، قوانین بهائی را تنفیذ می‌کنند و تشکیلات تابعه را حمایت می‌نمایند.“ همچنین، حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا راجع به بیت العدل اعظم می‌فرمایند ”جميع مسائل مشکله در این مجلس حلّ گردد.“ و توضیح می‌فرمایند که آن هیئت مختار است که ”در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند.“

۸۶۰۵

در پاسخ به سؤالاتی در باره حوزه مصونیت ولیّ امر الله، در نامه‌ای که به زبان انگلیسی از جانب حضرت شوقی افندی مرقوم گردیده مطلبی مندرج است که ”معصومیت موهوبی ولیّ امر الله محدود به مطالبی است که مطلقاً مربوط به امر الهی و تبیین آثار است؛ در مواضع دیگر از قبیل اقتصاد و علوم و غیره عصمت موهوبی ندارند.“ در مکتوب دیگری به انگلیسی می‌فرمایند ”عصمت موهوبی ولیّ امر شامل تبیین کلمات منزله الهی و اجرای آنست. همچنین اطاعت کامل هر دستورالعملی را که او برای صیانت و سلامت امر الله صادر فرماید از الزامات است چه که او در حفظ و صیانت امر الله مصون از خطاست. برطبق نصّ صریح الواح وصایا، ولیّ امر مؤید به هدایات هم حضرت بهاءالله و هم حضرت ربّ اعلی می‌باشد.“ بدین ترتیب، اگرچه محدودیت‌هایی در عصمت موهوبی حضرت ولیّ امرالله وجود داشت ولی این عصمت منحصر به تبیین آثار مبارکه نبود بلکه مسئولیت‌های دیگر آن حضرت در مقام ولیّ امر و مرجع امر را نیز شامل می‌شد. در نامه‌ای دیگر صادره از جانب ایشان به زبان انگلیسی می‌فرمایند ”افراد احبّا این حق را ندارند که حوزه اختیارات ولیّ امر الله را محدود نمایند یا داوری نمایند که در چه موقعیتی باید از او اطاعت کنند و یا چه وقت آزادند که قضاوت او را رد نمایند. چنین طرز فکر و رفتاری واضحاً به آشفتگی و تفرقه خواهد انجامید.“ این بیانات در مورد حوزه عصمت موهوبی و اختیارات ولیّ امر الله می‌تواند به درک احبّای عزیز از حوزه عصمت موهوبی و اختیارات بیت العدل اعظم نیز کمک نماید.

۸۶۰۶

سؤال دیگر شما این است که ”آیا بدون اطلاع دقیق و کافی نسبت به آثار هیاکل مقدّسه و فهم دقیق نسبت به آنچه از قلم ایشان نازل و یا صادر گردیده است می‌توان قوانینی وضع نمود که در چارچوب آثار حضرت بهاءالله و آنچه آن حضرت برای این عالم خواسته‌اند باشد؟“ در آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، اشاره‌ای به ماهیت یا وسعت اطلاعاتی که بیت العدل اعظم باید در هنگام تصمیم‌گیری به آن دسترسی داشته باشند، نشده است. بیت العدل اعظم خود تعیین می‌نمایند که چه اطلاعاتی برای اتخاذ تصمیمات لازم است. قبل از وضع هر قانونی و یا اتخاذ تصمیم در هر موضوع مهمی، آن هیئت با کمال دقّت و جامعیت نصوص مبارکه و توقیعات حضرت شوقی افندی را در آن خصوص مورد مطالعه قرار می‌دهند و نظریات متخصصین را هم ممکن است جویا شوند. عصمت موهوبی بیت العدل اعظم منوط به توانایی برای تبیین و یا دسترسی به اطلاعات جامع و درک کامل از آن نیست بلکه برطبق آثار مبارکه تضمینی است بدون قید و شرط برای نزول هدایات الهی و مصونیت از خطا.

۸۶۰۷

مذاکره در باره مفهوم عصمت موهوبی بر اساس هدایات مربوطه که در آثار بهائی و دستخط‌های بیت العدل اعظم به وفور موجود است می‌تواند به ثبوت و رسوخ ایمان کمک نماید. ولی احبّای الهی نمی‌توانند نسبت به مقتضیات عهد و میثاق الهی، مطلبی اینچنین بنیادین و اساسی برای صیانت امر الله و یکپارچگی تعالیم مبارکه، بی‌تفاوت و یا مردّد باشند. افرادی که با امر مبارک مخالفت می‌ورزند و متأسفانه در برخی موارد کسانی که بدنبال پیشبرد نظریات شخصی خود می‌باشند ممکن است

چنین مباحثی را فرصتی مناسب برای تضعیف اطمینان احبّا به هدايات بيت العدل اعظم دیده از آن سوء استفاده کنند. آیا علیم نبودن هیکل مبارک در دوره ولایت این اجازه را به احبّا می‌داد که اقدام آن حضرت برای صیانت امر الله مثلاً اعلان نقض عهد یک فرد را زیر سؤال ببرند؟ آیا تمهیدات جهاد کبیر اکبر منوط به سلیقه اکثریت احبّا بود؟ آیا وضع ترتیبات اداری موقت توسط هیکل مبارک تا زمان انعقاد بيت العدل اعظم موضوعی برای مناظره بین افراد و یا مؤسسات بود؟ بدون تأکیدات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهء برای اتکای احبّا به یک مرجع معین و موثق، هر فردی می‌توانست بر صحت عقیده خود در هر مورد اصرار ورزد و در آن صورت امر مبارک دچار جدلهای بی‌پایان، اغتشاش و تفرقه می‌گردید.

۸۶۰۸

بنا بر این شاید برای بهائیان مهم‌تر از درک مشترک از معنی عصمت موهوبی همانا درکی کلی از مقصد آن و از مقتضیاتش برای روش و سلوک آنان می‌باشد. عهد و میثاق الهی مؤسس مرکزی است که تمام بهائیان به آن ناظرند، مرکزی که اعطای هدايات الهی و صیانت رحمانی به آن تضمین شده است. مرجعی که استمرار اختیارات موهوبی را که از مصدر امر مبارک سرچشمه می‌گیرد حفظ می‌نماید، وحدت پیروان آیین نازنین را محفوظ می‌دارد و اصالت و انعطاف‌پذیری تعالیمش را صیانت می‌کند. حضرت ولی‌امرالله توضیح می‌فرمایند که جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالهء ”با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه بيت العدل اعظم و ولایت امر الله را به عنوان جانشینان منتخب خویش معین فرموده‌اند که مقدر است اصول مبارکه را اجرا کنند، احکام را ترویج و مؤسسات را محافظت نمایند، با تمسک و درایت، احتیاجات امر الهی را با مقتضیات اجتماع پیش‌رو تطبیق دهند و میراث مرغوب خلل‌ناپذیری را که بانیان امر الله به عالم انسانی عطا فرموده‌اند به منصه ظهور رسانند.“ این است ضامن تحقق نوایای حضرت بهاءالله. حضرت ولی‌امرالله تشریح می‌فرمایند که ”هیچ چیز به جز هدايات صریح آثار آن دو وجود مقدس و لحن شدیداً مؤگدشان در بیان تمهیدات مندرج در وصایایشان نمی‌توانست موجب حفظ و صیانت امر مبارکی شود که در تمام طول حیات مقدسشان با چنان جدّیتی برای آن کوشیده‌اند. هیچ چیز جز این نمی‌توانست امر الله را از بدعت‌ها و مفت‌ریاتی که فرق و امم و دول تاکنون علیه آن به کار برده‌اند و در آینده نیز با شدّت و حدّت بیشتری مورد تهاجم قرار خواهند داد محافظت نماید.“ حضرت عبدالهء در بیانی در دفاع از عهد و میثاق می‌فرمایند:

... آیا این عهد و میثاق را جمال مبارک به جهت اطاعت کلّ گرفته‌اند یا به جهت مخالفت اگر به جهت مخالفت گرفته‌اند حرفی نداریم و اگر به جهت اطاعت و موافقت گرفته‌اند تزلزل سبب خسران مبین است و عدم اطاعت و عدم توجه ضلالتی عظیم.

و همچنین می‌فرمایند:

حال یا باید گفت جمال مبارک مخطی بود و سبب ضلالت ناس بود زیرا کلّ را دلالت بر اطاعت نفسی فرمود که جائز نه یا آنکه باید گفت ادنی انحراف از عهد و میثاق سبب محرومیت از الطاف نیر آفاق است از این دو شقّ یک شقّ صحیح است ثالث ندارد.

۸۶۰۹

این بدیهی است که هدف از عهد و میثاق الهی، هدف از هدایت و صیانت ربّانی که به بيت العدل اعظم عنایت شده، و هدف از بیانات واضح و قاطعی که چنین هدایتی را تضمین نموده همگی آن است که وحدت امر الله محفوظ ماند.

بدون چنین عهد و میثاقی، به مانند ادوار گذشته هر فردی بر صحت عقیده خود در هر مورد اصرار ورزیده و این امر موجب انشقاق امر مبارک می شود و حصول به مقصد الهی که همانا ایجاد وحدت عالم انسانی است غیر ممکن می گردد.

۸۶۰۱۰

شایسته است که احبّا در این نظم بدیع الهی که جمال مبارک به جهانیان ارزانی فرموده اند تعمّق نمایند. در عین حال که حضرت ولیّ امرالله فرموده اند ”معرفت دقیق و کامل چنین نظام وسیعی، چنین ظهور عظیمی و چنین ودیعه مقدّسی به دلیلی واضح و رای ادراک و احاطه عقول محدود ماست“ اطمینان می دهند که ”ما می توانیم — و در اصل وظیفه الزام آور ما است — که همزمان با کوشش در راه ترویج امر الله سعی بلیغ نماییم تا به کسب الهامات تازه و اعانات مضاعف از طریق فهم دقیق تر حقایق و اصول بنیادین آن نائل شویم.“ سعی در توصیف دقیق ماهیّت عصمت موهوبی، نسبت دادن خصیصه هایی مبالغه آمیز به بیت العدل اعظم از قبیل علیم و حتّیّ مبین آیات بودن، و یا اصرار ورزیدن بر اینکه انسان های جائز الخطا می توانند با استفاده از قوای محدود عقل و خرد خود اعتبار تصمیمات ملهم از هدایات الهی را زیر سؤال برده تصوّر کنند که می توانند آن را به چالش کشند اعمالی بیهوده و نهایتاً زیان بار است. برعکس، شایسته است احبّای الهی سعی بلیغ مبذول دارند تا درک عمیق تری از هدایات بیت العدل اعظم کسب کنند و متفکّرانه در اجرای آن بکوشند. احبّا مختارند مشاهدات، اطلاعات و یا پرسش های خود را به بیت العدل اعظم ارسال دارند ولی نباید به خود اجازه دهند که درگیر مشاجرات لجوجانه و اقدامات تفرقه آمیزی شوند که در ادیان گذشته رایج بوده است. پیشرفت مصالح کلیّ امر الهی از طریق مشورت و همکاری حاصل می شود نه مشاجره و جدال.

(نامه مورّخ ۱۸ مه ۲۰۱۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

۸۷۰۱۱

بیت العدل اعظم توضیحات اندیشمندانه و صمیمانه شما را در باره رابطه بین اصل تساوی حقوق زن و مرد و عدم انتخاب زنان به عضویت بیت العدل اعظم دریافت نمودند. همانطور که آگاه هستید نفس مقدّس حضرت بهاءالله خود اصل تساوی زن و مرد را مقرر فرمودند. همانطور که این اصل را هیکل مبارک تعیین نمودند انحصار عضویت بیت العدل اعظم به رجال نیز امر آن حضرت است و این انحصار در بیانات منصوص حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی تأیید شده است. در نامه خود عوامل مختلفی را بررسی نموده نتیجه گیری می کنید که نمی توانید ”دلایلی را که تا کنون ارائه شده“ بپذیرید. امّا در آثار بهائی هیچ دلیلی ارائه نشده و بیت العدل اعظم نیز دلیلی ارائه نکرده اند. در آثار بهائی فقط ذکر ”حکمت“ در رابطه با این انحصار آمده است که ”به تدریج بر عالمیان ظاهر و مشهود خواهد شد.“ البته اینکه ما نمی توانیم در حال حاضر حکمت این محدودیت را درک کنیم بدان معنا نیست که حکمتی وجود ندارد یا نهایتاً معلوم نخواهد شد. لذا تا آن زمان چون ما بهائیان حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر الهی برای این عصر می شناسیم و ایمان داریم که هیکل مبارک در مقام طیب الهی مشکل عدم تساوی زن و مرد را حل خواهند نمود، ما این اصل را که او ”یفعل ما یشاست“ قبول می نماییم.

(ترجمه ای از نامه مورّخ ۱۸ ژوئن ۲۰۱۹ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا)

فهرست

اختیارات و وظایفی که به بیت العدل اعظم تفویض شده، ۵۳۰۱، ۶۶۰۱، ۷۷۰۲

امور ملّت، ۸۰۱، ۹۰۱

امور سیاسیّه، ۸۰۲، ۳۶۰۱، ۶۷۰۱-۲

به مقتضای احتیاجات زمان، ۸۰۲، ۱۲۰۲، ۱۹۰۱، ۳۵۰۱، ۵۳۰۱، ۵۷۰۱۱

۵۷۰۱۳، ۵۷۰۱۵، ۵۸۰۷، ۶۸۰۱، ۷۲۰۱، ۸۰۰۱، ۸۶۰۸

تریت عباد، ۷۰۱

تعمیر بلاد، ۷۰۱

حفظ اصالت و اتحاد امر الله، ۵۱۰۱، ۵۲۰۲، ۵۷۰۱۳، ۵۸۰۱۶

حفظ شرافت انسانی، ۷۰۱، ۵۳۰۱

حفظ و صیانت دین الهی، ۹۰۱

حفظ و صیانت امر الله، ۵۸۰۸، ۵۹۰۶، ۷۲۰۱، ۷۶۰۱۷؛ حفظ نفوس، ۲۰۱

۶۰۱، ۷۰۱

مشترک با مقام ولایت امر، ۳۴۰۱، ۵۷۰۱۱، ۵۸۰۸، ۵۸۰۱۷، ۶۲۰۲، ۶۳۰۲

۷۶۰۱۷؛ اجرای آثار منزله الهی، ۵۷۰۱۳، ۶۳۰۲، ۷۲۰۱، ۸۶۰۴؛ تضمین

وحدت پیروان، ۳۸۰۳، ۵۸۰۸، ۵۸۰۱۶، ۶۳۰۲، ۷۲۰۱، ۸۶۰۴، ۸۶۰۸؛

صیانت از اصالت و انعطاف پذیری تعلیمش، ۳۸۰۳، ۵۱۰۱، ۵۸۰۸، ۶۳۰۲

۷۲۰۱، ۸۶۰۴، ۸۶۰۸؛ صیانت و انتشار امر الله، ۵۳۰۱، ۵۸۰۸، ۵۸۰۱۶-۱۷

۸۶۰۸، ۷۲۰۱

مصالح عباد، ۶۰۱

اطاعت از بیت العدل اعظم، ۸۰۲، ۱۰۰۱، ۱۲۰۱، ۱۳۰۱، ۱۴۰۱، ۱۶۰۱، ۱۷۰۱، ۲۰۰۱، ۱۹۰۲-۳

۸۶۰۲، ۷۷۰۲-۳، ۷۶۰۲۱، ۷۱۰۹، ۵۸۰۱۵، ۵۸۰۷، ۵۷۰۸

اغصان، عنوان، ۷۶۰۱۰

الواح نقشه ملکوتی، ۶۴۰۱

الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، ۲۷۰۲، ۲۹۰۱، ۲۹۰۳، ۳۳۰۳، ۳۴۰۳، ۳۸۰۲، ۳۸۰۵، ۴۹۰۱

۵۴۰۱، ۵۷۰۳، ۷۶۰۳-۷، ۷۱۰۷-۸، ۵۹۰۱۸، ۵۹۰۱۵، ۵۹۰۴، ۵۸۰۲، ۵۷۰۱۴-۱۵، ۵۷۰۸-۹

۸۶۰۵، ۷۶۰۱۹، ۷۶۰۱۰

به تدریج ظاهر و آشکار گردد، ۲۷۰۲، ۵۷۰۱۵

رموز و حقایق ملکوتیه به ودیعه گذاشته، ۲۵۰۱

منشور نظم اداری، ۷۱۰۹

الهامات الهی، ۵۰۱، ۸۰۲، ۸۶۰۲، ۷۵۰۱، ۶۵۰۴، ۵۸۰۷، ۳۹۰۱، ۲۶۰۱، ۱۹۰۲-۳

انتخاب بیت العدل اعظم، ۲۰۰۱، ۳۲۰۱، ۵۴۰۱، ۷۰۰۹، ۸۶۰۲

روش انتخابات، ۱۰۰۱، ۱۱۰۱، ۱۲۰۱، ۷۶۰۱۳، ۵۷۰۸، ۲۲۰۱، ۱۷۰۲-۳

۷۶۰۲۱

مقتضی بودن زمان، ۳۲۰۳، ۳۳۰۳، ۴۸۰۱، ۵۴۰۱، ۵۷۰۳، ۵۷۰۶، ۵۷۰۹

۵۸۰۱، ۷۶۰۳-۴

یک انتخاب سه مرحله‌ای، ۷۶.۱۳، ۵۷.۸، ۲۹.۱-۳،

انجمن‌های متفرقه علمیّه و اجتماعیّه، ۳۳.۳، ۴۲.۱، ۷۱.۶

ایادی امر الله، ۳۸.۱، ۷۶.۱۹، ۷۶.۶-۷، ۶۲.۱-۲، ۵۸.۱۷، ۵۸.۲، ۵۷.۷، ۵۷.۴-۵،

بدعت، ۱۸.۱، ۳۴.۴، ۸۶.۸

بلوغ نوع انسان، ۶۸.۱

بیت العدل اعظم تحت صیانت الهی، ۱۷.۱، ۸۶.۶، ۸۶.۲، ۸۵.۱، ۵۹.۵، ۵۸.۷، ۱۹.۲-۳،

تبیین، ۴۰.۱، ۷۰.۹، ۶۸.۱، ۶۳.۲، ۵۹.۱۵، ۵۹.۷، ۵۹.۵، ۵۸.۱۳، ۵۸.۸، ۵۸.۴، ۵۷.۱۲-۱۳،

۷۱.۷، ۷۴.۱

استنباطات و تفاسیر شخصی، ۱۹.۴، ۵۸.۷، ۵۸.۱۱، ۵۸.۱۳، ۶۵.۱،

۶۵.۳، ۶۸.۱، ۷۷.۴، ۷۷.۱، ۷۱.۳-۴،

مفاوت از توضیح، ۵۷.۱۳، ۷۵.۱

مفاوت با تبیینات در ادیان دیگر، ۶۸.۱، ۶۵.۱-۲،

تشکیل بیت العدل اعظم، ۵۹.۱۵، ۴۹.۱، ۴۲.۱، ۳۳.۳، ۳۰.۱، ۲۳.۱، ۸.۱-۲، ۴.۱-۲،

۷۶.۱۳-۱۶

توضیح مسائل مبهمه، ۵۳.۱، ۵۷.۱۳، ۷۵.۱

حراست از انحراف و فساد، ۲.۱، ۷۷.۱، ۶۹.۱، ۵۹.۱۴، ۳۵.۱، ۳۴.۱-۵،

حضرت شوقی افندی

از مقام آینده خود اطلاع نداشتند، ۷۶.۳

جانشینی، ۵۲.۲، ۵۶.۱، ۵۷.۳، ۵۸.۲، ۵۸.۱۷، ۷۶.۱۹، ۷۶.۱۱، ۷۶.۶-۸،

صعود، ۵۸.۱۵، ۵۹.۱۴، ۷۶.۵، ۷۶.۸، ۷۶.۱۸-۱۹،

وصیت، ۵۸.۲-۳

دو مرجع مختار، ۱۶.۱، ۵۹.۵، ۵۹.۱۵، ۸۶.۷

رابطه بین ولایت امر الله و بیت العدل اعظم، ۳۲.۴، ۳۸.۳، ۵۷.۱۱، ۵۸.۴، ۵۸.۶، ۵۹.۵، ۶۳.۲،

۷۴.۱

تشریع قوانین، ۴۰.۱، ۵۹.۷-۸، ۵۸.۴-۶، ۵۷.۱۱-۱۲،

جدایی ناپذیری، ۳۸.۳، ۵۸.۹، ۸۶.۴

همچنین رجوع شود به ولیّ امر و ولایت امر الله، در مقام ریاست بیت العدل اعظم

زنان، ۸۷.۱، ۸۳.۱-۲، ۱۵.۱-۲

شورای بین‌المللی بهائی، ۴۷.۱، ۷۶.۱۹، ۷۶.۱۶، ۷۶.۱۴، ۷۰.۱۱، ۵۷.۲-۳

عبادت، ۸.۲، ۶۷.۱

عضویت بیت العدل اعظم، ۲۳.۱، ۴۳.۱

علما

آراء آنها، ۶۵.۳، ۷۱.۴، ۷۶.۷

استنباط افراد را حکمی نه مگر تصدیق بیت العدل، ۱۹.۴، ۵۸.۷، ۷۷.۱

ترویج هر نوع یادگیری، ۷۹.۱، ۷۸.۱، ۷۱.۶-۷

زنان، ۱۵.۲، ۸۷.۱، ۸۳.۱-۲

شرایط عضویت، ۱۱.۱

عزل از عضویت، ۱۱.۱، ۵۷.۱۶، ۵۸.۱۷

علما، ۱۹.۴، ۵۸.۷، ۷۱.۱، ۷۱.۳، ۷۷.۱، همچنین رجوع شود به علما

علو اخلاقی از شرایط لازمه برای نمایندگان منتخب، ۴۱.۱-۲

عملکرد بیت العدل اعظم

وضع قوانین توسط بیت العدل اعظم، ۴۹.۱، ۵۳.۱، ۶۸.۱-۲، ۶۶.۱، ۵۹.۸، ۵۹.۵، ۵۸.۷-۸

احکام فرعی، ۱۱.۱، ۱۷.۱، ۲۰.۱، ۳۹.۱، ۴۰.۱، ۴۴.۱، ۵۳.۱، ۵۷.۸

۵۷.۱۱، ۵۷.۱۳، ۵۸.۴، ۵۹.۵، ۵۹.۱۶، ۶۰.۱، ۶۳.۲، ۷۲.۱، ۸۰.۱

۸۶.۲-۳؛ ایراد ولی امر الله، ۵۹.۸؛ به مقتضای زمان، ۱۲.۲، ۱۹.۱، ۵۳.۱

۵۸.۷؛ تمهیدات لازم، ۶۵.۴، ۶۸.۱؛ حکمت، ۱۹.۱، ۱۹.۴، ۳۵.۱

۴۶.۱، ۵۷.۱۳، ۵۸.۷

اصل اعتدال، ۶۸.۱

بدون حضور ولی امر، ۵۸.۱۷، ۵۸.۱۲، ۵۸.۹، ۵۸.۶، ۵۷.۱۶، ۵۷.۱۰-۱۱

۱۷-۱۶، ۵۹.۲. همچنین رجوع شود به رابطه بین ولایت امر الله و بیت

العدل اعظم

تفاوت با تبیین، ۴۰.۱، ۵۸.۴، ۶۵.۱، ۶۵.۴، ۷۵.۱

تفاوت با تشریع در ادیان دیگر، ۱۹.۴، ۵۸.۷، ۶۵.۱، ۶۵.۴، ۶۸.۱

توضیح، ۷۵.۱

حوزه اختیارات، ۳۸.۴، ۵۷.۱۰، ۵۸.۶، ۵۹.۲، ۵۹.۱۶-۱۷

در آینده، ۲۶.۱، ۳۲.۲، ۳۳.۳، ۴۲.۱، ۶۷.۱-۲؛ روابط با دولت‌ها، ۱۱.۱

۳۶.۱

فرایند وضع قوانین، ۳۹.۱، ۵۷.۱۲، ۵۸.۶، ۵۹.۱۰، ۶۳.۲، ۷۲.۱، ۸۵.۲

۸۶.۲، ۸۶.۶

مبنای تصمیمات، ۱۷.۱، ۱۹.۲، ۳۹.۱، ۵۸.۷، ۷۶.۹، ۸۶.۲؛ ترتیب و
 نظام، ۱۷.۱، ۲۰.۱، ۲۱.۳، ۵۷.۸، ۸۶.۲؛ حقایق، ۶۳.۲، ۷۲.۱، ۸۶.۶؛
 مشورت، ۵.۱، ۵۹.۸؛ وجدان فردی، ۶۵.۴، ۷۷.۱، ۷۸.۱-۲؛
 عهد و میثاق، ۲.۱، ۱۰.۱، ۲۲.۲، ۶۱.۱، ۵۹.۱۲، ۵۸.۱۰، ۵۷.۱۱، ۵۷.۱۴، ۵۵.۱، ۳۴.۲-۳؛
 ۷۰.۲-۳، ۷۱.۵، ۷۶.۲۰، ۷۷.۵، ۸۶.۷-۹
 مجرای هدایت الهی، ۵۵.۱، ۷۱.۵، ۸۶.۸
 استمرار خواهد داشت، ۴.۲، ۵۹.۱۴، ۷۶.۹، ۸۶.۸
 اکبر و اصغر، ۶۱.۱
 قانون اساسی بیت العدل اعظم، ۵۱.۱، ۷۰.۴، ۵۸.۱۷، ۵۷.۱۶، ۵۴.۱، ۵۳.۱، ۵۲.۱-۲؛
 کتاب اقدس، ۸.۱، ۳۲.۱، ۳۲.۴، ۳۳.۱، ۳۸.۱، ۳۸.۵، ۳۹.۱، ۴۰.۱، ۵۷.۱۱، ۵۸.۱۶، ۵۹.۴،
 ۵۹.۶، ۵۹.۱۳، ۵۹.۱۵، ۶۰.۱، ۶۷.۱، ۷۶.۵، ۸۶.۲
 احکام، ۳۷.۱، ۳۹.۱، ۴۰.۱، ۶۰.۱
 منشور تمدن جهانی آینده، ۲۳.۱
 کتاب عهدی، ۳۴.۳، ۵۹.۱۵، ۸۶.۸
 لوح کرمل، ۴۹.۱، ۴۲.۱، ۳۳.۳، ۴.۱-۲
 محافل روحانی ملّی
 ارکان بیت العدل اعظم، ۳۳.۱، ۵۰.۱
 انتخاب کنندگان بیت العدل اعظم، ۲۹.۳، ۵۴.۱، ۷۶.۱۳
 موسوم به بیت عدل خصوصی، ۱۱.۱، ۲۶.۱، ۲۹.۳، ۳۲.۱، ۳۳.۳
 محکمه رسمی بهائی، ۷۶.۱۶، ۷۶.۱۲-۱۳
 مرجع امر الهی، ۵۲.۲، ۶۲.۲، ۶۳.۲، ۷۰.۱۱، ۸۶.۵، ۸۶.۳، ۷۶.۱۷، ۷۶.۳-۴
 مرجعیت
 استمرار اختیارات موهوبی، ۳۸.۳، ۴۶.۱، ۵۱.۱، ۵۵.۱، ۵۸.۸، ۶۳.۲،
 ۷۲.۱، ۸۶.۴، ۸۶.۸
 بیت العدل اعظم، ۵۲.۱، ۵۳.۱، ۷۷.۲-۳؛ دو وصی، ۳۴.۱، ۳۴.۳، ۵۱.۱،
 ۵۷.۱۱، ۸۶.۸
 قضایای ما به الاختلاف، ۱۲.۲، ۱۶.۱، ۱۷.۱، ۵۳.۱، ۵۷.۸، ۵۷.۱۳،
 ۵۹.۶، ۷۰.۳، ۷۱.۸، ۷۶.۲، ۷۶.۸، ۸۶.۴؛ ماهیت وسیع، ۷۱.۸،
 ۸۶.۴، ۷۷.۲-۳؛ متفرعات راجع به بیت عدل (رجوع شود به قسمت تشریع و
 وضع قانون بیت العدل اعظم)؛ مرجع کلّ، ۱۳.۱، ۵۲.۲، ۵۸.۱۵-۱۶،
 ۸۶.۸، ۷۶.۱۷، ۵۹.۱۵؛ مرجع کلّ امور، ۱۱.۱، ۵۵.۱، ۷۷.۴؛ مسائل
 مبهمه، ۱۲.۲، ۵۳.۱، ۵۷.۳، ۵۷.۱۳، ۵۷.۱۵، ۵۹.۶، ۷۰.۳، ۷۱.۸

۷۶.۲، ۸۶.۴؛ نسخ قوانین، ۱۲.۲، ۳۷.۱، ۴۶.۱، ۵۷.۱۳، ۶۵.۴، ۶۸.۱،
۷۵.۱؛ هر مسئله غیر منصوصه، ۵.۱، ۵۷.۱۱، ۳۶.۱، ۲۰.۱، ۱۲.۱-۲،
۸۶.۲، ۷۶.۲۱، ۷۶.۲، ۷۵.۱، ۷۱.۸، ۷۰.۳، ۵۹.۱۵، ۵۸.۱۵، ۵۷.۱۳،
۸۶.۴

مصونیت، ۲۱.۱، ۴۵.۱، ۷۷.۴

تبیّنات ولیّ امر الله، ۵۹.۵، ۶۳.۱، ۷۴.۱، ۷۷.۳، ۸۵.۱، ۸۶.۵، ۸۶.۷

عصمت موهوب، ۳-۲۱.۲، ۸۶.۲، ۸۶.۱۰، ۸۶.۶-۸

لزوم ذاتی، ۲۱.۱، ۲۱.۴

محافل روحانی ملّی و محلّی از عصمت موهوبی برخوردار نیستند، ۵۹.۱۷

مصونیت بیت العدل اعظم، ۸۶.۱

اعضای بیت عدل را فرداً عصمت ذاتی نه، ۸۶.۲؛ اطلاعاتی

که باید در دسترس داشته باشد، ۷۲.۱، ۸۶.۶؛ مفاهیم

مربوطه، ۱۰.۱، ۱۷.۱، ۱۹.۲، ۵۷.۸، ۵۸.۷، ۵۹.۵، ۷۴.۱،

۷۶.۲۱، ۷۷.۲، ۸۶.۲؛ حوزه مصونیت، ۷۷.۲، ۸۵.۱

۸۶.۵؛ در رابطه با حیطه تشریع، ۵۸.۶، ۵۹.۶؛ محدود کردن

به افراد مربوط نه، ۷۷.۳، ۸۶.۵؛ وعده داده شده، ۵.۱،

۱۰.۱، ۱۹.۳، ۳۹.۱، ۵۸.۷، ۵۸.۱۶، ۵۹.۱۷، ۷۷.۲

۸۵.۱، ۸۶.۲، ۸۶.۶، ۸۶.۹

نظام‌نامه محافل روحانی ملّی و محلّی، ۵۹.۱۷، ۶۵.۴، ۷۰.۴

تمهیدات لازمه، ۲۴.۱، ۲۵.۱، ۲۶.۱، ۲۸.۱، ۴۷.۱، ۴۱.۲، ۳۳.۱-۲

۷۶.۱۴، ۷۶.۴، ۷۰.۱۱، ۵۷.۱۴، ۵۰.۱

نظم اداری، ۶۹.۱، ۷۰.۴، ۷۱.۵، ۷۳.۱، ۸۲.۱

ایمان، ۵۷.۱۴، ۵۸.۱۰، ۸۳.۲؛ خضوع، ۵۷.۱۴، ۵۸.۱۱، ۷۱.۵؛ قیام احبّاء،

۵۰.۱؛ محبّت، ۷۰.۱۳، ۷۷.۴، ۸۱.۱

الگوی موثق نظم جدید جهانی، ۳۴.۱، ۵۴.۱، ۷۳.۱، ۸۲.۱

انظمه حکومتی، ۳۹.۱، ۷۰.۱۲، ۷۰.۷-۱۰

انعطاف‌پذیری در جنبه‌هایی ثانوی، ۵۵.۱، ۶۵.۴، ۷۰.۴

بدون حضور ولیّ امر، ۳۸.۴، ۵۷.۱۰، ۵۸.۹، ۷۰.۱۰، ۷۶.۹

بمنزله مجاری عمل می‌کنند که از طریق آن فیوضات موعوده حضرت بهاءالله

جریان می‌یابد، ۸۲.۱

به تدریج و به طور طبیعی، ۷۳.۱، ۳۲.۱-۳

دو رکن، ۳۸.۲، ۶۳.۲

سرچشمه، ۱۰.۱، ۲-۴.۱، ۵۹.۱۵، ۳۸.۱، ۳۳.۱-۳

نظم جهانی حضرت بهاء‌الله، ۱۰.۱

بیت العدل اعظم: اقدام لازم را برای استقرار نظم جهانی حضرت بهاء‌الله در
عالم مجرا می‌دارد، ۵۷.۱۳؛ تاج مفخرت مؤسّسات، ۵۰.۱؛ سرچشمه نظم
الهی، ۳۳.۱

قبول قاطعانه آن، ۲۷.۲، ۵۰.۱، ۵۷.۱۴

قد اضطرّب النّظم من هذا النّظم الأعظم، ۱۰.۱

کسب درک کامل‌تر مستلزم زمان و هدايات بیت العدل اعظم الهی، ۲۷.۲،

۵۷.۱۵، ۵۸.۳، ۸۱.۱

نقض عهد، ۱۳.۱، ۱۶.۲، ۵۷.۷، ۵۷.۱۶، ۷۱.۹، ۸۶.۲، ۷۶.۱۷-۲۲

ولّی امر و ولایت امر الله، ۱۰.۱، ۶۲.۱، ۷۶.۳

توقّفی را در سلاله، ۳.۱، ۵۶.۱، ۵۷.۳، ۵۸.۲، ۷۶.۵، ۵۹.۱۲-۱۴

۷۶.۸-۹

ریاست بیت العدل اعظم، ۱۱.۱، ۵۷.۱۱، ۵۸.۵، ۵۹.۷

مسئولیت‌های تفویض شده، ۶۳.۱، ۶۲.۲، ۵۹.۷، ۵۸.۴، ۵۷.۱۱-۱۳

۷۴.۱، ۸۶.۳

همچنین رجوع شود به رابطه بین ولایت امر الله و بیت العدل اعظم، حضرت

شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امر الله

هدایات بیت العدل اعظم، ۱۳.۱، ۲۷.۲، ۵۷.۶، ۷۱.۵، ۵۹.۱۵، ۵۸.۱۵، ۵۸.۳، ۵۷.۱۴-۱۵

۷۱.۹، ۷۸.۱، ۷۹.۱، ۸۱.۱، ۸۴.۱، ۸۶.۷، ۸۶.۱۰

[یادداشت‌ها]

- ۱ نظم اداری بهائی. ←
- ۲ قاره آمریکا. ←
- ۳ حضرت ورقه علیا. ←
- ۴ دو ضریح مقدس در حيفا و عکا. ←
- ۵ ۲۱ آوریل ۱۹۶۳ مطابق ۱ اردیبهشت ۱۳۴۲ شمسی. ←
- ۶ نامه مورخ ۲۵ اوت ۱۹۲۶ صادره از جانب حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّا. ←
- ۷ به شماره ۵۸ مراجعه فرمایید. ←
- ۸ از پیش‌گفتار قانون اساسی بیت العدل اعظم. ←
- ۹ قرآن ۳۹:۶۹. ←
- ۱۰ به شماره ۱۵ مراجعه فرمایید. ←

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ ژانویه ۲۰۲۶، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر